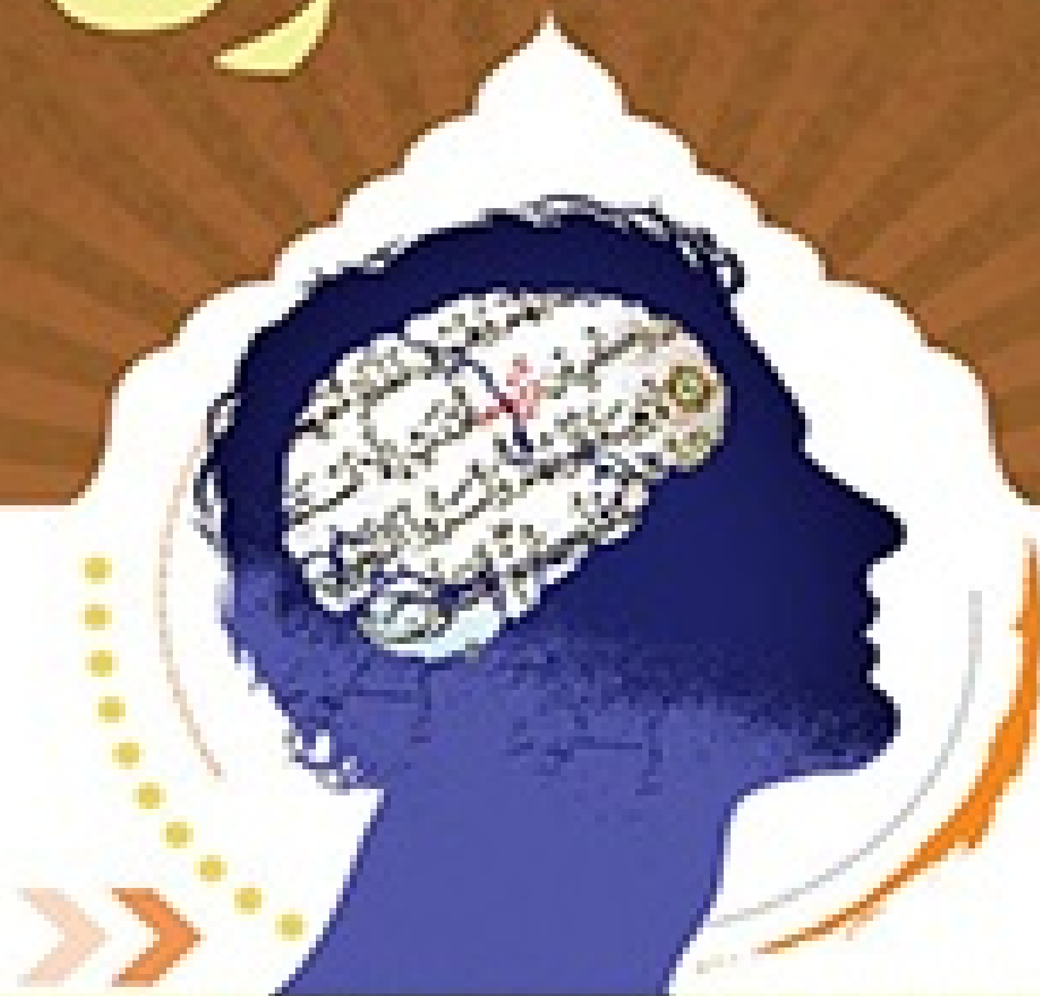
اصول و روش های حفظ قرآن



سید علی میرداماد نجف آبادی

پژوهشگاه بین المللی المصطفی

مشخصات کتاب

سرشناسه:میرداماد نجف آبادی، سیدعلی

عنوان و نام پدیدآور:اصول و روش های حفظ قرآن [کتاب]/ سیدعلی میرداما د نجف آبادی.

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشرالمصطفی (ص)، 1435 ق.= 1393.

مشخصات ظاهری:175 ص.

فروست:پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله؛ 772.

شابک:95000 ریال:978-964-195-851-2

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتابنامه: ص. [173]- 175؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:قرآن-- حفظ-- راهنمای آموزشی

موضوع:قرآن -- حفظ

شناسه افزوده:جامعه المصطفی(ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)

رده بندی کنگره:BP80/8/م9الف6 1393

رده بندی دیویی:297/15107

شماره کتابشناسی ملی: 3520685

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص :2

اصول و روش های حفظ قرآن

سیدعلی میردامادی نجف آبادی

ص: 3

سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدید آمدن دانش های نو، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آن، ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت چهره های متخصص را ضروری می نماید. ازاین رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث، با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می شود و گاه در نگارش بحث های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

ص:5

در این بستر، حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

«جامعه المصطفی(صلی الله علیه و آله) العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)» با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای سید علی میرداماد نجف آبادی مؤلف کتاب اصول و روش های حفظ قرآن و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند, آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(صلی الله علیه و آله)

ص:6

مقدمه پژوهشگاه بین المللی المصطفی(صلی الله علیه و آله)

حقیقت مداری اصیل ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت جویی بشر، سرشار از هنرنمایی مؤمنان، مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای بندی به حقیقت بی منتها، در مصاف بین حق و باطل، سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته اند و در این میان، چه درخشندگی چشم نوازی در اسلام عزیز است که علم را به ذات خود، شرافتمند و فخیم دانسته و از باب تا محراب، کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می نمایاند و در مکتب آن، جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش، کسی را توان دست یابی به گنجینه های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم، در پرتو انوار آسمانی وحی، هم به فرد کمال انسانی، عظمت روحی و رشد معنوی می بخشد و فکر، اندیشه و خیال او را به پرواز درمی آورد، و هم جامعه را سمت و سویی سعادتمندانه بخشیده و آن را به جامعه ای متمدن و پیشرو متحول می کند. بی توجهی یا کوته فکری است اگر فرد و جامعه ای به دنبال عزت، استقلال، هویت، امنیت، سعادت و سربلندی

ص:7

مادی و معنوی باشد، اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی، علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است، با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی «ولایت فقیه»، طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان، بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت.

در این راستا، رهبر فرزانه انقلاب(مدظله) با عزمی مصمم و با تمامی توان، همچون پیر و مراد خود خمینی کبیررحمه الله، در صحنه حاضر شده و با تأکید بر اهمیت و فوریت این حرکت فراگیر و بی وقفه، همه توانمندی ها و اراده ها را جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش افزا راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی(صلی الله علیه و آله) العالمیه، نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان، عالمان، محققان، متخصصان، مدرسان، مبلغان، مترجمان، مربیان و مدیران پارسا، متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت(علیهم السلام) جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی(صلی الله علیه و آله) نیز که مهم ترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی(صلی الله علیه و آله) است، بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصر، متناسب

با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل، تبیین، تولید و تعمیق اندیشه دینی، گشودن افق های جدید فکری و معرفتی در دنیای معاصر، پاسخ گویی به مسائل و شبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تدوین متون و منابع درسی و کمک درسی، به ویژه با رویکرد اسلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی(صلی الله علیه و آله) را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش رو نیز به همت مؤلف محترم جناب آقای سید علی میرداماد نجف آبادی و برای دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن، در چارچوب اهداف و برنامه های پژوهشگاه و مبتنی بر نیازسنجی های صورت گرفته، تهیه و تدوین شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مؤلف/مترجم محترم، از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشمند، به ویژه همکاران محترم مرکز بین المللی نشر و ترجمه المصطفی(صلی الله علیه و آله) و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند، قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی، آرزوی بهروزی، موفقیت و سعادت نماییم.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی(صلی الله علیه و آله)

فهرست

ص:14

ص:15

ص:16

ص:18

مقدمه

نور در قاموس بشریت، جلوه ای از همه پاکی ها و نشانه ای از رشد و هدایت و روزنه ای به سوی سعادت است. نور، زندگی است و شادابی، نور کمال است و جمال. نور اوج تمام خواسته های حقیقی انسان و تجلی رحمت بیکران الهی می باشد و قرآن، نور مطلق است: (...قَدْ جاءَکُمْ مِنَ اللّهِ نُورٌ وَ کِتابٌ مُبِینٌ) ؛ (1) زیرا سخن کسی می باشد که خود نور است: (اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...) ؛ (2) نوری که محتاج هیچ چیز برای نورافشانی خود نیست، بلکه هرچه نور در عالم وجود است، رهین اوست. نوری است بر روی نور « نُورٌ عَلی نُورٍ» . هرگاه خدا بخواهد، پرتوهایی از این نور را در سینه بندگان خود قرار می دهد: (...وَ لکِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا...) 3 و آن کس که صاحب این نورِ فراگیر گردد؛ نورانی می شود، به کمال می رسد، رشد می یابد، خود باعث هدایت می گردد و در نهایت، رنگ الهی می یابد. آری، آن زمان است که به مقام نبوت می رسد، اما فقط به او وحی نمی شود.

1- (1) . مائده، آیه 15.
2- (2) . نور، آیه 35.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که قرآن را حفظ کند، مانند آن است که نبوت در وجود او درج شده (و همه صفات پیامبران را دارد)؛ جز آن که به او وحی نمی شود».

حافظ قرآن، دارای نور است و نورانیت، سینه اش جایگاه وحی است و این سینه از عذاب محفوظ می باشد و اگر برای ایمان، درجاتی است و بهشتیان براساس ایمانشان مستحق درجات مختلف فردوس برین اند، حافظ قرآن در اعلا درجه بهشت جای خواهد داشت. باید دانست که این برترنشینی، نه فقط در آخرت، بلکه در دنیا نیز هست؛ که آخرت، فقط تجلی اعمال است و این دنیا مزرعه کشت اعمال، و حافظ قرآن، حقیقتاً در این دنیا مافوق دیگران است و این برتری، فقط در آخرت ظهور می یابد و بس.

با این اوصاف، حافظ کلام نورانی وحی باید شاد و خوشحال باشد؛ زیرا فضل الهی او را دربرگرفته و فقط به خاطر فضل و رحمت الهی است که باید خشنود بود: (قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِمّا یَجْمَعُونَ) . (1)

آری، اگر خداوند متعال اراده خیر به این بنده اش نداشت، اگر او را بیش از دیگران دوست نمی داشت، اگر او را از میان دیگر بندگانش برنگزیده بود، هرگز به او توفیق حفظ کلامش را نمی داد و او را به این کرامت مفتخر نمی کرد. اما آنچه نشان از این مدعا دارد، آن است که پروردگار جهانیان، هرگاه بنده ای را بسیار دوست بدارد، مقام شفاعت در آخرت را برایش در نظر می گیرد. مقام شفاعت، جایگاهی والا و مخصوص اهل الله است و چنین مقدر شده که حافظِ معجزه بی همتای نبی مکرم(صلی الله علیه و آله)، علاوه بر آن که خود وارد بهشت و رضوان الهی می شود، اجازه دارد تا ده نفر از نزدیکانش را که همگی اهل آتش و جهنمی بوده اند، شفاعت کند و سعادتمند

1- (1) . یونس، آیه 58.

سازد: «

من استظهر القرآن و حفظه و احل حلاله و حرم حرامه ادخله الله به الجنه و شفعه فی عشره من اهل بیته کلهم قد وجب له النار ». (1)

وه که چه عظمتی دارد، حافظ سخن خدای رحمان؛ سخنی که پروردگار، بهترین خلایقش را برگزید تا این کلام را بر او وحی کند: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ) 2 سخنی جاویدان که سراسرش اعجاز و اولین معلمش خداست: (الرَّحْمنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ) . (2)

قرآن بر وجود مقدس پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نازل شد و ایشان طی 23 سال، این بار سنگین رسالت را به تمام مردم جهان ابلاغ کرد: (قُلْ یا أَیُّهَا النّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللّهِ إِلَیْکُمْ جَمِیعاً) 4 و در این راه، مشکلات و سختی هایی را تحمل کرد که هیچ پیامبری در طول تاریخ، به اندازه او متحمل رنج نشده بود.

ویژگی های قرآن و سفارش های پیوسته پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) درباره آن، سبب شد تا این کتاب در سراسر زندگی مردم راه یابد و همه چیز مسلمانان گردد؛ به ویژه آن که مؤمنان آن روزگار، کتابی جز قرآن نداشتند و تلاوت، حفظ، تعلیم و تعلم به آن اختصاص داشت. حفظ قرآن، همواره یک سنت و عبادت بزرگ در میان مسلمانان بود و حتی پس از پدیدآمدن صنعت چاپ نیز موقعیت خود را حفظ کرد. زیرا قرآن و حفظ آن، جدای از علوم و مطالب دیگر است. هدف از حفظ قرآن، رسیدن به کمال و معنویات است و نمی توان فقط به حفظ الفاظ بسنده کرد، بلکه باید مقدمه ساز برای آن اهداف عالیه باشد.

1- (1) . محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج92، ص19.
2- (3) . الرحمن، آیه 1و2.

رمز رشد و تعالی مسلمانان در هر عصر و زمان، انس و ارتباط با قرآن و آموزه های حیات بخش آن است. در عصر اطلاعات و هزاره سوم، به رغم رشد تکنولوژی و صنعتی شدن امور، از مشخصه های بارز و عینی در رفتار عموم مردم جامعه، به ویژه جوانان، ناامیدی به زندگی و آینده است.

ازطرف دیگر خداوند در قرآن، همواره بر تلاوت آیاتِ کتابش تأکید کرده است: (فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) . (1) قرآن نیز بنا به تصریح خود، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیّت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است؛ (2) ازاین رو گوش دادن به کلام الهی و تلاوت آیات روح بخش آن، از دیگر نیازهای بشر است که موجب تسکین دردهای انسان می شود. انس با قرآن، شفای بیماری های روحی و روانی و باعث آرامش انسان در زندگی پراضطراب امروزی است.

روش های انس با این نامه عاشقانه الهی، فراوان است. ازاین میان، زیباترین شیوه انس، حفظ آیات نورانی قرآن در سینه است؛ زیرا تمرین و تکرار زیاد آیات به منظور تثبیت در حافظه، توفیقی است برای ارتباط زیاد با آیات وحی، که این نیز نورانیتی ظاهری و باطنی را در پی خواهد داشت. به دیگرسخن، وقتی انسان کلام الهی را به ذهن می سپارد، خودبه خود بر جانش اثر می گذارد و او را در مسیر عمل به اوامر الهی پیش می برد. همچنین در مواقع رویارویی با فرازونشیب های زندگی، به طور ناخودآگاه، آیات الهی بر زبانش جاری می گردد که همین سببی است برای حفظ آرامش و پیروزی بر مشکلات.

ص:22

1- (1) . مزمل، آیه 20.
2- (2) . یونس، آیه 57.

ضرورت انس با قرآن و ازآن میان حفظ آیاتش، برای طلاب علوم دینی و فراگیران معارف اسلامی بیشتر است. در مجامع و نشست های علمی، اولین و مهم ترین استدلال ها و استنادها استدلال های قرآنی است و هرقدر عالم دین، هنگام بیان معارف به آیات قرآن و مفاهیم آن مسلطتر باشد، مقبولیت بیشتری دارد؛ ازاین رو انس با قرآن، شرط ابتدایی برای هر مبلّغ و عالم دینی می باشد. طلاب پیرو مکتب اهل بیت(علیهم السلام) نیز در جایگاه رهروان و مبلغان واقعی قرآن باید با آیات و موضوعات کتاب وحی مأنوس باشند. دراین میان، آنچه انس با قرآن و تسلط و آشنایی هرچه بیشتر با آن را برای پیروان مکتب اهل بیت(علیهم السلام) به ویژه عالمان و مبلغان این مکتب ضروری تر می نماید، هجمه های تبلیغی علیه مذهب شیعه است. تهمت های ناروایی مانند اعتقادنداشتن به اعتبار قرآن و نامأنوسی با قرآن و اهمیت ندادن به قرآن و توفیق نداشتن حفظ قرآن، مطالبی است که اهمیت مسلطبودن و مأنوس بودن پیروان مکتب اهل بیت(علیهم السلام)(علیهم السلام) به ویژه علما و مبلغان دینی را دوچندان می کند. در این موقعیت، مبلغان دینی باید بیش ازپیش با قرآن آشنا شوند و آن را به خاطر سپارند تا بتوانند با قدرت و تسلط کافی به نشر معارف قرآنی بپردازند؛ به ویژه آن که اهل سنت، در زمینه تلاوت و حفظ کلام وحی بسیار کوشیده اند و روحانیان و ائمه جماعات آنها حافظ کل یا نیمی از قرآن هستند.

از طرف دیگر، حفظ آیات و روایات به مبلّغ و عالم دین، قدرت و روحیه سخن گفتن، بحث و مناظره و استدلال و حتی تألیف و نوشتن می دهد.

بر این اساس، در سال های اخیر جامعه المصطفی العالمیه، که متولی آموزش و تربیت طلاب غیرایرانی می باشد، بر اهمیت حفظ قرآن تأکید داشته و برنامه هایی را نیز در این زمینه طراحی و اجرا کرده است. نمونه ای از این طرح ها

تألیف کتابی آموزشی برای حفظ قرآن می باشد. کتابی که پیش رو دارید، در این راستا اصول و روش های حفظ قرآن را بحث و بررسی کرده است. در فصل اول، اهمیت و ضرورت و واژه شناسی حفظ قرآن؛ در فصل دوم، اصول و مقدمات حفظ و در فصل سوم، به روش های حفظ و تکرار و تثبیت محفوظات پرداخته شده است. امید است که این کتاب بتواند گامی در راستای راهنمایی و تشویق و تعلیم فراگیران به حفظ و انس با قرآن بردارد.

ص:24

1- کلیات و مفاهیم

گفتار اول: واژه شناسی حفظ قرآن

اشاره

حفظ و به خاطرسپاری کلام الهی، در منابع و متون تاریخی و دینی با تعابیر مختلف و گوناگونی بیان شده است. واژگانی مانند «حفظ»، «حمل»، «ذکر»، «جمع»، «وعی» و «استظهار» بنابه گفته محققان می تواند به معنای به خاطرسپاری قرآن باشد. در ادامه، هریک از این واژگان و کیفیت استعمال آنها را بررسی خواهیم کرد.

1. حفظ

واژه «حفظ»، در زبان عرب به دو معنا آمده است: (1) نخست به معنای نگهداری و نگهبانی و دیگری به معنای به خاطرسپردن (ضد فراموشی).

این واژه و مشتقاتش در قرآن مجید، 44 بار و فقط در معنای اول به کار رفته؛ یعنی در معنای به خاطرسپردنِ الفاظ و کلمات استعمال نشده است. (2)

1- (1) . آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص130.
2- (2) . محمود، روحانی، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، ج1، ص408.

«حافظ»، اسم فاعل است و در اصطلاح علوم قرآنی، به کسی می گویند که همه قرآن را با تجوید و ترتیل و به کاربردن قرائت پذیرفتنی قرآن شناسان به خاطر سپرده باشد. همچنین به کسی که بر سنن رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) احاطه داشته، موارد اتفاق و اختلاف آن را بداند و به احوال راویان و طبقات مشایخ آگاهی کامل داشته باشد، حافظ می گویند. (1) برخی تعداد آن را نیز معین کرده اند و گفته اند، فرد باید صد هزار حدیث را با سند از حفظ باشد تا این واژه بر او اطلاق شود. در صدر اسلام، به خاطرسپارندگان قرآن را «حافظ» نمی خواندند و با واژه هایی چون «جمّاع القرآن»، «قرّاءالقرآن»، «حَمَله القرآن» و «الماهر فی القرآن» از آنان یاد می کردند. (2)

واژه حافظ پس از قرن اول یا نیمه دوم قرن دوم هجری در این معنا به کار گرفته شد. علامه عسگری در کتاب ارزشمند القرآن الکریم و روایات المدرستین می نویسد: «واژه حافظ پس از قرن اول به کار رفته است»؛ (3) ولی دایره المعارف تشیع، زمان به کارگیری این واژه در معنای اصطلاحی را بعد از نیمه دوم قرن دوم هجری می داند. به نظر می رسد که نظر اول به واقع نزدیک تر باشد؛ زیرا در دو روایت از امام صادق(علیه السلام) واژه های الحافظللقرآن (4) و حافظ القرآن (5) به کار رفته است. امام صادق(علیه السلام) در سال 83 هجری دیده به جهان گشود؛ بنابراین واژه حافظِ قرآن، تقریباً بعد از قرن اول هجری، رفته رفته در معنای اصطلاحی استعمال

1- (1) . دایره المعارف تشیع، ج6، ص385 (واژه حفظ قرآن).
2- (2) . همان.
3- (3) . سید مرتضی عسکری، القران الکریم و روایات المدرستین، ج1، ص132.
4- (4) . بحارالانوار، ج59، ص171.
5- (5) . همان، ج92، ص22.

شده است. یادآوری می شود که واژه «حافظ» در متون ادبی و منابع تاریخی، بعد از نیمه دوم هجری به کار رفته است. (1)

2. ذکر

قرآن خطاب به زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) می فرماید: (وَ اذْکُرْنَ ما یُتْلی فِی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیاتِ اللّهِ وَ الْحِکْمَهِ إِنَّ اللّهَ کانَ لَطِیفاً خَبِیراً) ؛ (2) حکمت و آیات الاهی را که در خانه های شما تلاوت می شود، به خاطر بسپارید (و بدانید که) همانا خداوند مهربان و از همه آگاه است.

در تفسیر آیه، دو احتمال داده شده است: یکی این که «ذکر» در این آیه، در مقابل نسیان (فراموشی) و به معنای حفظ و به خاطرسپردن است و احتمال دیگر این که، ذکر به معنای شکر است؛ یعنی خدا را شکر کنید از این که خداوند شما (زنان پیامبر) را در خانه وحی قرار داده است. علامه طباطبایی رحمه الله در المیزان، تفسیر اول را پسندیده و دومی را ضعیف شمرده است. ایشان در تفسیر این آیه می فرماید:

از ظاهر سیاق برمی آید که مراد از ذکر، معنای مقابل فراموشی باشد که همان یادآوری است، چون این معنا مناسب تأکید و تشدیدی است که در آیات شده است؛ در نتیجه، این آیه به منزله سفارش و وصیتی است بعد از وصیت به امتثال تکالیف که قبلاً متوجه ایشان کرده است و در کلمه «فی بیوتکن» تأکیدی دیگر است، (چون می فهماند مردم باید امتثال امر خدا را از شما یاد بگیرند، آن وقت سزاوار نیست شما که قرآن در خانه هایتان نازل می شود، اوامر خدا را فراموش کنید.) و معنای آیه این است که شما زنان پیغمبر باید آنچه را که در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت

1- (1) . دایره المعارف تشیع، ج6، ص386.
2- (2) . احزاب، آیه34.

می شود، حفظ کنید و همواره به خاطرتان بوده باشد تا از آن غافل نمانید و از خط سیری که خدا برایتان معین کرده، تجاوز مکنید.

همچنین در تفسیر مجمع البیان می فرماید:

خداوند متعال در این آیه و آیات قبل، وظایفی را برای زنان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) معین ساخته است. آخرین وظیفه در این آیه بیان شده و به آنان سفارش می کند، هرچه از کلام الاهی در خانه هایتان نازل می شود، به خاطر بسپارید و آنها را در زندگی خویش به کار ببندید. این آیه درواقع، ارزش حفظ قرآن را به مسلمانان گوشزد می کند. مخاطبان آیه، زنان رسول خدایند؛ اما ازآنجاکه اساس شریعت بر حفظ قرآن و سنت پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت که درواقع، مخاطب آیه گروهی خاص نیست و همه مسلمانان در تمسک به قرآن و سنت و حفظ آن شریک اند. (1)

همچنین در آیه شریفه (وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ) 2 نیز با توجه به تفسیری که در آیه قبل از واژه «ذکر» بیان شد، برخی از مفسران بر این باورند که مراد از آسان قراردادن ذکر، آن است که خداوند متعال، قرآن را برای خواندن و حفظکردن آسان قرار داده است. (2)

استاد مطهری در تفسیر این آیه می فرماید:

بعضی مثل مجمع البیان می گویند، (للذکر) یعنی «للحفظ»، که حفظ کنید، ضبط کنید و قرآن از کتاب هایی است که آمادگی اش برای حفظشدن از هر کتاب دیگر بیشتر است. عجیب است! شعر را می شود حفظ کرد و قرآن شعر هم نیست، نثر است. یک کتاب نثر در دنیا نمی توان پیدا کرد که بشود چهار صفحه اش را حفظ کرد و قرآن در اثر آن سلاست فوق العاده ای که در

1- (1) . رک به تفسیر المیزان و مجمع البیان، ذیل آیه 34 سوره احزاب.
2- (3) . فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه شریفه.

عبارات و کلماتش هست (این خاصیت را دارد) ... در میان نثرها تنها کتاب نثری در عالم که قابل حفظکردن است، یعنی اصلاً ذهن آن را برای حفظکردن می پذیرد، قرآن است. شما کتاب نثر دیگری در عالم نمی توانید پیدا کنید که انسان بتواند عبارت های آن را حفظ کند و لهذا حفظکردن قرآن، مثل تلاوت کردن آن امر بسیار مطلوبی است. (1)

3. حمل القرآن

مفهوم حمل در قرآن کریم، هم برای امور مادی و هم برای امور معنوی به کار رفته است:

(وَ تَحْمِلُ أَثْقالَکُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَکُونُوا بالِغِیهِ إِلاّ بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ) . (2)

(وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِیلَنا وَ لْنَحْمِلْ خَطایاکُمْ وَ ما هُمْ بِحامِلِینَ مِنْ خَطایاهُمْ مِنْ شَیْ ءٍ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ* وَ لَیَحْمِلُنَّ أَثْقالَهُمْ وَ أَثْقالاً مَعَ أَثْقالِهِمْ وَ لَیُسْئَلُنَّ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَمّا کانُوا یَفْتَرُونَ) . (3)

مفهوم «حمل کتاب آسمانی» و «حمل قرآن»، در آیات و روایات به کار رفته است. مفهوم لغوی حمل، باخودبردن، دربرداشتن، به همراه داشتن و مانند آن می باشد (4) و حامل قرآن، کسی است که قرآن را با خود دارد و به هرجا که می رود، قرآن با اوست. روایات زیادی در فضل حامل قرآن بیان شده؛ مانند روایت

«أشراف أمتی حمله القرآن و أصحاب اللیل» . (5) یقیناً از مصادیق حمل قرآن،

1- (1) . مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج5، ص227.
2- (2) . نحل، آیه7.
3- (3) . عنکبوت، آیه12 و13.
4- (4) . فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص141.
5- (5) . شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص178.

حفظ و به خاطرسپاری آیات و کلمات نورانی آن است. روشن است که مقصود از همراهی با قرآن و همراه داشتن آن، صرفاً وجود الفاظ و عبارات قرآن در حافظه انسان نیست؛ (1) بلکه همراهی با آن، به معنای پذیرش و قبول و عمل کردن و انس با قرآن است. حامل قرآن در مکتب رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیهم السلام) جایگاهی بسیار رفیع دارد.

4. جمع القرآن

جمع قرآن، به معنای حفظ و نگهداری آیات و سوره های قرآن می باشد که در زمان نزول آیات، صحابه به این امر بسیار اهمیت می دادند. از راه های حفظ و نگهداری آیات در زمان نزول آن، به خاطرسپردن آیات بود و ازاین رو به حافظان قرآن نیز «جماع القرآن» اطلاق می گردید. در اخبار و آثار، نام شماری از صحابه دیده می شود که در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) تمامی قرآن و برخی دیگر بخشی از آن را جمع (حفظ) کردند. ابن ندیم در فهرست خود ذکر کرده است که جامعان (حافظان) قرآن در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله)، سعد بن عبید النعمان بن عمرو، ابوالدرداء عویمر بن زید، معاذ بن جبل بن اوس، ابوزید ثابت بن زید بن النعمان، ابی بن کعب بن قیس و عبید بن معاویه و زید بن ثابت بوده اند. وی روایات دیگری را حاوی نام حافظانی مانند عباده بن صامت، ابوایوب انصاری، ابوزید و مجمع بن جاریه ذکر می کند. (2)

بدیهی است، همان گونه که علامه طباطباییرحمه الله در مقدمه المیزان درباره امر تفسیر قرآن کریم و برشماری گروه های مفسران تصریح می کند، در وادی قرائت،

1- (1) . ابوالفضل خوش منش، حمل قرآن، ص9.
2- (2) . ابوعبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ص52.

حفظ و تفسیر قرآن کریم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(علیه السلام)، حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و دیگر ائمه(علیهم السلام) حسابی جداگانه دارند. (1)

5. وعی

وعی در لغت عرب، به معنای دربرگرفتن، شامل شدن، به خاطرسپردن، حفظکردن و دانستن به کار رفته است. (2) پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در روایت

«اقْرَءُوا الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهِرُوهُ فَإِنَّ اللهَ تَعَالَی لایُعَذِّبُ قَلْباً وَعَی الْقُرْآنَ» (3)می فرماید: قرآن را بخوانید و آن را از حفظ کنید؛ زیرا خداوند قلبی را که قرآن را در خود جای داده است، عذاب نخواهد کرد. به نظر می رسد پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) کلمه وعی را در این حدیث به معنای حفظکردن و به خاطرسپردن به کار برده است.

6. استظهار

از دیگر کلماتی که در روایات به معنای حفظ قرآن به کار رفته، استظهار است. به چند نمونه از این روایات اشاره می کنیم:

-من استظهر القرآن کانما ادرجت النبوه بین جنبیه الا انه لم یوح الیه؛ (4)

-من استظهر القرآن و حفظه و احل حلاله و حرم حرامه ادخله الله به الجنه و شفعه فی عشره من اهل بیته کلهم قد وجب له النار؛ (5)

اقرا القرآن و استظهروه ....

ص:31

1- (1) . المیزان فی تفسیر القران، ج1، ص4.
2- (2) . فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ص758.
3- (3) . میرزا حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج4، ص245.
4- (4) . الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه، ص103.
5- (5) . بحارالانوار، ج92، ص19.

استظهار در لغت عرب، به معنای نشان دادن، نمایش دادن، به حافظه سپردن و حفظکردن به کار رفته است. (1)

گفتار دوم: تاریخچه حفظ قرآن

1. پیامبر، اولین حافظ قرآن

حفظ آیات الاهی، از نخستین روزهای نزول وحی آغاز شد. پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) اولین حافظ قرآن است و برای فراگرفتن و حفظ آن، بسیار می کوشید. آن حضرت، همراه پیک وحی زبانش را حرکت می داد و شتاب می کرد تا آنچه می شنود، فراموش نکند.

مرحوم طبرسی در شأن نزول آیه (لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَیْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ) ؛ (2) «(ای رسول ما) در حال وحی، شتابان زبان به قرائت قرآن نگشای که ما خود آن را جمع کرده، (در سینه ات) نگاه می داریم و بر تو می خوانیم.» از ابن عباس چنین نقل می کند: پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به سبب علاقه شدیدی که به دریافت و حفظ قرآن داشت، هنگامی که پیک وحی آیات را بر او می خواند، همراه وی زبانش را حرکت می داد و شتاب می ورزید تا آنچه می شنود، فراموش نکند. خداوند او را از این کار بازداشت و فرمود: ما آن را برایت جمع می کنیم. (3) حضرت برای اطمینان کامل از محفوظات خویش، آنها را بر فرشته وحی عرضه می کرد. در روایات فراوانی چنان می خوانیم که پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در ماه رمضان، هرسال قرآن را تا آنجا که نازل شده بود، با جبرئیل

1- (1) . فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص415.
2- (2) . قیامت، آیه17.
3- (3) . مجمع البیان، ج10، ص197.

مقابله و تکرار می کرد و در واپسین سال زندگی اش، برخلاف گذشته، این مقابله و تکرار را دو بار به انجام رساند.

2. اهتمام صحابه به حفظ قرآن

اشاره

در این مدت، صحابه نیز به سفارش آن حضرت در نگهداری آیات الاهی می کوشیدند. آنها آیات الاهی را بر پوست و استخوان های شانه و دنده حیوانات، چوب های نخل، سنگ های سفید پهن، کاغذ و پارچه می نگاشتند و برای برخورداری از پاداش معنوی به خاطر می سپردند. (1) حفظ و به خاطرسپردن آیات الاهی، نخستین گام در راه نگاهبانی از قرآن به شمار می آمد؛ زیرا ازیک سو خط آن روز کوفی بود و به سبب نداشتن نقطه و اعراب، به شکل های مختلف خوانده می شد و ازسوی دیگر، تقریباً همه مردم بی سواد بودند و فقط با حفظ قرآن می توانستند علاقه خود به کتاب خداوند را آشکار سازند.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در نماز و هر فرصتی که پیش می آمد، قرآن را با صدای بلند می خواند و صحابه نیز همراه وی به فراگیری و حفظ آن می پرداختند. وقتی صحابه، آیه یا سوره ایی را از رسول خدا می شنیدند، چندین بار نزد حضرت می آمدند، آنچه به خاطر سپرده بودند؛ بر وی عرضه می داشتند تا ایشان کیفیت حفظ را تأیید و تقریر کند.

رفته رفته اهتمام برخی از صحابه در به خاطرسپردن آیات، چنان فزونی یافت که گروهی به حافظ و قاری قرآن شهرت یافتند. (2) سیوطی در این زمینه می نویسد:

1- (1) . محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج1، ص281.
2- (2) . در صدر اسلام به کسانی که به تعلیم و قرائت و حفظ قرآن می پرداختند یا به فنون قرائت آشنا بودند و یا قرآن از حفظ داشتند، قاری می گفتند (ر.ک: جلال الدین سیوطی، الاتقان، ج1، نوع 20 و عبدالهادی الفضلی، مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه دکتر سیّد محمدباقر حجتی، ص26).

«چند تن از صحابه، که به تعلیم قرائت قرآن و حفظ آن شهرت داشتند، عبارت اند از علی(علیه السلام)، عثمان، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابوالدرداء، عبدالله بن مسعود و ابوموسی اشعری». (1) در این عصر، زنان نیز پا به پای مردان در عرصه قرائت و حفظ قرآن کریم می کوشیدند؛ چنان که نام های برخی زنان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) چون عایشه، ام سلمه و حفصه و همچنین ام ورقه بنت عبدالله بن حارث در میان طبقات قاریان و حافظان به چشم می خورد. (2)

قرآنی که اکنون در اختیار ماست، در پرتو فداکاری و تلاش صحابه در نگهداری آیات چنین کامل مانده است. عباده بن صامت می گوید: پیامبر(صلی الله علیه و آله) هر مرد مهاجر را به یکی از ما می سپرد، تا به وی قرآن بیاموزیم. در مسجد پیامبر(صلی الله علیه و آله) صدای تلاوت قرآن چنان بلند بود که حضرت دستور داد، صداها را پایین آورند تا موجب اشتباه نگردد. (3) گاه اهتمام در حفظ قرآن چنان بالا می گرفت که برای اسقاط یا ثبت یک حرف، میان صحابه نزاع و درگیری پیش می آمد. در جمع عثمانی (جمع دوم) می خواستند آیه (وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ) 4 را

1- (1) . الاتقان، ج1، نوع20، ص251.
2- (2) . الاتقان، ج1، نوع20، ص50 ؛ وهبه زحیلی، التفسیر المنیر، ج1، ص20.
3- (3) . آیت الله خویی، البیان، ص274.

بدون «واو» در مصحف ثبت کنند. صحابه مانع شدند و أبی بن کعب سوگند یاد کرد که اگر «واو» را اسقاط کنند، شمشیر می کشد و با آنان می جنگد. سرانجام «واو» را ثبت کردند. (1) در زمان خلافت خلیفه دوم، روزی خلیفه (...وَ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ) 2 را بدون «واو» عطف خواند. صحابه به رویارویی با وی پرداختند و او ناگزیر آیه را با «واو» تلاوت کرد. (2)

در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، حافظان قرآن بسیار بودند. شمار دقیق این افراد در جایی ثبت نشده؛ ولی نام برخی از آنان در منابع تاریخی آمده است. براساس نقل تاریخ نگاران، در بئر مؤنه حدود هفتاد تن و در جنگ یمامه نیز همین تعداد حافظ قرآن به شهادت رسید. (3) نام گروهی از حافظان صدر اسلام به این شرح است:

الف) حافظان مهاجر

علی(علیه السلام)، عثمان، طلحه بن عبیدالله، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان، سالم مولی ابی حذیفه، عبدالله بن سائب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، تمیم بن اوس، عقبه بن عامر، عمرو بن عاص و ابوموسی اشعری.

ب) حافظان انصار

ابی بن کعب، معاذ بن جبل، ابوحلیم معاذ، زید بن ثابت، سعد بن عبید، مجمّع بن جاریّه، انس بن مالک، ابوزید بن قیس بن السکن، عباده بن صامت، ابوایّوب، ابوالدرداء، فضاله بن عبید و مسلمه بن مخلد.

ج) حافظان زن

حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)، عایشه، حفصه، ام سلمه و ام ورقه.

1- (1) . جلال الدین سیوطی، درّ المنثور، ج4، ص179.
2- (3) . درّ المنثور، ج4، ص268.

3- (4) . این تعداد را سیوطی در جلد اول الاتقان (نوع 20) از قرطبی نقل می کند.

د) حافظان مشهور عصر نبوی

علی(صلی الله علیه و آله)، ابی بن کعب، ابوالدرداء، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، عثمان و ابوموسی اشعری در شمار حافظان مشهور روزگار رسول(صلی الله علیه و آله) هستند. شاعری نام گروهی از حافظان زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) را این گونه به شعر درآورده است:

لَقَدْ حَفِظَ الْقُرْآنَ فی عَهْدِ احْمَد

ناگفته پیداست که در این بخش، فقط نام های حافظان کل قرآن مجید ثبت شده؛ زیرا در آن عصر شمار کسانی که سوره یا آیاتی از قرآن را به خاطر نسپرده باشند، بسیار اندک بود. (1)

3. قدرت حافظه عرب

حافظه قوی و حفظ سریع مطالب، نعمتی الاهی است که عرب عصر جاهلیت از آن برخوردار بود. عرب آن روزگار در تیزهوشی، حافظه، صفای طبع و سرعت انتقال ضرب المثل بود؛ زیرا آنان به شعر و قبیله خود عشق می ورزیدند و قصیده های بلند و سلسله نسب های طولانی خود را حفظ می کردند. روایات تاریخی و حتی افسانه های بازمانده از آن روزگار نیز بر این امر تأکید دارد؛ برای نمونه در تفسیر نوین چنین می خوانیم:

اصمعی قصیده صدبیتی را با یک بار شنیدن به خاطر می سپرد. پسرش ناگزیر بود دو بار بشنود و غلامش سه بار. وقتی شاعری برای دریافت جایزه نزد خلیفه قصیده ایی می خواند، اصمعی می گفت: قصیده از آنِ دیگری است

1- (2) . البیان، ص254.

و من آن را به خاطر سپرده ام. آنگاه تمامی آن را می خواند و می گفت: پسرم نیز حفظ کرده است. پسر که دو بار شعر را شنیده بود، بی درنگ می خواند. سپس اصمعی می گفت: غلامم نیز آن را می داند. آنگاه او نیز قصیده را می خواند و شاعرِ بیچاره، سرگردان، تهی دست و شرمسار بازمی گشت. (1)

از این شگفت انگیزتر داستان مردی ژنده پوش است که در بارگاه عمر بن عبدالعزیز به بزم شاعران گام نهاد. وقتی خواستند بیرونش کنند، گفت: شاید من نیز از شعر آگاه باشم. گفتند: پس بخوان. او تمام انواع شعر را شمرد و پرسید: از کدام نوع بخوانم؟ گفتند: قصیده. ژنده پوش همه انواع قصیده را نام برد، یکی را برگزیدند. پرسید قافیه اش کدام حرف باشد؟ قافیه دشوارتر را نام بردند. او لب گشاد و تا واپسین دقایق مجلس از آن نوع قصیده با قافیه مورد نظر خواند. در پایان گفت: تا هروقت حاضر به شنیدن باشید، خواهم خواند. (2)

ازآنجاکه داستان ها و افسانه ها، روحیه و صفات و جریان های موجود در اقوام را بازتاب می دهد، این دو نمونه از اهمیت حافظه و وجود حافظه های نیرومند نزد اعراب پرده برمی دارد. سرعت حفظ و قدرت حافظه در عرب چنان بود که می گویند، سینه هاشان انجیل هایشان بود، ذهن هاشان دفتر نسب و تاریخ و حافظه شان دیوان شعر و افتخارات. قرآن با نیروی بیانش آنان را شگفت زده ساخت. آنها در برابر آیات الاهی حیران شده، سرانجام دل را از غیر کندند و به قرآن پیوستند. (3)

ص:37

1- (1) . محمدتقی شریعتی، تفسیر نوین، ص12.
2- (2) . همان، ص13.
3- (3) . رک: عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان، ج1، ص235، تاریخ قرآن، ص236. حضرت موسی در مناجات با پروردگارش گفت: «یارب إنّی اجد فی التوراه امّه اناجیلهم فی صدورهم یقرؤونه ظاهرا؛ خدایا، من در تورات امتی را می بینم که انجیل هاشان در سینه هاشان است و آن را از حفظ می خوانند» (رشیدالدین میبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج7، ص404، ذیل آیه46 عنکبوت).

گفتار سوم: عوامل گسترش حفظ در صدر اسلام

اشاره

در میان کتب آسمانی، قرآن مجید ویژگی هایی دارد که سبب توجه خاص مسلمانان شده است. حفظ و به خاطرسپردن آن، از جلوه های این توجه است. این سنت، فقط به قرآن اختصاص دارد. پیشینیان، تورات و انجیل را از رو می خواندند و جز پیامبرانشان، کسی آن را به خاطر نمی سپرد. مسلمانان چنان به امر اهتمام می ورزیدند که صحابه، گاه بر سر وجود یا عدم یک حرف با یکدیگر درگیر می شدند. برخی از عوامل گسترش این امر در میان مسلمانان عبارت است از:

1. بلاغت و فصاحت قرآن

هیچ ملتی به اندازه عرب عصر بعثت، شیفته سخن فصیح و ادیبانه نبود و به آن عنایت نداشت. نامی که این قوم برای خود برگزید، نشان دهنده این توجه و اهمیت است. آنان خود را عرب و دیگران را عجم می خواندند. این بدان معناست که در باور آنها تنها این قوم خاص می توانست مقاصد خود را شیوا و روشن بیان کند. مردم این منطقه جغرافیایی، شعرها و سخنرانی ها را حفظ می کردند.

کتاب خدا ازنظر فصاحت و بلاغت و به کارگیری الفاظِ کلمات و ترکیبِ جملات، آنها را شگفت زده و جذب کرد. بنابراین، حتی کافران بدان دل بستند و به عنوان متنی در خور ستایش به حفظ آن پرداختند. (1)

2. مضمون زندگی بخش آیات الاهی

قرآن مجید، کتاب زندگی است. اصول، معارف و احکام الاهی که سعادت

1- (1) . تفسیر نوین، ص10.

بشر را تأمین و تضمین می کند، در این کتاب بیان شده است. خداوند می فرماید: (إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ) ؛ (1) «به درستی این قرآن (شما را) به سوی آنچه استوار است، راهنمایی می کند». (وَ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ ءٍ) ؛ (2) «و فرو فرستادیم بر تو این کتاب را که بیان کننده و روشنگر همه چیز است.

محتوای ارزشمند آیات الاهی، مردم را بر آن داشت که در زندگی فردی و اجتماعی به آن توجه کنند و به حفظ آن اهتمام ورزند.

3. اهتمام و سفارش پیامبر به «حفظ» قرآن

از عوامل مهم گسترش حفظ قرآن در صدر اسلام، تمایل فراوان نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) به آن بوده است. بی تردید وقتی امری مورد اهتمام و تشویق مکرر پیشوای جامعه قرار می گیرد، در بین مردم رواج می یابد و به خوبی از آن استقبال می شود.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به قرآن اهتمام می ورزید. او نخستین حافظ قرآن بود و مردم را نیز به تلاوت و حفظ آیات الاهی تشویق می کرد. ابن مسعود می گوید: نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) به من فرمود: از قرآن برایم بخوان! گفتم: قرآن بر شما نازش شده است، من بخوانم؟! فرمود: آری، دوست دارم قرآن را از دیگری نیز بشنوم. من سوره نساء را آغاز کردم و تا آیه چهل و یک خواندم. اشک از چشمان حضرت جاری شد و فرمود: برای من کافی است. (3)

مسلمانان که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را بسیار دوست داشتند و برای خشنودی وی از

1- (1) . اسرا، آیه9.
2- (2) . نحل، آیه89.
3- (3) . تاریخ قرآن، ص233.

جان و مال خویش می گذشتند، (1) موضوع حفظ قرآن را جدّی گرفتند و در رأس برنامه های خود را قرار دادند.

4. جایگاه والای حافظان

حافظان قرآن در صدر اسلام از جایگاهی ویژه برخوردار بودند. بزرگان دین و مردم به آنها احترام می گذاشتند و تشویقشان می کردند و در پست های کلیدی و ارزشمند می گماردند. مالک بن انس می گوید: کسی که سوره بقره و آل عمران را به خاطر سپرده بود، در نظر ما بزرگ می نمود. (2)

مولوی در این زمینه چنین سروده است:

ربع قرآن هرکه را محفوظ بود

جدّ فینا از صحابه می شنود

5. پاداش اخروی

پاداش و ثواب هایی که برای حافظان قرآن در نظر گرفته شده نیز در گسترش

1- (1) . در حادثه حدیبیه، چهارمین و آخرین نماینده قریش، «عروه بن مسعود ثقفی» برای گفت وگو نزد پیامبر اسلام¦ آمد. او هنگام مذاکره به ساحت حضرت جسارت کرد. او این طور وانمود می کرد که یاران حضرت در آینده وی را رها می کنند. پیامبر برای این که پاسخی دندان شکن به تهدید عروه دهد، برخاست و وضو گرفت. «عروه» با چشم خود دید که یاران رسول خدا¦ نگذاشتند قطره ای از آب وضوی او به زمین بریزد. بنابراین، به محفل قریش رفت. جریان ملاقات و هدف پیامبر را به سران قریش رسانید و گفت، من شاهان بزرگ را دیده ام. قدرت های بزرگی مانند قدرت کسرا، قیصر روم و سلطان حبشه را مشاهده کرده ام؛ ولی موقعیت هیچ کدام مانند محمد نبود. من با دیدگان خود مشاهده کردم که یارانش نگذاشتند، قطره آبی از وضوی او به زمین بریزد و برای تبرک آن را تقسیم کردند. اگر مویی از محمد بیفتد، بی درنگ آن را برمی دارند (جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج 2، ص 188 و ص 189).

2- (2) . الاتقان، ج1، نوع19، ص229.

حفظ آیات الاهی بسیار اثرگذار است. در ادامه بحث، به برخی روایات در این زمینه اشاره خواهیم کرد.

گفتار چهارم: اهمیت حفظ قرآن

1. حفظ قرآن در قرآن

در قرآن کریم، آیات صریحی مبنی برحفظ قرآن وجود ندارد؛ اما مفسران قرآن در ذیل برخی آیات، احتمال مقصودبودن معنای حفظ را داده اند؛ مانندآیات ذیل که ما در بحث از واژه ذکر درباره آیه اول و دوم، بیان برخی مفسران را نقل نمودیم:

1. (وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ) . (1)

2. (وَ اذْکُرْنَ ما یُتْلی فِی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیاتِ اللّهِ وَ الْحِکْمَهِ إِنَّ اللّهَ کانَ لَطِیفاً خَبِیراً) . (2)

3. (بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ الظّالِمُونَ) . (3)

«الذین اوتوا العلم» پیامبر، ائمه و دانشمندانی اند که قرآن را حفظ می کنند و در سینه های خود نگه می دارند و نقش معنای آن را در دل جای می دهند و این از خصوصیات قرآن است که هم معجزه بودن آیات آن روشن است و هم در سینه ها حفظ می شود. (4)

2. حفظ قرآن و پاداش آن در کلام معصومان(علیهم السلام)

اشاره

معصومان(علیهم السلام) درباره حفظ قرآن و پاداش آن، سخنان بسیار دارند و در موارد مختلف به فراخور آگاهی و ایمان مخاطبانشان به آن اشاره کرده اند. گفتار

1- (1) . قمر، آیه17.
2- (2) . احزاب، آیه34.

3- (3) . عنکبوت، آیه49.
4- (4) . فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج5، ص10.

پیشوایان دین نشان می دهد که حفظ قرآن از آن چنان اهمیتی برخوردار است که بسیاری از مقام های معنوی جز به یاری آن به دست نمی آید. بخشی از این مقام ها عبارت است از:

الف) هم نشینی با فرشتگان

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«الْحافِظُ لِلْقُرْءانِ الْعامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَهِ الْكِرامِ الْبَرَرَهِ؛ (1)حافظ قرآنی که به آن عمل کند، با فرشتگان پیغام بر و نیک رفتار هم نشین خواهد شد». این سخن امام، بر همراهی و هم نشینی حافظان و مفسران با سفیران، گواهی می دهد. بی تردید وقتی دانشمندان و حافظان قرآن کاری شبیه فرشتگان و حاملان وحی انجام می دهند، با آنها در یک جایگاه و رتبه قرار می گیرند.

ب) در شمار بزرگان امت جای گرفتن

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«اَشْرافُ امَّتی حَمَلَهُ الْقُرْءآنِ وَ أَصْحابُ اللَّیْلِ؛ (2)بزرگان امت من، حاملان قرآن (قاریان، حافظان و عالمان قرآن) و شب زنده داران هستند. «حمله القرآن» معنای گسترده ای دارد که شامل عالمان، مفسران، قاریان و حافظان می شود.

ج) ایمنی از عذاب الاهی

امیر مؤمنان(علیه السلام) می فرماید:

«اِقْرَؤُو الْقُرْآنَ وَ اسْتَظْهِرُوُهُ فَاِنَّ اللهَ تَعالَی لایُعَذِّبُ قَلْباً وَعَیَ الْقُرْآنَ»؛ (3)قرآن تلاوت کنید و آن را به خاطر سپارید؛ زیرا خداوند متعال

ص:42

1- (1) . محمد یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 4، ص405.
2- (2) . بحارالانوار، ج92، ص177.

3- (3) . همان، ص19.

دلی که قرآن در آن باشد، عذاب نمی کند، حفظ قرآن مجید و انس با آن، انسان را در مسیر عمل به وحی و بهره جستن از معارف آن قرار می دهد؛ در نتیجه از آتش دوزخ مصون می دارد. قلبی که ظرف کلمات قرآن و معارف قرآن باشد، به برکت قرآن و به برکت عمل به دستورات نورانی آن از عذاب الهی درامان است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«لَوْكانَ الْقُرآنُ فی اهابٍ ما مَسَتْهُ النّارُ»؛ (1)اگر قرآن در پوستی باشد، آتش بدان نخواهد رسید.

د) آبادی قلب

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«اِنَّ الَّذی لیس فی جَوْفِهِ شَیْیءٌ مِنَ الْقُرآنِ كَالْبَیْتِ الْخَرابِ»؛ (2)کسی که در درونش چیزی از قرآن نباشد، مانند خانه ویران است. (3) چنان که خانه ویران نزد مردم ارزش ندارد، دل تهی از آیات الاهی نیز نزد خداوند بی ارزش است. اساس شرافت و ارزش انسان ها تقوا و انس با قرآن است. روح مانند بدن به غذا نیاز دارد و غذای آن قرآن و معارف الاهی است. دلی که از کلام وحی بی بهره باشد، مرده و چون خانه ویران است.

ه-) مشمول آمرزش الاهی

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

مَنْ قَرَءَ الْقَرآنَ عَنْ حِفْظِهِ ثُمَّ ظَنَّ انَّ اللهَ تَعالی لایَغْفِرُهُ فَهُوَ مِمَّنِ اسْتَهْزَءَ بِآیاتِ اللهِ. (4)

1- (1) . مجمع البیان، ج1، ص45.
2- (2) . متقی هندی، کنز العمال، ج1، ص512، ح2276.
3- (3) . وقتی از حفظ قرآن سخن به میان می آید، نباید چنین تصور شود که منظور حفظ کل است. حفظ قرآن، هرمقدار که مقدور و ممکن باشد، خوب است. در تاریخ اسلام می خوانیم، هرکس سوره بقره و آل عمران را

از حفظ داشت، نزد صحابه بزرگ شمرده می شد (الاتقان، ج1، نوع 19، ص229).

4- (4) . مستدرک الوسائل، ج4، ص269.

کسی که قرآن را از حفظ بخواند و گمان کند خدای تعالی او را نمی آمرزد، در شمار کسانی است که آیات الاهی را به تمسخر گرفته اند.

و) پاداش مضاعف

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

انَّ الَّذی یُعالِجُ الْقُرآنَ وَ یَحْفَظُهُ بِمَشِقَّهٍ مِنْهُ وَ قِلَّهِ حِفْظٍ لَهُ اجرانِ. (1)

هرکس در فراگیری قرآن بکوشد و به سبب کمی حافظه آن را به سختی حفظ کند، دو پاداش دارد. (پاداشی برای حفظ و پاداشی برای تحمل سختی آن).

ز) پذیرفته شدن شفاعت

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

مَنْ قَرَءَ الْقُرآنَ حَتّی یَسْتَظْهِرَهُ وَ یَحْفَظَهُ ادْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّهَ وَ شَفَّعَهُ فی عَشْرَهٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ کُلِّهِمْ قَدْ وَجَبَتْ لَهُمُ النّارُ. (2)

هرکه (آن قدر) قرآن بخواند تا حفظ شود، خداوند او را به بهشت داخل خواهد کرد و شفاعتش را درباره ده تن از خانواده اش که آتش بر آنها واجب شده است، می پذیرد.

آری، قرآن در حق مؤمنان شفاعت و آنان را به بهشت رهنمون می کند. (3) حافظ و حامل قرآن نیز چون قرآن توان شفاعت دارد. البته شفاعت حافظان متفاوت با قرآن است. شفاعت قرآن فراگیر می باشد؛ ولی شفاعت حافظ قرآن، محدود است و فقط درباره خانواده اش و آن هم به تعداد انگشتان دست پذیرفته می شود.

1- (1) . اصول کافی، ج4، ص409.
2- (2) . مجمع البیان، ج1، ص45.
3- (3) . «واعلموا انه شافع مشفع»، نهج البلاغه، خطبه176.

ح) بالاترین درجات بهشت

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

عَدَدُ دَرَجِ الْجَنَّهِ عَدَدُ ای الْقُرآنِ فَاِذا دَخَلَ صاحِبَ الْقُرآنِ الْجَنَّهَ قیل لَه: ارْقا وَ اقْرَءْ لِکُلِّ آیَهٍ دَرَجُهٌ فَلا تَکُونُ فَوْقَ حافِظِ الْقُرآنِ دَرَجَهٌ. (1)

درجات بهشت به تعدد آیه های قرآن است. هنگامی که صاحب قرآن داخل بهشت شود، به وی می گویند بخوان و بالا رو که هر آیه درجه ایی دارد. پس برتر از درجه حافظ قرآن، درجه ایی نیست.

ط) دریافت پاداش انبیا

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

یا سَلمْان... انَّ اکْرَمَ الْعِبادِ الَی اللهِ بَعْدَ الْاَنبیاء الْعُلَماءُ ثُمَّ حَمَلَهُ الْقُرْآنِ، یَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنیا کَما یَخْرُجُ الْاَنْبیاءُ وَ یَحْشُرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ مَعَ الْاَنْبیاءِ وِ یَمُرُّونَ عَلَی الصِّراطِ مَعَ الْاَنْبیاءِ وَیَأْخُذُونَ ثَوابَ الْاَنْبیاءِ. (2)

ای سلمان،... همانا بعد از انبیا بهترین بندگان نزد خداوند عالمان اند و سپس قاریان و حافظان قرآن. آنان همانند انبیا از دنیا می روند، همراه آنان از گورها برانگیخته می شوند، در کنار آنان از صراط می گذرند و پاداش آنها را (از خداوند) دریافت می کنند.

3. حفظ قرآن در سیره معصومان

اشاره

(علیهم السلام)

قاریان و حافظان قرآن نزد پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) و امیرمؤمنان(علیه السلام) جایگاهی والا داشتند و مورد احترام و تشویق مادی و معنوی آن بزرگان قرار می گرفتند. بخشی از سیره آنان در این زمینه چنین است:

1- (1) . بحارالانوار، ج92، ص22.
2- (2) . همان، ص17.

الف) بخشش مجازات حافظان

در روزگار پیامبر(صلی الله علیه و آله) و علی(علیه السلام)، دانستن فنون قرائت و حفظ قرآن به تخفیف مجازات یا بخشش آن می انجامید. برای مثال، مردی نزد علی(علیه السلام) آمد و به دزدی اعتراف کرد. حضرت پرسید: آیا چیزی از قرآن می دانی؟ پاسخ داد: آری، سوره بقره را به خاطر سپرده ام. حضرت فرمود: در مقابل این سوره، دستت را به خودت بخشیدم و قطع نمی کنم. شخصی به نام اشعث (1) گفت: ای امیرمؤمنان، آیا حد الاهی را تعطیل می کنی؟! حضرت فرمود: تو چه می دانی، اگر شاهدان بر جرم گواهی دهند، امام حق بخشش و تعطیل حدود الاهی ندارد؛ اما این فرد به زبان خویش اعتراف کرده است. وقتی شاهدی بر گناهی گواهی نداد، امام حق دارد حد الاهی را ببخشد و جاری نسازد. (2)

تخفیف مجازات حافظان، اکنون نیز در برخی از کشورهای اسلامی اجرا می شود. در کشور ما و پاکستان نیز زندانیانی که قرآن را حفظ می کنند، از تخفیفی ویژه برخوردار می شوند. (3)

ب) حفظ قرآن در جایگاه مهریه

اهتمام به قرآن و حفظ آن در صدر اسلام، چنان بود که یادگرفتن سوره ایی از قرآن، مهریه زن مسلمان در نظر گرفته می شد؛ چنان که سهل بن سعد می گوید: زنی

1- (1) . نامش اشعث بن قیس و لقبش ابومحمد و از اصحاب پیامبر اسلام¦ و علی* بوده است و در زمان علی* از گروه خوارج به شمار می آمد. او با دختر ابوبکر، امّ فروه ازدواج کرد (معجم رجال الحدیث، ج 3، ص 216).

2- (2) . شیخ طوسی، استبصار، ج4، ص252.

3- (3) . روزنامه سلام، 1371/1/11.

نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: من خود را به خدا و رسولش بخشیدم. حضرت فرمود: به زن نیاز ندارم. مردی به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گفت: او را به ازدواج من درآور. حضرت فرمود: چیزی داری به وی دهی؟ مرد گفت: خیر. حضرت فرمود: حتی انگشتری از فلز! مرد معذرت خواست. حضرت پرسید: از قرآن چه می دانی؟ مرد پاسخ داد: سوره فلان و فلان و همین طور سوره هایی را که حفظ بود، برشمرد. حضرت فرمود: آیا می توانی از حفظ بخوانی؟ گفت: آری. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: تو را به ازدواج او درآوردم، در برابر آنچه از قرآن به وی می آموزی. (1)

ج) تقدم حافظان در صحنه های اجتماعی

در صدر اسلام، ملاک تقدم افراد در کارهای مهم و حساس اجتماعی، دانستن قرائت و حفظ قرآن بود. پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) قاریان و حافظان را به منصب هایی چون فرماندهی و امامت جماعت می گماشت. در روایات می خوانیم که نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) مقرر داشت، هر مسلمانی که بیش از دیگران قرآن فرا گرفته، گرد آورده یا حفظ کرده است، بر دیگران فرمان راند و بر مردگان نماز گزارد. (2) در جنگ احد وقتی خواستند پیکر شهیدان را به خاک سپارند، شهیدی که بیشتر می دانست، مقدم بود یا آن که آیات بیشتری به خاطر سپرده بود، نزدیک تر به حمزه دفن می شد. (3) روزی پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) جمعی را به سفری می فرستاد. از آنها پرسید: چقدر قرآن می دانید؟ یکی از آنها - که از همه جوان تر بود - پاسخ داد: من سوره بقره و چند آیه دیگر از قرآن

1- (1) . مسلم بخاری، صحیح بخاری، ج8، ص19.
2- (2) . سید جعفر مرتضی عاملی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ص64 (به نقل از: الطبقات الکبری، ج8، ص89).
3- (3) . تاریخ قرآن، ص231.

می دانم. حضرت فرمود: بروید، این شخص سرپرست و امیر شماست. گفتند: شخصی که شما می فرمایید، از همه جوان تر است! پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: او سوره بقره را می داند. (1) در عصر نبوی، حفظ قرآن چنان اهمیت داشت که حتی غلامان حافظ نیز بر مردم عادی مقدم شمرده می شدند. وقتی مهاجران به مدینه هجرت کردند، سالم (غلام ابوحذیفه)، به این دلیل که از همه به فنون قرائت و حفظ قرآن آشناتر بود، امامت جماعت آنها را برعهده داشت. (2)

د) اختصاص مستمری از بیت المال

قاریان و حافظان قرآن در موضوعات مادی نیز از توجه ویژه برخوردار بودند و بخشی از بیت المال به آنان اختصاص داشت. امیر مؤمنان(صلی الله علیه و آله) فرمود: آن که اسلام را بپذیرد، فرمان بردار باشد و قرآن را قرائت و حفظ کند، هر سال دویست دینار از بیت المال بهره مند می شود و اگر در دنیا به طور کامل به او داده نشود، روز قیامت که نیاز بیشتری دارد، دریافت خواهد کرد:

«من دخل فی الاسلام طائعا و قرأ القرآن ظاهرا فله فی کل سنه مائتا دینار فی بیت مال المسلمین ان منع فی الدنیا اخذها یوم القیامه وافیه احوج ما یکون الیها». (3)در منابع تاریخی می خوانیم که امام علی(علیه السلام) به آنان که قرآن قرائت می کردند، دوهزار دینار از بیت المال اختصاص می داد. (4) برخی از مراجع

1- (1) . مجمع البیان، ج1، ص32.
2- (2) . محمد سالم محیسن، معجم حفاظ القرآن عبر التاریخ، ج1، ص257.
3- (3) . مجمع البیان، ج1، ص86. باید توجه داشت که عبارت «قرأ القرآن ظاهرا»، به معنای حفظکردن قرآن است و این، یک معنای کنایی می باشد. (ر.ک: لسان العرب و تاج العروس، ماده ظهر). بنابراین، ترجمه این عبارت به «خواندن قرآن به طور آشکار» درست نیست؛ چنان که برخی از مترجمانِ تفسیر مجمع البیان، این گونه معنا کرده اند.
4- (4) . ان علینا فرض لمن قرأ القرآن الفین، الفین (کنز العمال، ج2، ص239).

عظام مانند آیت الله العظمی گلپایگانیرحمه الله مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و آیت الله صافی (دام ظلّه) شهریه ایی به حافظان قرآن اختصاص داده و در این زمینه، از سیره امیرمؤمنان(علیه السلام) پیروی کرده اند. آیت الله العظمی گلپایگانیرحمه الله در آغاز برقراری شهریه خویش اعلام کرد، هر طلبه ای که حافظ قرآن باشد، در هر رتبه ایی که شهریه بگیرد، شهریه اش را دو برابر می کنم. او همچنین برای تشویق حافظان کل کشور، (چه روحانی و چه غیر آن) زمانی دستور داد برای همه حقوق تعیین کنند.

امروزه این حرکت در حوزه علمیه قم، به صورت یک فرهنگ درآمده است. شورای مدیریت حوزه، حافظان قرآن را درجه بندی کرده و برای حافظ پنج جزء تا کل قرآن، به تناسب محفوظات، شهریه مخصوصی در نظر گرفته است.

گفتار پنجم: اهمیت و ضرورت حفظ قرآن در زمان حال

اشاره

درباره حفظ و به خاطرسپاری قرآن در زمان حال، گاه ایرادات و شبهاتی مطرح می شود. سؤالی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیات و روایات و سیره معصوم(علیهم السلام) در توجه دادن و اهتمام به حفظ قرآن، آیا ناظر بر وضعیت گذشته بوده یا امروزه نیز می توان به آن اهمیت و ضرورت معتقد بود.

برخی معتقدند، بیشتر ادله اهتمام مردم به حفظ قرآن در عصر نزول، به دلیل ناتوانی مردم در خواندن قرآن از روی مصحف یا نبود مصحف های استنساخ شده کافی در اختیار مردم و یا نقطه و اعراب نداشتن قرآن های آن زمان بود. در آغاز بعثت پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای درامان بودن قرآن از تحریف و نابودی، راهی جز به خاطرسپردن آیات الاهی وجود نداشت؛ ولی اکنون که چاپ و نشر به پیشرفتی باورنکردنی دست یافته است و بیشتر مردم سواد خواندن قرآن را دارند و اصل قرآن از تحریف و نابودی محفوظ است، چرا از حفظکردن قرآن سخن می گوییم؟

ص:49

در پاسخ به این پرسش باید گفت که کلام الاهی، فقط برای جلوگیری از تحریف و نابودی به خاطر سپرده نمی شد تا با پیشرفت صنعت چاپ، حفظکردن بیهوده به نظر آید. این امر انگیزه های گوناگون داشته و دارد و آثار و فواید مهمی بر آن مترتب است که برخی از آنها عبارت است از:

1. انس با قرآن و عمل به آن

از اهداف «حفظِ» آیات قرآن، عمل به مضامین آن است. وقتی انسان کلام وحی را به خاطر می سپارد، ناخودآگاه بر جانش اثر می گذارد و او را در مسیر عمل به دستورهای خداوند پیش می برد. پاداش بسیار حافظان قرآن - که در برخی از روایات به چشم می خورد - ازاین روست که آنان، پیوسته آیات الاهی را تکرار می کنند و گوشت و پوست خود را با آن می آمیزند. در این موقعیت، احتمال این که خداوند آنها را به کمال و سعادت رهنمون نکند، بعید می نماید؛ بنابراین حافظ قرآن، ناگزیر با قرآن انس می گیرد و زمینه هدایت و سعادتش فراهم می آید. حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «هیچ کس با قرآن هم نشین نمی شود، مگر این که از کنار آن با افزایش یا کاهش برمی خیزد: افزایش هدایت یا کاهش گمراهی».

عمل به آیات الاهی، از دیرباز مورد توجه حافظان و قاریان بوده است. چنان که صحابه هایی مانند أبی و عبدالله بن مسعود گفته اند، هنگامی که ده آیه از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می آموختیم تا آنها را به طور کامل به خاطر نمی سپردیم و عمل نمی کردیم، به فراگیری آیات دیگر نمی پرداختیم.

2. بهره مندی از عبادت

در آیینِ اسلام به خاطرسپردن آیات قرآن، عبادتی مهم به شمار می رود و پاداشِ دارد. بیشتر روایاتی که درباره ارزش و اهمیت حفظ قرآن ذکر شده است،

نگاه ابزاری ندارند و حفظ را تنها برای جلوگیری از تحریف آن نمیدانند. در نگاه معصوم(علیهم السلام) نفْس به خاطرسپردن آیات الهی، عبادت است و پاداش دارد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«اَللّٰهُمَ فَحَبِّبْ الَیْنا حُسْنَ تِلاوَتِهِ وَ حِفْظِ آیاتِه»؛ خداوندا، تلاوت قرآن و حفظ آیاتش را برای ما دوست داشتنی فرما! این دعا نشان می دهد که نفْس تلاوت قرآن و حفظ آن، محبوب حضرت است و ایشان به خاطرسپردن آیات الاهی را بی توجه به مسئله تحریف، از حضرت احدیت درخواست می کند.

مرحوم طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق، بابی با عنوان «صلاه حفظ القرآن» دارد که نشان می دهد «حفظ قرآن»، ذاتاً ارزشمند است و از عبادات شمرده می شود.

3. انس با تلاوت

تلاوت و انس با قرآن از سفارش های مکرر معصومان(علیهم السلام) است و حفظ قرآن، به طور طبیعی به انس با آیات الاهی می انجامد؛ زیرا حافظ قرآن باید برای تثبیت محفوظات قرآنی اش، دست کم روزی چند بار به قرائت قرآن بپردازد. معصومان(علیهم السلام) حافظان قرآن را به تکرار آیات الاهی فراخوانده و یادآور شده اند، همان گونه که شتر بسته شده در یک نقطه، چنانچه صاحبش پیاپی به دیدار او نرود، جایگاهش را ترک می کند، محفوظات حافظ قرآن نیز اگر پیوسته مورد مراجعه و تکرار قرار نگیرد، از خاطر زدوده می شود. (1) نفوذ قرآن در جان ها و پدیدآوردن تحول در شخصیت افراد نیز از آثار سازنده تلاوت و حفظ قرآن است. بسیاری از مردم با تلاوت یا شنیدن آهنگ دل نشین قرآن، مسیر زندگی خود را تغییرداده، سمت سعادت و کمال رهنمون شدند.

1- (1) . پیامبر اسلام¦ می فرماید: «انما مثل صاحب القرآن کمثل الابل المعلقه اذا عاهد علیها أمسکها و ان أطلقها ذهبت و اذا قام صاحب القرآن فقرأه باللیل و النهار ذکره و اذا لم یقم به نسیه» (صحیح مسلم، ج1، ص544).

4. آرامش روحی

یاد خدا تأثیر بسزایی در روان آدمی دارد و دل ها در پرتو آن آرام می گیرد. خداوند متعال می فرماید: (أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) ؛ (1)«آگاه باش، دل ها با یاد خدا آرام می گیرد».

یکی از نام های قرآن ذکر است. تلاوت و حفظ قرآن، نوعی ذکر خداوند است که انسان در پرتو آن از هجوم بسیاری از فشارهای روانی و اضطرابات درونی در امان می ماند. پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

مَثَل قرآن، مَثَل کیسه سربسته ای پر از مشک است. اگر آن را باز کنی، بوی مشک فضا را معطر می سازد و اگر به حال خود رها سازی، سود نمی بخشد. قرآن نیز، چنانچه به تلاوتش روی آوری، فضا را از عطر خود آکنده می سازد و روان را نشاط می بخشد و اگر تلاوت نکنی، در سینه ات پنهان می ماند. (2)

5. نجات از تنهایی

کتاب، بهترین هم نشین تنهایی است و قرآن، زیباترین و عمیق ترین و بانفوذترین کتاب می باشد. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«لَوْ ماتَ مَنْ بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ انْ یَکُونَ الْقُرآنُ مَعی»؛ (3)اگر همه مردم روی زمین از دنیا بروند، تا وقتی قرآن با من است، از هیچ چیز وحشت ندارم.

1- (1) . رعد، آیه28.
2- (2) . عن رسول الله ¦: «ان القرآن مثله کمثل جراب فیه مسک قد ربطت فاه فان فتحته فاح ریح المسک و ان ترکته کان مسکا موضوعا مثل القرآن ان قرأته و الا فهو فی صدرک» (کنزالعمال، ح 2323).
3- (3) . بحارالانوار، ج46، ص107.

6. فهم بهتر قرآن

مهم ترین و اصلی ترین اثر حفظ قرآن، درک بهتر آن است. حافظ به سبب تسلط بر همه آیات، ارتباط آنها را نیک درمی یابد و در پرتو آن درکی بهتر و درست تر از قرآن به دست می آورد.

هرچه حافظ قرآن بر آیات و ارتباط و بازیابی آنها مسلطتر باشد، بهتر می تواند نظر قرآن درباره یک موضوع را به دست آورد. ازاین رو مفسرانی که حافظ قرآن اند، بهتر و دقیق تر می توانند قرآن را تفسیر کنند و تفسیرشان از تفسیر مفسران غیرحافظ، جامع تر و دقیق تر است.

7. بهره مندی از پاداش و مقامات اخروی

حافظان قرآن، جایگاهی والا در بهشت دارند و پاداش آنان دوچندان خواهد بود. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود که درجات بهشت به تعداد آیه های قرآن است. وقتی که صاحب قرآن وارد بهشت شود، به وی می گویند بخوان و بالا برو، که هر آیه، درجه ای دارد. پس برتر از درجه حافظ قرآن، درجه ای نیست. همچنین در روایات بیان شده است که حافظان قرآن، توان شفاعت کردن دیگران را نیز دارند. هم نشینی با فرشتگان، آمرزش گناهان و نجات از عذاب الهی از دیگر آثار و پاداش های اخروی است که برای حافظان قرآن گفته شده و روایاتی که در این زمینه قبلاً بیان شد، این آثار و پاداش ها را منحصر به حافظان صدر اسلام نکرده است؛ بلکه شامل همه حافظان قرآن در طول تاریخ خواهد بود.

8. غنا و بی نیازی

قال رسول الله(صلی الله علیه و آله):

«اَغْنَی النّاسِ حَمَلَهُ الْقُرآنِ مَنْ جَعَلَهُ اللهُ تَعالی فی جَوْفِه»؛ (1)

ص:53

1- (1) . کنز العمال، ج1، ص510.

بی نیازترین مردم حاملان قرآن می باشند، آن کسانی که خدای تعالی، قرآن را در سینه آنها جای داده است.

قال رسول الله(صلی الله علیه و آله):

مَنْ اعطاهُ اللهُ الْقُرآنَ فَرَای انَّ رَجُلاً اعْطِیَ افْضَل مِمّا اعْطی فَقَدْ صَغَّرَ عَظِیماً وَ عَظَّمَ صَغیراً. (1)

هر کسی که خداوند، قرآن را به او داد و چنان پندارد که به مردی بهتر از او چیزی داده اند، خیر بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ دانسته است.

9. آبادی و احیای قلب

همان طوری که خانه ویران، نزد مردم بی ارزش است، دلی خالی از قرآن نیز پیش خداوند ارزشی ندارد. قال رسول الله(صلی الله علیه و آله):

«اِنَّ الَّذی لَیْسَ فی جَوفِهِ شَیْ ءٌ مِنَ الْقُرآنِ کَالْبَیْتِ الْخَراب؛ (2)کسی که در درونش چیزی (سوره یا آیه ای) از قرآن نباشد، همانند خانه ویران است». کثیر بن سلیم می گوید:

قال رسول الله(صلی الله علیه و آله):

«یا بُنَیَّ لا تَغْفَلِ عَنْ قَرائَهِ الْقُرآن، فَأِنَّ القُرآنَ یُحیی الْقَلْبَ و یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغِی». (3)

رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: ای پسر! از قرائت قرآن غفلت مکن که قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و نادرست و ستم بازمی دارد.

10. دریافت پاداش پیامبران

حاملان قرآن، ازآنجاکه با کلام خداوند انس و الفت دارند و می کوشند، خود

1- (1) . همان.
2- (2) . همان، ص553.
3- (3) . همان، ص291.

نیز متخلق به اخلاق قرآن و متادّب به آداب الهی باشند، مرگ و حشر و نشر آنها همانند پیامبر است. رسول گرامی(صلی الله علیه و آله) فرمود:

انَّ اکْرَمَ العِبادِ الَی اللهِ بَعْدَ الأنبیاءِ، العُلَماءُ ثُمَّ حَمَلَهُ القُرآن، یَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنیا کَما یَخْرُجُ الانبیاءُ وَ یُحْشَرُونَ مِنْ قُبُورِهِم مَعَ الأنبِیاءِ وَ یَمُرُّون عَلَی الصِّراطِ مَعَ الأنبِیاءِ و یُأخُذُونَ ثَوابَ الأنبِیاءِ. (1)

همانا بهترین بندگان نزد خدا بعد از پیامبران، علما هستند و سپس حاملان (قاریان و حافظان) قرآن. آنان همانند انبیا از دنیا می روند، همراه آنان از قبرها برانگیخته می شوند، در کنار آنان از صراط می گذرند و پاداش انبیاء را (از خداوند) دریافت می کنند.

11. محبوبیت و احترام در دنیا و آخرت

در روایتی، حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) اکرام و احترام حامل قرآن را با اکرام خود یکی دانسته و فرموده است:

«اَکرِمُوا حَمَلَهَ القُرآن فَمَنْ اکْرَمَهُم فَقَدْ أکْرَمَنی»؛ (2)حاملان قرآن را گرامی بدارید. هرکس آنان را گرامی بدارد، مرا گرامی داشته است.

اهل قرآن، همان طور که در دنیا تکریم و احترام می شوند، در بهشت نیز گرامی و محبوب اند. قال رسول الله(صلی الله علیه و آله):

«حَمَلَهُ القرآنِ عُرَفاءُ اهْلِ الْجَنَّه»؛ حاملان قرآن، سرشناسان اهل بهشت اند.

12. فراگیری عملی همه مهارت های تلاوت قرآن

حفظ قرآن باعث می شود که انسان، به میزان قابل توجهی مهارت های قرآنی را فرا بگیرد. کسانی که می کوشند و تمرین می کنند تا آیات الهی را حفظ نمایند،

1- (1) . بحار الانوار، ج92، ص17.
2- (2) . کنز العمال، ج1، ص512.

حتی خردسالان، به سرعت بر روخوانی و روان خوانی قرآن تسلط می یابند و همچنین با ممارست و تکرار آیات و مراجعه به نوار، تلفظ عربی آیات و ترتیل قرآن و احکام تجوید و وقف و ابتدا را نیز به مرور زمان فرا می گیرند.

13. تقویت حافظه

حضرت علی(علیه السلام) فرمود:

«ثلثه یزدن فی الحفظ و یذهبن بالبلغم، قراءه القرآن و العسل و اللبان»؛ سه چیز است که حافظه را افزایش می دهد و بلغم را از بین می برد: قرائت قرآن، عسل، نوشیدن شیر. (1)

14. ایجاد فضای قرآنی در میان جامعه و جوانان و دوری از مفاسد

حفظ قرآن و جذابیت های آن می تواند باعث پیدایش فضای معطر قرآنی گردد؛ همان گونه که می بینیم وقتی یک حافظ قرآن (به ویژه حافظان خردسال) در جمعی حضور می یابند یا در مراسم و محافل قرآنی از حضور آنها استفاده می شود، جامعه چه تأثیر شگرفی می پذیرد و تا مدت ها حلاوت و شیرینی آن باقی است. تجربه نشان داده، جوامعی که افراد آن بیشتر با قرآن مأنوس اند، جوامع پاک و سالم تری نسبت به دیگر جوامع هستند. کشوری مانند سودان، به برکت قرآن کریم در میان کشورهای آفریقایی، پایین ترین آمار را ازحیث ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی دارد. «خلوت» یا «خلوه القرآن الکریم» در این کشور مرکز آموزش و خواندن و حفظ قرآن کریم است، که معادل همان مکتب خانه می باشد. (2)

1- (1) . بحارالانوار، ج66، ص290.
2- (2) . حمل قرآن، ص53.

15. پربارکردن اوقات فراغت

قرآن، بهترین موضوع برای پُرکردن اوقات فراغت جوانان و همه اقشار را است. امروزه که دست اندرکاران فرهنگی جامعه، بیکاری را مضر به حال جامعه می دانند و به هر وسیله ای تمسک می جویند تا جوانان بیکار نباشند و بعضاً می کوشند که با برنامه های ورزشی و فوتبالی و فیلم های غیرمفید و مسابقات غیرسازنده آنها را مشغول کنند، حفظ قرآن بهترین نسخه ای است که می تواند درمان این درد زیان آور جامعه باشد.

16. جایگزین کردن نغمه های زیبای قرآن به جای آهنگ های نامطلوب

حفظ قرآن باعث می شود تا انسان با نغمه های قرآنی آشنا شود و جایگزین آهنگ های بعضاً مبتذل در جامعه گردد. متأسفانه، امروزه فرهنگ غرب برای تخریب باورهای مردم دست به تهاجم همه جانبه زده است و از تمامی امکانات مادی و معنوی برای انحطاط جامعه دین دار، بهره می گیرد تا فرهنگ ناب و خالص قرآنی را از جامعه بگیرد. ازاین رو نغمه های ملکوتی قرآن کریم، بهترین داروی رستگاری و نجات از عربده ها و موسیقی های تند غربی است.

گفتار ششم: اهمیت حفظ قرآن برای طالبان علوم دینی و مبلغان

اشاره

قرآن، محور تعالیم و اعتقادات اسلامی است و مسلمانان با وجود اختلاف در برخی اصول و فروع، درباره محوریت و اهمیت قرآن اتفاق نظر دارند. در مجامع و نشست های علمی، اولین و مهم ترین استدلال ها و استنادها استدلال های قرآنی اند و هرقدر عالِم دین، هنگام بیان معارف به آیات قرآن و مفاهیم آن مسلطتر باشد، مقبولیت بیشتری دارد. ازاین رو انس با قرآن، شرط ابتدایی برای هر مبلّغ و عالم دینی

است. طلاب پیرو مکتب اهل بیت(علیهم السلام) نیز در مقام رهروان و مبلغان واقعی قرآن باید با آیات و موضوعات کتاب وحی مأنوس باشند. دراین میان، آنچه انس با قرآن و تسلط و آشنایی هرچه بیشتر با آن را برای پیروان مکتب اهل بیت(علیهم السلام) به ویژه عالمان و مبلغان این مکتب ضروری تر می نماید، هجمه های تبلیغی علیه مذهب شیعه است؛ تهمت های ناروایی مانند بی اعتقادی به اعتبار قرآن و نداشتن انس با قرآن و اهمیت ندادن به قرآن و نداشتن توفیق حفظ آن، مطالبی است که اهمیت مسلطبودن و مأنوس بودن پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه علما و مبلغان دینی با قرآن را دوچندان می کند. در این موقعیت، مبلغان دینی باید بیش ازپیش با قرآن آشنا شوند و آن را به خاطر سپارند تا بتوانند با قدرت و تسلط کافی به نشر معارف قرآنی بپردازند؛ به ویژه آن که اهل سنت در زمینه تلاوت و حفظ کلام وحی بسیار کوشیده اند و روحانیان و ائمه جماعات آنها حافظ کل یا نیمی از قرآن هستند.

از طرف دیگر از برداشتن و حفظ آیات و روایات، به مبلغ و عالم دین قدرت و روحیه سخن گفتن، بحث و مناظره و استدلال و حتی تألیف و نوشتن می دهد.

استاد شحات محمد انور درباره این که چرا بیشتر قاریان و استادان قرآن کریم مصری اند، می گوید:

در مصر، دانشگاه الازهر در خدمت قرآن است. در آنجا فرد عالم - که هم مرتبه حجت الاسلام در ایران است - لازم است که حافظ قرآن باشد. محل هایی نیز جهت تعلیم قرآن در تمام استان ها و اماکن مصر وجود دارد و این معاهد در کشور مصر بسیار است. حتی ممکن است، فردی در این دانشگاه ها مدارک بالایی را نیز دریافت کند. زمانی نیز مشاهده شده است که افراد در سنین بالا، وارد این دانشگاه ها شده و در آن به فراگیری علوم قرآنی پرداخته اند. (1)

1- (1) . مریم قاسم احمد، نگاهی به زندگانی قاریان مشهور قرآن کریم، ص24.

به نوشته فرید وجدی، حفظ تمام قرآن از شرطهای ورود به دانشگاه اسلامی الازهر مصر است و داوطلبان باید دست کم، بیست امتیاز از چهل امتیاز حفظ را به دست آورند. (1)

حفظ قرآن و سیره و کلام بزرگان

اشاره

علما و بزرگان دین، در طول تاریخ و در موارد مختلف، طلاب علوم اسلامی را به حفظ قرآن سفارش می کردند، که اکنون به نمونه هایی اشاره می کنیم:

الف) سید بن طاووس(قدس سره)

وی در وصیت به فرزند خویش این چنین سخن گفته است: «... برای تعظیم و تجلیل از مقام وحی و همچنین احیای شعائر اسلامی، تمام قرآن را حفظ و ازبر نما». (2)

ب) شهید اول(قدس سره)

شهید اول، طلاب علوم دینی را این چنین وصیت و سفارش نموده است:

آیاتی از قرآن را برگزین و ورِد خود ساز و اگر حفظ قرآن در توانت باشد، حتماً آن را ازبر نما و اگر آن توان را در خود ندیدی، هر مقدار از آیات را توانستی، حفظ کن و در این امر کوتاهی مکن. (3)

ج) شهید ثانی(قدس سره)

شهید ثانی در کتاب شریف منیه المرید در آداب درس و تحصیل علوم دین می فرماید:

نخستین و مهم ترین چیزی که شاگرد قبل از شروع به تحصیل باید بدان بپردازد، آن است که حفظ کتاب خداوند متعال را شروع نماید و

1- (1) . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج11، ص24.
2- (2) . سید بن طاووس، کشف المحجه، ص .
3- (3) . وصیت نامه شهید اول، غایه المراد، ص183.

قرآن را به صورت قوی و متقن حفظ کند؛ زیرا قرآن اصل و اساس تمام علوم و بااهمیت ترین آنهاست. علمای پیشین چنین بودند که حدیث و فقه را جز به شخصی که حافظ قرآن بود، نمی آموختند. ازنظر آنان، حافظ قرآن نباید به سراغ اشتغالاتی برود که باعث نسیان و فراموشی قرآن شود یا به قدری او را به خود مشغول کند که حفظ قرآن او در معرض فراموشی قرار گیرد؛ بلکه حتماً باید از این گونه امور بپرهیزد و ملزم باشد که هر روز به تکرار محفوظاتش بپردازد... و پس از حفظ کامل قرآن به تفسیر و سایر علوم قرآن بپردازد. (1)

د) ملا فتح الله کاشانی(قدس سره)

دو چیز است که از ویژگی های قرآن است: یکی آن که معجزه است، دوم آن که محفوظ است در صدور؛ یعنی آن را یاد می گیرند و از یاد می خوانند، چه کتب سالفه که معجزه نبوده اند و هیچ کس از یاد نمی خوانده، بلکه از اوراق کتابت می خوانده اند. پس این دو چیز مخصوص به قرآن است و از قتاده نیز مروی است که

«اعطی هذه الامه الحفظ و من کان قبلها لا یقرؤن الکتاب الا نظراً فاذا اطبقوه لم یحفظوا ما فیه الا الیسیر». (2)

ص:60

1- (1) . (القسم الثالث آدابه فی درسه و قراءته و ما یعتمده حینئذ مع شیخه و رفقته و هو أمور: الأول و هو أهمها أن یبتدئ أولا بحفظ کتاب الله تعالی العزیز حفظا متقنا فهو أصل العلوم و أهمها و کان السلف لا یعلمون الحدیث و الفقه إلا لمن حفظ القرآن و إذا حفظه فلیحذر من الاشتغال عنه بغیره اشتغالا یؤدی إلی نسیان شیء منه أو تعریضه للنسیان بل یتعهد دراسته و ملازمه ورد منه کل یوم ثم أیام ثم جمعه دائما أبد) شهید ثانی، منیه المرید، ص263.
2- (2) . ملا فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج7، ص170. در همین زمینه تفسیر خسروی نقل نموده است که: «ما حسدتکم الیهود و النصاری علی شئ کحفظ القرآن»؛ یهود و نصاری در چیزی مثل حفظ قرآن بر شما حسادت نورزیدند. تفسیر خسروی، ج6، ص424.

ه-) آیت الله بروجردی(قدس سره)

آیت الله بروجردی از مراجع بزرگ شیعه و حافظ نصف قرآن بود و آیات احکام را - که سند احکام فقهی است و حدود پانصد آیه است - در ذهن حاضر داشت. وی درباره حفظ قرآن چنین می گوید: «ازحفظداشتن قرآن، توشه ایی برای انسان است. افسوس بر کسی که از دنیا برود و توشه ایی نداشته باشد». (1)

و) امام خمینی(قدس سره)

امام خمینی(قدس سره)، خود به تلاوت کتاب الاهی اهمیت می داد و در موارد مختلف، طلاب علوم دینی را بدین امر سفارش می کرد:

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاه های اهل تحقیق! به پا خیزید و قرآن را از نشر جاهلان متنسک و عالمان متهتک، که ازروی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند، نجات دهید و این جانب ازروی جد نه تعارف معمولی می گویم از عمر به بادرفته خودم در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ایی از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر، که ضعف پیری بر شما هجوم کرد، از کرده ها پشیمان [شوید] و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده. (2)

چنان که در این سفارش پیداست، امام(قدس سره) به رشته های مختلف قرآنی عنایت داشته است. «حفظ قرآن»، یکی از این رشته هاست که باید بدان اهتمام ورزید و با برنامه ریزی صحیح، جوانان را به آن علاقه مند ساخت.

1- (1) . زندگی آیت الله بروجردی، ص165.
2- (2) . امام خمینی، صحیفه امام+، ج20، ص93.

ز) سخن مقام معظم رهبری دام ظله

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب در تقریظی که بر کتاب استاد پرهیزگار درباره حفظ قرآن مرقوم داشته اند، می فرمایند:

یکی از تفضلات الهی بر این ملت خداجوی و رشید، آن است که زمره ای از بهترین جوانانشان را مجذوب قرآن کرده است. این اگر قدر دانسته شود، کلید بسی درهای بسته و راه های ناگشوده است. آشنایی و انس و تدبر و حفظ و راه جویی از کتاب خدا منازل پی درپی تمسک به کتاب الله است.

ایشان در جای دیگری می فرمایند: «برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمی کنید؟ شماها جوانید. والله مکرر اتفاق افتاده است که با خودم فکرکرده ام و گفته ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم بدهم و حفظ قرآن را بگیرم». (1)

«آنچه من حالا در این جلسه می خواهم به طورخاص به قرآنی های عزیز کشورمان بگویم، این است که به سمت حفظ قرآن بیشتر بروید. حفظ، وسیله است؛ البته حفظ وسیله است، حفظ، هدف نیست. حفظ قرآن، وسیله است؛ وسیله است برای این که انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبر پیدا کند. جوان ها بروند از استعدادشان، از حافظه شان استفاده کنند؛ بچه ها را، جوان ها را بکشانید به سمت حفظ قرآن. البته امروز با گذشته ما قابل مقایسه نیست، خیلی جلو هستیم؛ اما کم است. آنچه که الان در کشور ما وجود دارد، کم است. بروند به سمت حفظ قرآن. وقتی که حفظ شد، حفظ حاصل شد، آن وقت توان و فرصت برای تدبر بیشتر پیدا خواهد شد و همین تدبر است که کلید است. کلید اصلی، همین تدبر در قرآن و فکرکردن در قرآن است». (2)

1- (1) . بیانات معظم له در دیدار قاریان قرآن، شعبان عبدالعزیز صیاد و محمود صدیق منشاوی و دیگران 70/1/22.
2- (2) . دیدار با شرکت کنندگان مسابقات قرآن 14/ 1390/4.

«یکی از چیزهایی که می تواند تدبر در قرآن را به ما ارزانی بدارد، حفظ قرآن است. ما حافظ قرآن کم داریم. من قبلاً گفتم که در کشور ما حداقل باید یک میلیون نفر حافظ قرآن باشند. حالا یک میلیون که عدد کمی است نسبت به این جمعیتی که ما داریم؛ اما حالا چون دوستان الحمدللّٰه یک مقدماتی فراهم کرده اند، کارهایی را مشغول شده اند و دارند برنامه هایی را فراهم می کنند برای این که ان شاءاللّٰه حفظ راه بیفتد، ما هم امیدمان بیشتر شده و به جای یک میلیون، می گوییم ان شاءاللّٰه ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم.

البته توجه داشته باشید که حفظ قرآن، قدم اول است. اولاً حفظ را باید نگه داشت. بنابراین حافظ قرآن باید تلاوت کننده مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتباً بایستی قرآن را تلاوت کند؛ والّا حفظ از دست خواهد رفت. بعد بایستی این حفظ کمک کند به تدبر، که این جور هم هست؛ حفظ حقیقتاً کمک می کند به تدبر. آنجایی که شما قرآن را تکرار می کنید، حافظید و می خوانید، فرصت تدبر و تعمق در آیات قرآن برای شما پیدا می شود.

البته انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین می کنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه ما هست، پیش می آید: شکوفایی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ده میلیون، پانزده میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که اینها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر باارزش است. آموزش های قرآنی را، درس های قرآنی را، نصایح قرآنی را، انذارهای قرآنی را، بشارت های قرآنی را در ذهن داشته باشند، آنها را مرور کنند، آنها را بر دل خودشان فرا بخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می آید. خوشبختانه زمینه هایش فراهم است. امروز هم

عزم و اراده ملت ما عزم پولادینی است. اما آن ساخت قرآنی جامعه در آن صورت به دست خواهد آمد، که ما امیدواریم ان شاءاللّٰه این پیش بیاید». (1)

ح) آیت الله بهجت(قدس سره)

«قرآن را حفظ کنیم تا همیشه با ما باشد و ما با او باشیم. به قرآن تحصن بکنیم و آن را وسیله حفظمان در فتن و شدائد دنیا قرار بدهیم». (2)

ط) آیت الله مکارم شیرازی دام ظله

«قرآن به صورت یک مجموعه با همین شکل فعلی در عصر خود پیامبر(صلی الله علیه و آله) جمع آوری شده بود و مسلمانان، سخت به یادگرفتن و حفظ آن اهمیت می دادند و اصولاً شخصیت افراد در آن عصر تا حد زیادی به این شناخته می شد که تا چه اندازه از آیات قرآن را حفظ کرده بودند... مسئله حفظ قرآن به عنوان یک سنت و یک عبادت بزرگ همیشه در میان مسلمانان بوده و هست، حتی پس از آن که قرآن به صورت یک کتاب تکثیر شد و در همه جا پخش گردید و حتی بعد از پیدایش صنعت چاپ که سبب شد این کتاب به عنوان پرنسخه ترین کتاب در کشورهای اسلامی و چاپ و نشر گردد، باز مسئله حفظ قرآن به عنوان یک سنت دیرینه و افتخار بزرگ، موقعیت خود را حفظ کرد؛ به طوری که در هر شهر و دیار همیشه جمعی از حافظان قرآن بوده و هستند. هم اکنون در حجاز و بعضی دیگر از کشورهای اسلامی، مدارسی به عنوان مدرسه تحفیظ القرآن الکریم یا نام های دیگر وجود دارد که برنامه شاگردان آن در درجه اول مسئله حفظ قرآن است. در

1- (1) . دیدار معظم له با قاریان و حافظان و اساتید ، 1390/5/11.
2- (2) . سیدمهدی ساعی، به سوی محبوب، ص71.

ملاقاتی که در سفر مکه با رؤسای این مدارس در آن شهر مقدس روی داد، معلوم شد گروه بسیار زیادی از پسران و دختران جوان در مکه در این مدارس نام نویسی کرده و مشغول تحصیل هستند. یکی از مطلعین می گفت، هم اکنون در کشور پاکستان در حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر حافظ قرآن وجود دارد. یکی از شرایط امتحان ورودی دانشگاه اسلامی الازهر مصر (طبق نقل دایره المعارف فرید وجدی) حفظ تمام قرآن است که از چهل نمره، حداقل باید بیست نمره بگیرند. کوتاه سخن این که، سنت حفظ قرآن از عصر پیامبر صلی الله علیه وآله و به دستور و تأکید خود آن حضرت که در روایات زیادی وارد شده، در تمام قرون و اعصار ادامه داشته است». (1)

ایشان همچنین در این باره می گوید: «من معتقدم که طلبه ها دو دسته اند: یک دسته حافظه های قوی و زمینه ذهنی مناسبی برای حفظ قرآن دارند؛ به گونه ای که اگر وقت بگذارند، به راحتی می توانند حفظ قرآن را به طور جدی پیگیری کنند، حوزه ها یک عده حافظ قرآن در سطح عالی داشته باشند. ولی گروه دیگری هم هستند که تا این اندازه آمادگی ندارند و اگر بخواهند حافظ قرآن شوند، باید همه وقتشان را روی حفظ بگذارند. من به این دسته، توصیه می کنم آیاتی را که برای استشهاد بر مسائل مختلف مورد نیاز است، حتماً از حفظ داشته باشند». (2)

ی) علامه حسن زاده آملی دام ظله

«... حقیقت امر این است که از همان ابتدا، عشق عجیبی به دیوان شعرا و نظم شعر داشتم. روی این ذوق، همان وقت، تمام دوبیتی های باباطاهر را حفظ بودم و

ص:65

1- (1) . تفسیر نمونه، ج11، ص17.
2- (2) . مجله پیام قرآن، پیش شماره6، شهریور72، ص52.

تمام رباعیات خیام را و اکثر غزلیات حافظ را و همین طور دیگران را و ای کاش از همان وقت کسی به من می گفت که آقا، به جای این که اینها را حفظ کنی، شروع کن به حفظ قرآن و الان این حسرت برای من به جا مانده است که این عشق و علاقه ای که به دواوین (دیوان های) شعرا داشتم، کاش در حفظ قرآن به کار می بردم». (1)

ک) آیت الله خزعلی دام ظله

«... حال که با برکت این کتاب ارجمند (قرآن کریم) و قیام مصلح بزرگ امام راحل قدس الله سره، انقلابی گران بها و بی نظیر به چنگ آمده، بر ماست که آن را با تمام توان، با همه جد و جهد، با بذل مال و جان حفظ کنیم و پاسداری آن را از هر واجبی، واجب تر بدانیم و طبعاً ریشه و پایه کار این است که همین کتاب مقدس را هرچه بیشتر ارج نهیم، گوشت و خونمان، فکر و احساسمان و نشست و برخاستمان، شب و روزمان، ساعت و دقیقه و آنمان و در یک کلمه تمام زندگی مان، بلکه مماتمان را هم در پرتو دستورات آن نهیم و هرچه بیشتر به آن توجه کنیم. خود را نبینیم، جز در آیینه قرآن، حرکت و سکونی نداشته باشیم، مگر با ارشادات قرآن، شاد نشویم، مگر با بشارت قرآن و بدین منظور آن را ورد زبان سازیم، روخوانی کنیم، دقت کامل در الفاظش نماییم، با تجوید و رعایت ادعای حروف قرائت کنیم، با کلید صرف و نحو و علوم عربی به بارگاهش راه یابیم و بهتر آن که در حافظه مان، در درون جانمان پذیرای این میهمان عزیز گردیم، حافظ گردیم و همه و همه خاصه نسل پربار جوان، این شکوفه های خرم نسل انسان که بالاخص در این برهه از زمان سخت مورد

1- (1) . میراث ماندگار، 63/1.

تهاجم فرهنگی ددان و بدان و ازخود و خدا بی خبران قرار گرفته اند». (1)

سفارش های این بزرگان و اهتمام روحانیون اهل سنت، وظیفه مبلغان شیعه را دوچندان می کند و لازم است در راه حفظ قرآن بیش ازپیش گام بردارند.

گفتار هفتم: حافظان قرآن الگوهای عملی جامعه

اشاره

حفظ قرآن، آثار دنیوی و اخروی بسیار دارد و عبادت شمرده می شود. بی تردید این آثار در پرتو عمل به قرآن و احکام الهی نهفته در آن، تحقق می یابد. از حافظان و قاریان و اهل قرآن انتظار آن است که رفتار و کردار و گفتارشان، جلوه ای از احکام و دستورات قرآن باشد؛ هم خود به قرآن و دستورات نورانی آن عمل کنند و هم در اجرای احکام قرآن در جامعه تلاش و مجاهدت نمایند. حافظان واقعی قرآن در تاریخ اسلام، همواره مجاهدانی پرتلاش برای حفظ و دفاع از دین بوده اند.

امروزه، در بسیاری از کشورهای اسلامی، به ویژه آنها که زیر سلطه فرهنگ شرق و غرب به سر می برند، شمار حافظان قرآن بسیار است. کتاب الهی در این سرزمین ها کتابی تشریفاتی شده، تنها به قرائت نیک، پخش رادیو - تلویزیونی و حفظ آن اهمیت می دهند. در برخی از این کشورها مدارسی با عنوان «مدارس تحفیظ القرآن» به صورت گسترده دیده می شود؛ درحالی که ارزش های آنها از غرب یا شرق گرفته شده است. حافظان قرآن در این کشورها تمام همّ و غمشان به الفاظ و کلمات قرآن و تکرار آنهاست و نکته غریب آن است که به سبب حفظ قرآن از عمل به تکالیف آن معاف می گردند. محمد عبده در تفسیر المنار آورده است: «یکی از قوانین بعضی از کشورهای اسلامی این است که حافظان قرآن از

1- (1) . مقدمه حضرت آیت الله خزعلی، حافظ قرآن و نهج البلاغه و عضو فقهای شورای نگهبان بر کتاب چگونه قرآن را حفظ کنیم.

جنگ و جهاد و بخشش اموال در راه خدا معاف اند».

چنین قوانینی با سیره حافظان صدر اسلام سازگار نیست. آنها مجاهد بودند و آیات الاهی را در زندگی به کار می بستند و در راه تبلیغ و دفاع از دین خدا و قرآن از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند. موارد زیر بر درستی این سخن گواهی می دهد:

1. عبدالله بن مسعود

مسلمانانی که در حوزه سرّی اسلام وارد شده بودند، چنان باهم گفت وگو کردند که قریش، کلام خدا را نشنیده اند، بسیار شایسته است یکی از ما در مسجدالحرام با صدای رسا قرآن بخواند. «عبدالله بن مسعود» - که در شمار حافظان بود - آمادگی خود را اعلام کرد و هنگامی که سران قریش کنار کعبه بودند، این آیات را خواند: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اَلرَّحْمنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسانَ، عَلَّمَهُ الْبَیانَ) عبارت های فصیح و بلیغ این سوره، رعبی عجیب در سران قریش پدید آورد. همگی از جای برخاستند و او را چنان زدند که خون از پیکرش جاری شد و با وضعی رقت بار پیش یاران پیامبر بازگشت. (1)

2. جعفر بن ابی طالب

گروهی از مسلمانان برای رهایی از آزار «قریش» و به پاداشتن شعائر دینی به حبشه مهاجرت کردند. در پیشاپیش این گروه، حافظی به نام «جعفر بن ابی طالب» بود. او آیاتی چند از آغاز سوره مریم را برای پادشاه حبشه خواند و وی را تحت تأثیر قرار داد. (2)

1- (1) . فروغ ابدیت، ج1، ص279.
2- (2) . همان، 317.

3. حافظان شهید

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در سال چهارم هجری، گروهی از حافظان قرآن را به سمت قبایل مختلف فرستاد. برخی از قبایل، حافظان قرآن را با نیرنگ خاصی به دام افکندند و با وضعی رقت بار به قتل رسانیدند. برخی از تاریخ نگاران، شمار این حافظان را هفتاد تن ذکر کرده اند. (1)

4. حبیب بن مظاهر

اشاره

حبیب از حافظان قرآن بود. وقتی معاویه درگذشت، سران شیعیان کوفه همچون سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد بجلی و حبیب بن مظاهر برای امام حسین(علیه السلام) نامه نوشتند و آن حضرت را برای قیام علیه امویان به کوفه دعوت کردند. حبیب از کسانی بود که در کوفه برای حضرت بیعت می گرفت. او روز عاشورا در سپاه امام حسین(علیه السلام) سردار ستون چپ بود و خود را برای مبارزه آماده می نمود. وقتی امام حسین(علیه السلام) برای به پاداشتن نماز مهلت خواست، حصین بن تمیم گفت: «نماز شما را پروردگار نمی پذیرد». حبیب در پاسخ گفت: «گمان می بری نماز آل رسول(علیهم السلام) را نمی پذیرند و نماز تو را می پذیرند»؟

حصین با شنیدن این سخن به حبیب حمله کرد. او شمشیر کشید و بر صورت اسب حصین فرود آورد. اسب سرکشی کرد و حصین به زمین افتاد. گروهی به یاری اش شتافتند و حصین را نجات داده، نزد خود بردند. حبیب درحالی که پیوسته رجز می خواند، به آنها حمله کرد و جنگی سخت درگرفت.

1- (1) . البیان، ص260.

او با این که پیر بود، جمع بسیاری را از پا درآورد و در نهایت، با صورت به زمین افتاد.

در این هنگام، مرد تمیمی پیش آمد و سر از پیکرش جدا ساخت. شهادت حبیب، امام حسین(علیه السلام) را سخت تکان داد. حضرت بر بالین حبیب آمد و فرمود:

«للهِ دَرُّکَ یا حَبِیب لَقَدْ کُنْتَ فاضِلاً تَخْتِمُ الْقُرآنَ فِی لَیلَهِ واحِدَه»؛ آفرین بر تو ای حبیب، تو شخص فاضلی بودی که در یک شب، قرآن را تمام می کردی. (1)

1- (1) . موسوعه کلمات الامام الحسین*، ص537.

پرسش های پایان فصل

1. «حفظ قرآن» در آیات و روایات تحت چه عناوین و تعابیری به کار رفته است؟

2. چند تن از حافظان مشهور صدر اسلام را نام ببرید؟

3. عوامل گسترش حفظکردن قرآن در صدر اسلام چه بود؟

4. مواردی از کلام و سیره معصوم(علیهم السلام) درباره اهمیت حفظ قرآن بیان کنید؟

5. مهم ترین دلایل اهمیت حفظ قرآن در زمان کنونی چیست؟

6. حفظ قرآن برای طلاب علوم دینی چه جایگاهی دارد؟

ص:71

2- اصول و مقدمات حفظ قرآن

گفتار اول: سن حفظ (بهترین دوران حفظ قرآن)

اشاره

برای حفظ قرآن، هیچ زمانی دیر نیست. در میان حافظان، شمار کسانی که قرآن را در سنین بالا به خاطر سپردند، اندک نیست. حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه العالی در درس خارج فقه می فرمود: «مرحوم آیت الله خویی(قدس سره) در دوران پیری به حفظ قرآن مشغول شدند».

بنابراین، در هر سن و موقعیتی می توان به حفظ قرآن پرداخت. البته در کودکی، ذهن برای فراگیری معلومات آمادگی بیشتری دارد و باید آن را بهترین زمان حفظ قرآن دانست. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید: «آموختن در کودکی چون نقشی است که بر سنگ حک شده باشد و آن که در بزرگ سالی می آموزد، مانند کسی است که بر آب می نویسد». (1)

بیشتر قاریان مشهور جهان چون استاد عبدالباسط، محمد صدیق منشاوی،

ص:73

1- (1) . مثل الذی یتعلم فی صغره کالنقش فی الحجر و مثل الذی یتعلم فی کبره کالذی یکتب علی الماء (کنز العمال، ج10، ص249، ح29336).

راغب مصطفی غلوش و ابوالعینین شعیشع از کودکی به حفظ قرآن پرداختند و در شمار حافظان کل قرآن هستند. (1) بیشتر دانشمندان ما نیز در کودکی بدین توفیق دست یافتند. نام و زندگی شماری از آنها عبارت است از:

1. ابن سینا

ابن سینا دانشمند نامی قرن پنجم هجری - که در پزشکی، فلسفه و... سرآمد عصر خود بود - پیش از ده سالگی قرآن مجید را حفظ کرد.

2. سید بن طاووس

سید بن طاووس از دانشمندان شیعی است که در شعبان 640ق در کربلا متولد شد و در شهرهای حله و بغداد به فراگیری دانش پرداخت. او از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی است و در یازده سالگی تمامی قرآن را به خاطر سپرد. (2)

3. رودکی

رودکی شاعر پرآوازه سده چهارم ایران، در عصر سامانیان می زیست. گفته اند که وی بیش از یک میلیون بیت شعر سروده و شعر پارسی را به کمال رساند. رودکی از نعمت بینایی بی بهره بود؛ ولی در هشت سالگی همه قرآن را حفظ کرد. (3)

4. ابوالعیناء

محمد بن قاسم بن خلاد بن یاسر اهوازی، مشهور به ابوالعیناء، در شهر اهواز

1- (1) . نگاهی به زندگانی قاریان مشهور قرآن کریم.
2- (2) . محمدباقر مدرس، ستاره های فضیلت، ج3، ص117.
3- (3) . ناصر باقری بیدهندی، دانشوران روشندل، ص73.

متولد شد و در بصره رشد یافت. وی از ادیبان بزرگ روزگار عباسی بود و در کودکی قرآن را حفظ کرد. ابوالعیناء در چهل سالگی، چشمانش را از دست داد و پنجاه سال دیگر عمرش را در نابینایی به سر برد. (1)

5. حافظ شیرازی

حافظ، شاعر و دانشمند ایرانی، در نهایت فقر و تنگ دستی به فراگیری دانش پرداخت. او تمامی قرآن را با چهارده قرائت از حفظ بود و «لسان الغیب» لقب داشت. (2)

6. ناصرخسرو

ابومعین ناصرخسرو قبادیانی سال 394 هجری چشم به جهان گشود و در 481 درگذشت. وی شاعر، عارف، حکیم و نویسنده زبردست بود - که از نوادر روزگار به شمار می رفت - و در نه سالگی قرآن و بسیاری از احادیث را حفظ کرد. (3)

7. ابن اثیر جزری

ابوالفتح ابن اثیر جزری از دانشمندان شافعی مذهب است. او در لغت، نحو، بیان و همچنین فنون انشا و کتابت، بسیار مهارت داشت و قرآن را در کودکی حفظ کرده بود. (4)

1- (1) . همان، ص26.
2- (2) . مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج2، ص12 - 15.
3- (3) . همان، ج6، ص100 - 102.
4- (4) . همان، ج7، ص374.

8. انتاکی

داود بن عمر انتاکی، ملقب به «بصیر»، از دانشمندان شیعی اوایل قرن یازدهم است. وی در کودکی حافظ قرآن شد و توانست در پزشکی و فلسفه شهرتی چشمگیر به دست آورد. انتاکی نابینا بود و به شهرهای بسیار سفر کرد. (1)

9. ملک المحدثین

محمد بن طاهر، ملقب به ملک المحدثین، از دانشمندان اواخر قرن دهم هجری است. او در کودکی قرآن را حفظ کرد و در بسیاری از فنون بر دیگران تقدم یافت. محمد بن طاهر اموال بسیار به ارث برد و همه را به دانشجویان علوم دینی بخشید. (2)

10. فرزدق

فرزدق، شاعر شیعی عصر بنی امیه، از اصحاب امام سجاد(علیه السلام) بود. پدرش او را در کودکی نزد علی(علیه السلام) آورد و گفت: فرزندم شاعر است. علی(علیه السلام) فرمود: به او قرآن بیاموز که بهتر از شعر است. این سخن، چنان در فرزدق اثر کرد که بر خود قیدهایی بست و سوگند خورد تا قرآن را حفظ نکند، آنها را نگشاید. به این ترتیب، همه قرآن را به خاطر سپرد. (3)

11. فخرالدین عراقی

ابراهیم بن شهریار، ملقب به «فخرالدین»، در شمار شاعران و عارفان پیرو شیخ شهاب الدین سهروردی است. او در کودکی به جمع حافظان قرآن پیوست. (4)

1- (1) . همان، ج1، ص194؛ دانشوران روشندل، ص51.
2- (2) . ریحانه الادب، ج5، ص395.
3- (3) . سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج10، ص267 - 271.
4- (4) . ریحانه الادب، ج4، ص117.

12. شبلنجی

شبلنجی، دانشمند بزرگ اهل سنت، حدود 1250ق متولد شد و در ده سالگی قرآن را حفظ کرد. وی به گوشه نشینی و زیارت اهل قبور بسیار تمایل داشت. (1)

13. شهاب الدین

شهاب الدین، دانشمند شافعی - که به ادبیات بسیار عشق می ورزید - در ده سالگی قرآن را حفظ کرد. (2)

14. ابوالحسنات

محمد عبدالحی بن حافظ انصاری، از دانشمندان حنفی قرن چهاردهم است. او حفظ قرآن را از پنج سالگی آغاز کرد و در ده سالگی به پایان رساند. ابوالحسنات در یازده سالگی به تحصیل دانش پرداخت و همه علوم رایج معقول و منقول را نزد پدر آموخت. (3)

15. ابن اللبان

ابومحمد عبدالله، مشهور به ابن اللبان، از فقیهان و محدثان معروف شافعی است. وی - که قرآن را به چندین روایت تلاوت می کرد - در پنج سالگی به حافظان پیوست و سال 446ق در اصفهان درگذشت. (4)

16. جبرتی

کنیه او ابوالتهانی بود و از دانشمندان معروف حنفی شمرده می شد. وی در

1- (1) . همان، ج3، ص180.
2- (2) . همان، ص268.
3- (3) . همان، ج7، ص62.
4- (4) . همان، ج8، ص178.

بیشتر علوم روز سرآمد بود و کنار دانش به تجارت نیز می پرداخت. ابوالتهانی در ده سالگی قرآن مجید را به خاطر سپرد. (1)

موارد دیگر بسیاری نیز از بزرگان و دانشمندان اسلامی وجود دارند که از همان کودکی به حفظ قرآن اهتمام داشته و موفق به حفظ کامل قرآن شده اند، که نمونه ای از این افراد و شرح حال آنها بیان شد.

پرسش مهمی که در اینجا ممکن است مطرح شود، این است که آیا فقط در کودکی می توان قرآن را حفظ کرد.

در جواب باید بگوییم که بهترین زمان شروع، کودکی و نوجوانی است؛ ولی در هر مقطعی از عمر که انسان شروع کند، منفعت است و اگر انسان با همت والا و جدی شروع کند، قطعاً به اندازه همت و تلاش خود نتیجه آن را خواهد دید.

گفتار دوم: انواع و اشکال حفظ قرآن

اشاره

حفظ قرآن به دو شکل ممکن است:

1. حفظ ترتیبی

2. حفظ موضوعی

«حفظ ترتیبی»؛ یعنی حفظ آیات به همان ترتیبی که در قرآن آمده است. کسانی که قصد دارند قرآن را به صورت ترتیبی حفظ کنند، با توجه به هدف و فرصت و توانی که دارند، ممکن است همت خود را برای حفظ کل قرآن از ابتدای قرآن تا پایان آن بگمارند و یا با توجه به موقعیت و توانشان به حفظ ترتیبی اجزا محدود یا سور خاص بپردازند. در شکل دوم، حافظ قرآن با توجه به کثرت استفاده و کاربرد

1- (1) . همان، ج1، ص394.

سور، اقدام به حفظ آنها می کند. برای مثال، استحباب خواندن سوره های شمس و اعلی و جمعه و منافقون در برخی نمازها و یا خواندن سوره های الرحمان و واقعه در روزها یا مکان های خاص، انگیزه ای برای حفظ این سور خواهد بود. به هرحال کسی که توفیق یا توان حفظ کل قرآن را ندارد، بهتر است به مضمون

«مالا یدرک کله لا یترک کله» توفیق جزئی را از دست ندهد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

«حفظ موضوعی»، به معنای حفظ آیات دسته بندی شده در موضوع های متفاوت است؛ مانند آیات مربوط به نماز یا معاد. این نوع حفظ برای طلاب علوم دینی، معلمان، سخنوران، نویسندگان و همه کسانی که به موضوعات و مفاهیم قرآنی علاقه مندند، بسیار مفید و جذاب است. برای دستیابی به آیات موضوعی، حافظان قرآن می توانند از معجم های الفاظ یا معجم های موضوعی قرآن بهره ببرند و پس از جست وجو در موضوع یا واژه ای خاص، آیات آن را استخراج و دسته بندی کنند و با توجه و دقت در معانی و مفاهیم، آنها را به خاطر بسپارند.

کسانی که از حافظه قوی و وقت کافی برخوردارند، شایسته است در مسیر حفظ ترتیبی گام بردارند؛ اما برای آنان که حافظه قوی یا فرصت کافی ندارند، حفظ موضوعی یا حفظ بعضی از سوره های کوچک و دارای فضیلت، سودمندتر است. یکی از یاران پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) نزد حضرت آمد و گفت: قرآن از ذهنم فراری و نگهداری اش برایم دشوار شده است. حضرت فرمود:

«لا تُحَمِّلْ عَلَیْکَ ما لاتُطیقُ وَ عَلَیْکَ بِالسُّجُود»؛ کاری که توان انجامش را نداری، انجام مده و بر تو باد سجده کردن.

سفره کرم و نعمت الهی بر همگان گسترده است و چقدر زیباست که هرکسی می تواند به اندازه توان و استعداد خود از قرآن کریم استفاده کند. درِ رحمت حفظ قرآن بر همگان گشوده است، عده ای که از استعداد و حافظه قوی

برخوردار و وقت لازم برای حفظ دارند، بسیار به جاست که از ابتدا شروع به حفظ کند و منظم و به ترتیب سوره ها را به خاطر بسپارد. ولی افرادی که توان حفظ کامل را ندارند، در حد توان برای خود به گونه ای برنامه ریزی کنند که یا سوره های مورد علاقه را به خاطر بسپارند و شروع آن از سوره های کوچک باشد و یا به حفظ موضوعی آیات بپردازند.

نکته جالب توجه این است که حفظ موضوعی قرآن، برای همگان مفید و امکان پذیر است. قرآن مشتمل بر معارف گران بها و بی شماری در موضوعات مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، حقوقی، عبادی و... است که ما می توانیم با توجه به رشته تحصیلی، شغل یا علاقه شخصی مان، با انتخاب موضوع، آیات مربوط به آن را شناسایی و حفظ کنیم.

گفتار سوم: مقدمات حفظ قرآن

اشاره

حفظ قرآن به مقدماتی نیاز دارد. این مقدمات، اساسی است و پیمودن مسیر بدون آنها کاری دشوار و توانفرسا می نماید.

بخشی از این مقدمات درباره ذهن و روح و روان است و بخش دیگر به آمادگی ها و شرایط و مقدمات علمی مربوط می شود. برخی زمینه سازی ها و مقدمات عملی نیز لازم است و بخشی دیگر به مقدمات آدابی و معنوی اختصاص دارد.

1. مقدمات روحی - روانی

الف) نیت و هدف

ارزش هر عمل صالحی را چگونگی نیت در آن عمل تعیین می کند:

«انما الاعمال بالنیات»؛ پس اهمیتِ داشتن نیتی خالص و پاک، بدون هیچ گونه شرک و ریا کاملاً روشن و واضح است. مبتدی پیش از آغاز حفظ باید به این سؤال

ص:80

اساسی پاسخ دهد که قرآن را برای چه حفظ می کند و چه اهدافی را از این کار دارد. چنان که نیت هر کار، نیتی پاک و الهی باشد، ارزش آن دوچندان خواهد بود؛ حفظ و درک قرآن نیز نباید براساس اهداف مادی، دنیوی و ظاهری باشد، بلکه فقط باید با انگیزه کسب مقامات معنوی صورت گیرد. آری اگر درضمن حفظ قرآن، علاقه به تظاهر پیدا کردید، بدانید کار به پایان نخواهد رسید و یا اگر هم به پایان برسد، زمینه ساز امور معنوی و اخروی نخواهد بود. اگر از این نعمت برای کسب معاش بهره جستید، یا برای فخرفروشی به بزرگان استفاده کردید، یا بخواهید برای نزدیک شدن به ملوک و سلاطین از آن بهره ببرید، قطعاً تلاش خود را تباه کرده اید و روز قیامت با شرمندگی وارد محشر خواهید شد. از معانی حفظ، به یادسپردن کلمات و آیات قرآن است؛ ولی بُعد دیگر حفظ، به کارگیری دستورالعمل های شفابخش آن و انتقال آن معارف به دیگران می باشد، که باید هدف عالی، در این امور مد نظر قرار گیرد تا انسان به برکاتی ارزنده دست یابد.

نیت و هدف علاوه بر آن که عیار و ارزش کار انسان را معین می کند، راه گشای فرد در طول مسیر عمل و آسان کننده مشکلات خواهد بود. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

«ما ضَعُفَ بَدنٌ عَمّا قَوِیتْ عَلَیهِ النّیهُ»؛ (1)هرگز بدن از آنچه نیت و انگیزه نسبت به آن قوی باشد، ضعیف و ناتوان نمی شود».

ب) انگیزه و اشتیاق

شرط اصلی حفظ، اشتیاق قلبی است. شوق و علاقه، بسیاری از سختی ها را آسان می کند و فرد را امیدوار می سازد. سرّ این که در صدر اسلام مسلمانان قرآن را سریع به خاطر می سپردند، علاقه خاص آنان به کلام الاهی و حفظ آن بود.

1- (1) . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج1، ص53.

برای ایجاد این اشتیاق، باید به دو نکته زیر توجه داشت:

الف) بیان آثار و نتایج حفظ قرآن و مثال های عینی از حافظان موفق قرآن؛

ب) تشویق و اعطای جوایز؛ تشویق و اعطای جایزه، به ویژه در کودکان، بسیار کارساز است و آتش اشتیاق را در آنها برمی افروزد.

ج) تصمیم، عزم و پشتکار

بیشتر مسلمانان و بلکه همه آنها به حفظ قرآن علاقه بسیار دارند. اشتیاق، شرط لازم است، نه کافی. باید علاقه با عزم و پشتکار همراه شود تا سودمند افتد. عزم غیر از نیت و خواستن است و به طور معمول توانستن را به ارمغان می آورد. نقش پشتکار در حفظ قرآن، چنان است که می توان گفت، حفظ قرآن به استعداد قوی بستگی ندارد و فقط به پشتکار و عزم راسخ نیازمند است. باید پشتکار داشت و سختی ها را تحمل کرد؛ زیرا خداوند می فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً». بی تردید با دشواری آسانی است. در تحصیل مدارج علمی، داشتن همت بلند ضروری است. برای مثال، اگر کسی بخواهد فقیه، مفسر، فیلسوف، پزشک یا مهندس شود، باید هدفی فراتر از این عنوان ها برگزیند تا دست کم به آنچه خشنودش می کند، دست یابد. البته این نکته حائز اهمیت است که هدف بلند، به معنای بلندپروازی های غیرمنطقی و نامعقول نیست و برای رسیدن به اهداف بلند باید اهداف مرحله ای و قدم به قدم را تعریف کرد؛ چنان که حافظان باتجربه تذکر داده اند، در به خاطرسپردن آیات الاهی باید هدف نزدیک باشد. کسی که می خواهد قرآن حفظ کند نباید در اولین گام، هدفش حفظ کل قرآن باشد. این هدف انسان را در میانه راه با نومیدی و دلسردی روبه رو می کند و از ادامه مسیر بازمی دارد. هرچه هدف نزدیک تر باشد، احتمال پیروزی بیشتر است؛ بنابراین

هدف در آغاز راه، باید حفظ سه تا پنج جزء باشد. وقتی با چنین دیدگاهی به حوزه حفظ گام می نهیم، حجم آن کمتر می نماید و اشتیاق به ادامه راه فزونی می یابد. پس از دستیابی به هدف اول، باید فقط به پنج جزء بعدی اندیشید، نه بیشتر. بدین ترتیب می توان با عشق فراوان، جزءها را یکی پس از دیگری به خاطر سپرد و به سمت حفظ کل قرآن گام برداشت.

د) توکل

موفق بودن در هر امری، منوط به لطف و تفضل الهی است. بنابراین بعد از آن که فرد عزم خود را جزم نمود، باید بر خداوند متعال توکل نماید: (فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) . (1) انجام امور انسان، همه مشروط به عنایات خداوندی است؛ اما او نصرت و فضل خود را به داشتن عزم و تصمیم و استفاده بهینه از توان و برنامه ریزی خود انسان مشروط کرده است.

2. مقدمات علمی

اشاره

مبتدی برای حفظکردن، باید با برخی علوم و مهارت ها آشنایی داشته باشد. برخی از این علوم، دانستنی ها و مهارت ها برای شروع به حفظ الزامی و ضروری است و بدون آنها حفظ قرآن ناممکن یا بسیار مشکل است. برخی دیگر از مقدمات علمی برای حافظ قرآن ضروری نیست، اما دانستن آنها ترجیح دارد و به قوت و استحکام حفظ کمک می کند.

الف) مقدمات علمی ضروری

کمترین چیزی که برای حفظ قرآن لازم است، تسلط بر صحیح خوانی و

1- (1) . آل عمران، آیه159.

روان خوانی آیات و کلمات قرآن است. فردی که این مهارت را نداشته باشد، در روند حفظ با مشکلات زیادی روبه رو خواهد شد و علاوه بر آن که کند پیش خواهد رفت و خسته خواهد شد، کیفیت حفظ نامطلوبی خواهد داشت. حافظ قرآن باید با روخوانی و روان خوانی قرآن آشنا باشد تا کلمات را به صورت غلط و نادرست حفظ نکند. کسانی که پیش از حفظ قرآن، براثر زیادخواندن و انس با قرآن با کلمات آن آشنایی بیشتری دارند، به راحتی می توانند قرآن را حفظ کنند. هرقدر انس انسان با آیات قرآن بیشتر باشد، به خاطرسپاری و حفظ آنها با سهولت بیشتری انجام می شود.

البته ضروری بودن این امر به این معنا نیست که به هیچ وجه نمی توان بدون آشنایی با روخوانی قرآن کریم آن را حفظ کرد؛ زیرا افراد بی سواد و کودکان نیز می توانند فقط با شنیدن کلمات قرآن و تکرار آن، قرآن را حفظ کنند، اما این نوع حفظ کیفیت مطلوبی نخواهد داشت.

ب) مقدمات علمی ترجیحی

یکم) آشنایی با معانی و مفاهیم آیات

برای حفظکردن بهتر و زودتر قرآن، آشنایی مختصری با مفاهیم آیات و معنای کلمات الزامی است. وقتی که می خواهید بخشی را حفظ کنید، اول نگاهی گذرا به لغات انداخته، بعد هم سیر کلی معنوی آیات را در ذهن ترسیم کنید. آنگاه پایان آیه را به آغاز آیه بعدی پیوندی معنوی دهید، به ویژه در موارد وقف، دقت بیشتری کنید که دچار اشکال نشوید.

آشنایی با زبان عربی و ترجمه و تفسیر اجمالی آیات، برای حفظ قرآن بسیار سودمند است. به خاطرسپردن کلمات و الفاظ، بدون توجه به معانی، کار حافظ را

سخت می کند و سبب می شود که آیات به طور صحیح در ذهن جای نگیرد. این امر چنان مهم است که می توان آن را مؤثرترین عامل پیشرفت در حفظ قرآن دانست. آشنایی با زبان عربی، آیات را دل نشین تر می کند و سبب علاقه و امیدواری فزون تر حافظ می گردد. به این دلیل که انسان به وسیله زبان عربی می تواند با روح و معانی آیات ارتباط برقرار کند و اگر معنای کلمات و آیات را نداند، باید چندین برابر زحمت بکشد؛ برای مثال وقتی معنای آیات را می داند، هیچ گاه نمی گوید: انّ الله یحبّ من کان خوّاناً اثیما و اگر کسی آیه را چنین تلاوت کرد، می گوید: این آیه صحیح نیست، چون خداوند گنهکاران و خائنان را دوست ندارد و یا در موارد مشابه، آشنایی اجمالی با تفسیر قرآن می تواند به حافظ کمک کند تا مورد صحیح را بشناسد. مثلاً در عبارات (...نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ إِیّاهُمْ...) (انعام، 151) و (...نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِیّاکُمْ...) (اسرا، 31) مراجعه به تفسیر و معنای آیه ضروری است.

دوم) آشنایی با قواعد زبان عربی (صرف و نحو)

دانستن علم صرف، در فراگیری و حفظ سریع تر کلمات قرآن نقش زیادی دارد. علم صرف، ساختار کلمات عربی و گونه و چگونگی اشتقاق آنها را بیان می دارد. علم نحو نیز به چگونگی قرارگرفتن کلمات و ترکیب آنها در جمله می پردازد. آشنایی با این علم نیز تا حد زیادی راه حفظ را هموار می کند. کسی که به علم صرف و نحو آشناست؛ حتی اگر کلمات قرآن حرکات و اعراب نداشته باشد، باز هم می تواند بسیاری از این حرکات و اعراب ها را حدس بزند و در نتیجه، برای حفظ قرآن سختی کمتری بکشد و هنگام بیان کلمات، کمتر دچار اشتباه و خطا گردد. همچنین از قواعد صرفی و نحوی می توان برای رمزگذاری

در آیات شبیه استفاده کرد. به چند نمونه اشاره می کنیم: در آیه (...إِنَّما یَخْشَی اللّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ...) دانستن این که در اینجا الله نقش مفعول و علما نقش فاعل دارند (یعنی علما از خداوند خشیت دارند، نه خداوند از علما!) و فاعل مرفوع و مفعول منصوب است، باعث می شود که حافظ قرآن اشتباه نکند. همچنین در آیه شریفه (...أَنَّ اللّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ...) (توبه، 3) دانستن این که رسول بر الله عطف شده است و نه بر مشرکان، باعث اشتباه نشدن می گردد.

علاوه بر فواید فوق، دانستن قواعد صرف و نحو زمینه فهم معنای آیات را نیز فراهم می کند. این امر آن چنان مهم است که می توان آن را از مؤثرترین عوامل پیشرفت در حفظ قرآن دانست و همچنین آشنایی با صرف و نحو و لغت عربی، باعث علاقه بیشتر حافظ می شود و آیات را نیز در ذهن، زیباتر و دل نشین تر می کند.

سوم) آشنایی با علم تجوید

علم تجوید ما را قادر می سازد که بتوانیم قرآن را با لهجه فصیح و زیبای عربی بخوانیم. تجوید علاوه بر زیباکردن قرائت، می تواند به حُسن حفظ نیز کمک کند؛ زیرا با تلفظ صحیح کلمات، کلماتی مانند «اسم و اثم» «تالمون و تعلمون» «اغنی و اقنی» به درستی ازهم متمایز خواهند شد و بر صحت حفظ تأکید می شود. علاوه بر آن، قواعد و احکام تجویدی نیز مانند قواعد صرف و نحو می تواند علامت و نشانه ای برای شناخت و تمایز آیات مشابه باشند.

چهارم) آشنایی با نغمات و الحان و سبک های تلاوت در حد خواندن ترتیلی مناسب

به دلیل ارتباط زیاد حافظ قرآن با مقوله تلاوت و استمرار آن به منظور نگهداری محفوظات، آشنابودن او با نغمات و سبک های مختلف می تواند برای تنوع و جلوگیری از خستگی در تلاوت های طولانی مدت مؤثر باشد.

پنجم) آشنایی با اصول و قواعد حفظ قرآن

قطعاً کسی که می خواهد برنامه مهم و سنگین و طولانی مدتی مانند حفظ قرآن را انجام دهد، باید اصول، قواعد و روش های صحیح آن را بداند. دانستن این اصول و روش ها موجب آسان شدن حفظ و جلوگیری از مشکلات و آسیب های آن خواهد شد. چه بسیار افراد علاقه مند به حفظ به دلیل بی توجهی به شرایط و مقدمات حفظ قرآن و نداشتن برنامه ریزی صحیح با استفاده از اصول و قواعد و بهره گیری از تجربیات استادان، عملاً در انجام دادن حفظ ناموفق بوده و در نتیجه، ناامید و مأیوس شده اند.

3. مقدمات عملی

اشاره

حفظ قرآن به عنوان برنامه ای سنگین و طولانی مدت، نیاز به نظم و برنامه ریزی دقیق و عملی دارد. امام علی(علیه السلام) می فرماید:

«اُوصیكُمْ بِتَقْوَی اللهِ وَ نَظْمِ امْرِكُمْ»؛ شما را به تقوای الاهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم. نظم و برنامه ریزی در هر کاری لازم است؛ به ویژه در کار بزرگی مانند حفظ قرآن کریم که مدت دار و دشوار است. گروهی بی آن که روشی مطمئن و آزموده برگزینند، به حفظ قرآن می پردازند و در میانه راه با شکست و نومیدی روبه رو می شوند. «روش درست»، نوعی راه میان بر برای رسیدن به مقصود است. به همین دلیل، آنان که کارهایی چون شنا، خطاطی و نقاشی را زیر نظر استاد و با روش درست می آموزند، در کمترین زمان نتیجه می گیرند. راز موفق بودن در حفظ قرآن نیز به کارگیری روش درست است. برای اتخاذ یک روش درست باید حافظ قرآن با توجه به وضعیت خود به مطالعه مقدمات و مهیاساختن شرایط لازم بپردازد و برنامه ای را یا به صورت شخصی تدوین و یا از اساتید حفظ اخذ نماید و به صورت منظم به این برنامه عمل کند. عواملی که در یک

برنامه مناسب برای حفظ قرآن به آنها توجه شود، موضوعاتی از قبیل تعیین سرعت و مقدار حفظ، نوع و حجم قرآن، انتخاب استاد و جلسه مناسب، انتخاب همراه و هم مباحثه و ... می باشد که در ادامه مباحث آنها را بررسی خواهیم کرد.

الف) تعیین سرعت حفظ

از موضوعات مهمی که در ابتدای حفظ باید به آن پرداخته شود، تعیین مدت زمانی است که حافظ قرآن قصد دارد حفظ را به انجام برساند. به دلیل آن که افراد موقعیت یکسانی ندارند، این مرحله باید با توجه به وضعیت هر شخص تعیین گردد و نمی توان نسخه واحدی را برای افراد با اوضاع متفاوت تجویز کرد. تعیین مدت زمان حفظ به امور زیر وابسته است:

1. میزان اشتغالات روزانه شخص و مدت زمان فراغت او؛

2. میزان آمادگی شخص ازنظر مقدمات علمی؛

3. میزان آمادگی شخص ازحیث مقدمات روحی - روانی؛

4. سن و میزان تحصیلات شخص؛

5. میزان استعداد و قدرت حافظه شخص.

با توجه به عوامل فوق و با لحاظ واحد سطر و صفحه (و نه تعداد آیه)، میزان حفظ روزانه و هفتگی هر شخص براساس جدول ذیل تعیین می شود.

سرعت خیلی کم(قدس سره)روزی 2/5 سطر(قدس سره)هفته ای 1 صفحه(قدس سره)سالی 2/5 جزء(قدس سره)اتمام در 12 سال

سرعت کم (قدس سره)روزی 5 سطر(قدس سره)هفته ای 2 صفحه (قدس سره)سالی 5 جزء(قدس سره)اتمام در 6 سال

سرعت متوسط(قدس سره)روزی 0/5 صفحه(قدس سره)هفته ای 3 صفحه(قدس سره)سالی 7/5 جزء(قدس سره)اتمام در 4 سال

سرعت فوق متوسط(قدس سره)روزی 10 سطر(قدس سره)هفته ای 4 صفحه (قدس سره)سالی 10 جزء (قدس سره)اتمام در 3 سال

سرعت زیاد(قدس سره)روزی یک صفحه(قدس سره)هفته ای 6 صفحه (قدس سره)سالی 15 جزء (قدس سره)اتمام در 2 سال

سرعت خیلی زیاد(قدس سره)روزی دو صفحه (قدس سره)هفته ای 12 صفحه (قدس سره)سالی 30 جزء(قدس سره)اتمام در یک سال

ص:88

چند نکته درباره سرعت حفظ درخور توجه است.

اول آن که برنامه تعیین شده برای حفظ، باید کمی پایین تر از توانایی شخص در نظر گرفته شود تا با نشاط و شادابی اجرا شود و موجب خستگی و ملال شخص نگردد و همچنین در صورت تغییر اوضاع به سوی منفی، باعث آسیب رسیدن به برنامه نگردد.

دوم آن که برنامه ای که معمولاً برای افراد با توانایی عادی و فرصت مناسب توصیه می گردد، برنامه سوم (سرعت متوسط) است. این برنامه، توجه به مفاهیم و همچنین برنامه منظم مرور را ممکن می سازد.

سوم آن که لزومی ندارد میزان و سرعت حفظ در طول مدت حفظ کل قرآن ثابت بماند. برای مثال، شخصی که با سرعت کم (برنامه دوم) حفظ را آغاز کرده است، می تواند پس از اتمام ده جزء، با سرعت متوسط (برنامه سوم) و پس از اتمام بیست جزء، با سرعت فوق متوسط (برنامه چهارم) ادامه دهد.

ب) انتخاب مصحف مناسب

از نکات بسیار مهم و مؤثر در حفظ قرآن، انتخاب قرآن مناسب برای حفظ است. در انتخاب قرآن، شایسته است موارد زیر رعایت شود.

اول این که باید از آغاز تا پایان حفظ، حتی برای مرور، از یک قرآن استفاده کرد. منظور از یک قرآن، یک نوع رسم الخط قرآن با ویژگی های صفحه بندی و چاپ معین است، نه یک قطع معین؛ زیرا استفاده از یک چاپ قرآن با قطع های مختلف، همان طور که در نکته دوم اشاره می شود، مجاز است. علت توصیه به استفاده نکردن از قرآن های با چاپ و ویژگی مختلف، آن است که استفاده از قرآن های مختلف ذهن را دچار مشکل می کند و تصویر آیات و صفحات را به هم می ریزد.

دوم این که بهتر است، با توجه به مکان و زمان حفظ و مرور، از قطع های گوناگون یک قرآن استفاده شود؛ برای مثال در خانه و محل کار، از قطع بزرگ و در غیر این موارد، از قطع جیبی بهره برد.

سوم این که قرآنی که انتخاب می شود، باید متن و زمینه ای ساده داشته باشد. قرآنی که حافظ استفاده می کند، باید ساده و خوانا با اعراب گذاری و علائم رسم و ضبط دقیق باشد و نباید صفحات آن زرق و برق یا نقش و نگار داشته باشد و در ضمن، رنگ زمینه صفحات، سفید هم نباشد، که باعث خستگی چشم می شود.

چهارم این که بدون ترجمه باشد. اساتید حفظ معتقدند، بهتر است حافظ از قرآنی استفاده کند که ترجمه نداشته باشد و برای ترجمه از منبع دیگری استفاده کند؛ زیرا هنگام حفظ قرآن توجه به ترجمه ما را از مسیر اصلی حفظ دور می سازد. بنابراین بهتر است، پیش از آغازِ حفظ درباره ترجمه، تفسیر اجمالی آیات و برخی از شأن نزول ها آگاهی به دست آورد.

پنجم این که نشانه ها و شماره های آیات دقیق باشد؛ دقیق بودن شماره آیات نیز بسیار مهم است.

به این نکته نیز باید توجه کرد که می شود در اوایل کار، که هنوز آیات زیادی حفظ نیستید، جزء یا حتی یک ورق را از قرآن مورد نظر جدا کنید و در جلدهای پلاستیکی قرار دهید تا حجم قرآن در جیب دچار مشکل نشود، یا خود قرآن پاره نگردد. استفاده از قرآن های سی جزء که به صورت مجزا چاپ شده است، این مشکل را برطرف می سازد.

برای حفظ قرآن، بهترین رسم الخط، قرآن با خط عثمان طه است که در تمامی مسابقات و محافل و مجالس قرآنی از آن استفاده می شود و در قطع های مختلف و در همه جا موجود است و شماره آیات نیز در آن بسیار منظم و دقیق می باشد.

ص:90

ج) انتخاب یک هم بحث مناسب

تجربه نشان داده است، کسانی که مسیر حفظ قرآن را به تنهایی و بدون همراه طی می کنند، در ادامه، دچار سستی و ضعف می شوند و احتمال موفقیتشان بسیار کم است؛ اما کسانی که برنامه حفظ قرآن را با یک دوست و همراه دنبال می کنند، احتمال موفقیتشان دوچندان خواهد بود. داشتن یک همراه و هم بحث کوشا، جدی، منظم و علاقه مند، زمینه برنامه منظم و مستمر حفظ قرآن را فراهم می آورد.

د) انتخاب جلسه و استاد حفظ

از رموز موفقیت در حفظ قرآن، خواندن مستمر محفوظات در حضور جمع و در جلسات اختصاصی حفظ قرآن است. حافظان قرآن با حضور منظم و مستمر در این جلسات، علاوه بر آن که فضای مناسبی برای خواندن محفوظات و محک زدن خود می یابند، از نظرات و تجربیات استادان این فن نیز بهرمند خواهند شد.

4. مقدمات آدابی و معنوی

الف) دعا و توسل

در راه کسب عنایات ربوبی، دعا بسیار مؤثر است. قرآن کریم می فرماید: (قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ) . (1) حفظ کتاب خداوند، توفیقی است که جز به یاری آن حضرت، نصیب انسان نمی شود. بنابراین کسی که می خواهد قرآن را حفظ کند، باید در این راه از خداوند یاری بجوید. بدین سبب، نماز، دعا و توسل را از ضرورت های مسیر حفظ شمرده اند. پس شایسته است، حافظ قرآن هر روز قبل از شروع حفظ قرآن، دعاهای مربوطه را بخواند، که در این زمینه بابی در جلد

1- (1) . فرقان، آیه77.

چهارم اصول کافی به نام «باب الدعاء فی حفظ القرآن» وجود دارد. همچنین در این باره نمازهایی نیز سفارش شده است.

در این باره ابن عباس از امیرالمؤمنین(علیه السلام) از پیامبر بزرگوار اسلام(صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که فرمود:

ای علی ! آیا می خواهی کلماتی را به تو یاد بدهم که خداوند به واسطه آن کلمات، به تو نفع بدهد و به هرکس که آن را می آموزی نیز سود می بخشد...؟

گفتم: بلی یا رسول الله - صلّی الله علیه و آله - فرمود: اگر توانستی در ثلثِ سوم شب جمعه برخیز و اگر نتوانستی قبل از آن، چهار رکعت نماز بگزار که در رکعت اول بعد از حمد، سوره یس و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره سجده و در رکعت سوم بعد از حمد، سوره دخان و در رکعت چهارم، حمد و سوره ملک را می خوانی (و هر دو رکعت، تشهد و سلام می گویی). بعد از پایان نماز ابتدا حمد و ثنای خداوند می گویی (ذکر الحمدلله و سبحان الله)، سپس بر پیامبر و آل او درود می فرستی و برای مؤمنان از خداوند طلب آمرزش و غفران می کنی، آنگاه این دعا را می خوانی:

اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابداً ما أبقیتنی و ارحمنی من ان اتکلّف ما لا یعنینی و ارزقنی حسن الظّنّ فیما یرضیک عنّی. اللهم بدیع السّموات و الأرض ذالجلال و الأکرام و الغرّه الّتی لاترام، اسألک یا الله یا رحمان بجلالک و نور وجهک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علّمتنی و ارزقنی ان اتلوه علی النّحو الّذی یرضیک عنّی ان تنوّر بکتابک بصری و تطلق به لسانی و ان تفرّج به عن قلبی و تشرح به صدری و تستعمل به بدنی و تقوّینی علی ذالک و تعیننی علیه فانه لا یعیننی علی الخیر غیرک و لا یوفّق له الّا انت.

مرحوم طبرسی در مکارم الاخلاق با اندکی تفاوت همین نماز را نقل کرده است. وی در این کتاب، به دو نوع نماز اشاره کرده: یکی نماز تقویت هوش و حافظه و دیگری، نماز حفظ قرآن. درباره نماز حفظ قرآن می گوید: شب یا روز جمعه، چهار رکعت نماز می گزاری؛ در رکعت اول سوره حمد و یس، در رکعت

دوم حمد و حم دخان، در رکعت سوم حمد و حم سجده و در رکعت چهارم حمد و تبارک الملک. بعد از پایان نماز، نخست خداوند را ستایش می کنی. سپس بر پیامبر و خاندانش درود می فرستی و برای مؤمنان صد بار آمرزش می طلبی. آنگاه می گویی:

اللّهمَّ ازْجُرْنی بِتَرْکِ مَعاصیکَ ابَداً ما ابْقَیْتَنی وَارْحَمْنی مِنْ انْ تَکَلَّفَ طَلَبَ مالایَعنینی وَارْزُقْنی حُسْنَ النَّظَرِ فیما یُرضیکَ عَنّی اللّهُمَّ بَدیعُ السَّمواتِ وَ الاَرْضِ ذَاالجلالِ وَ الاِکْرامِ وَ العِزَّهِ اللّتی لاتَرامُ. یا اللّهُ، یا رَحْمنُ، اسْألُکَ بِجَلالِکَ وَ بِنوُرِ وَجهِکَ انْ تُلْزِمَ قَلْبی حِفظَ کِتابِکَ القُرآنِ المُنزَلِ عَلی رَسُولِکَ وَ تَرْزُقَنی اِنْ اتْلُوَهُ عَلَی النَّحْوِ الّذی یُرضیکَ عَنّی. اللّهُمَّ بَدیعُ السَّمواتِ وَ الاَرضِ، ذاالْجَلالِ وَ الاِکْرامِ وَ العِزِّ الذَّی لایَرامُ. یا اللهُ، یا رَحمنُ، اسْأَلُکَ بِجَلالِکَ وَ بِنوُرِ وَجْهِکَ انْ تَنَّوَرَ بِکِتابِکَ بَصَری وَ تَطْلُقَ بِهِ لِسانی وَ تَفَّرَجَ بِهِ قَلْبی وَ تَشْرَحَ بِهِ صَدری وَ تَسْتَعمَلَ بِهِ بَدَنی وَ تُقَوِّیَنی عَلی ذلِکَ وَ تُعینُنی عَلَیْه؛ فَاِنَّهُ لایُعینَ عَلیَ الخَیْرِ غَیْرُکَ وَلایُوَفَّقُ لَهُ الّا انْت. لا حَوْلَ وَ لا قُوَّهَ الّا بِاللهِ الْعَلّی العَظیمِ .

ازآنجاکه حفظ قرآن، از نعم بزرگ الهی است و کسی که توفیق این کار را بیابد، زمینه جذب برکات زیادی ازسوی خدای متعال خواهد بود، جا دارد که از خدای متعال و حضرات ائمه اطهار(علیهم السلام) مدد جوید و آن را از خواسته های مهم و درواقع، درخور در نظر داشته باشد.

در اینجا برای درک این توفیق، علاوه بر نکاتی که ذکر شد، یا ذکر خواهد گردید، بجاست که در آغاز و پایان هر کار قرآنی از خداوند، توفیق تداوم آن را داشته باشیم.

گمان نکنیم که این راه به طور طبیعی آغاز شده است و پایان هم خواهد یافت؛ بلکه باید گفت، لطف ویژه خداوند است که آن هم در صورتی تداوم خواهد یافت که ابعاد معنوی انسان نیز تداوم یابد، بلکه تقویت گردد.

تذکر: برای تأمین این امر، خوب است که کارهای قرآنی خود را به روح مطهر حضرات انبیا و ائمه(علیهم السلام) مادران ائمه(علیهم السلام) شهدا، اولیای الهی و روح مؤمنان هدیه کنید. یقین داشته باشید از ثواب شما کم نخواهد شد، بلکه بر توفیق و پیشرفت شما نیز افزوده خواهد شد.

ب) پاکیزگی و دوری از گناه

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: «مسیر ورود قرآن را پاکیزه و معطر کنید»؛ اگرچه در بدو امر، این روایت پاکی ظاهری، آن هم دهان را مطرح می کند، از روایات دیگر به خوبی استفاده می شود که پاکی تمامی اعضا مادی از قبیل گوش، چشم، زبان، دست و... را شامل خواهد شد؛ حتی اگر خواستار بهره گیری معنوی بیشتر باشیم، باید از ناپاک کردن همه اعضا به ویژه سیستم های یادشده، بپرهیزیم و نگذاریم و به گناه و حرام آلوده شوند. در اینجا این نکته درخور ذکر است که اگر انسان بخواهد، به پرتگاه گناه و حرام کشانده نشود، باید از شبهات و انجام مکروهات در حد توان بپرهیزد. حافظ قرآن برای کسب توفیق حفظ باید تصمیم بگیرد که گناه و نافرمانی خداوند را از خود دور کند.

ج) پاکی و طهارت ظاهری

علاوه بر پاکی درونی، که اهمیت اساسی برای حافظ قرآن دارد، پاکی و طهارت ظاهری نیز از آداب و مقدمات معنوی حفظ قرآن می باشد. اگرچه وضو برای بسیاری از کارها خوب است و ثواب بیشتری را برای آن عمل به وجود می آورد، برای خواندن قرآن و کارهای قرآنی، لازم است. آری هنگامی که انسان قرآن را از حفظ می خواند، مرور می کند یا از رو می خواند، ولی دست خود را به کلمات قرآن نمی زند، واجب نیست وضو داشته باشد؛ اما در تمامی این مراحل،

خوب است که خود را ملتزم نماید که باوضو باشد؛ زیرا وضو به انسان نورانیّت و معنویت می بخشد. قرآن، نور است و وضو نیز نور است و این دو نور باهم تجانس بسیار دارند. حتی امام صادق(علیه السلام) فرمود: «وضوی روی وضو، نور بالای نور است». پس در رعایت آن هنگام قرائت و حفظ قرآن از اهمیت ویژه ای برخوردار و خود از عوامل تمرکز حواس است که باطن انسان را نورانی، و دل و جان را آماده پذیرش نور قرآن می کند.

همچنین اگر فضایی را برای کارهای قرآن برمی گزینید، خوب است که پاک باشد. چه ازنظر نجس و پاکی و چه ازنظر معنوی، بهتر است طهارت فضا و مکان نیز لحاظ شود.

برای این امر، خوب است که مساجد، حسینیه ها، آرامگاه امامزادگان و شهدا و حتی قبور مؤمنین را برای حفظکردن برگزینید؛ زیرا چون محل تردد ملائکه و رحمت الهی است.

د) طلب یاری از قرآن برای نجات از شیطان

قرآن می فرماید: «وقتی می خواهید قرآن بخوانید از (حیله ها و مکرهای) شیطانِ رانده شده از درگاه الهی، به خدای متعال پناه ببرید».

روایات فراوانی هم درباره علت و آثار این امر از حضرات معصومان(علیهم السلام) رسیده است. آنچه مهم است، زمینه هایی را که موجب جلب نظر شیطان می شود، باید از بین برد و عوامل لازم را باید پدید آورد، تا الطاف الهی را برای خود جذب کرد. آنگاه است که انسان می تواند، از معنویت و نورانیت قرآن جان خود را سیراب سازد و از خواندن قرآن بهره های همه جانبه علمی، معنوی و دنیوی و اخروی ببرد.

ه-) رو به قبله بودن

سعی شود هنگام خواندن قرآن، دوزانو باشیم. در روایات، تأکید فراوان شده است که روبه قبله بخوابید، روبه قبله بنشینید، روبه قبله غذا بخورید، روبه قبله دعا بخوانید و روبه قبله قرآن تلاوت کنید. این روبه قبله بودن، ایجاد ارتباط قوی تر با قرآن و کعبه است و خود این گرایش ظاهری، زمینه ساز پذیرش انوار الهی از طریق قرآن و کعبه می شود.

و) خواندن قرآن به صورت ترتیل

خداوند در قرآن می فرماید که قرآن را به صورت ترتیل بخوانید و در روایات، ترتیل را معنا کرده اند؛ چنان که از امام رضا(علیه السلام) نقل شده است:

1. کلمات را صحیح ادا کنید؛

2. وقتی به آیات علمی رسیدید، دقت کنید؛

3. در آیات عذاب، قلوب خود را متذکر شوید؛

4. همّت انسان برای پایان دادن آیات نباشد؛

5. هنگام خواندن آیات رحمت، به خداوند امیدوار باشید و هنگام قرائت آیات عذاب، خاشع باشید.

از امام علی(علیه السلام) سؤال شد، ترتیل چیست؟ حضرت فرمود: «ترتیل، ادای (صحیح) حروف و رعایت موارد وقف است».

خداوند می فرماید که ای پیامبر، برای این که قرآن در قلبت تثبیت گردد، آن را به صورت ترتیل فرستادیم. در جای دیگر می فرماید که ای پیامبر، قرآن را به صورت ترتیل بخوان.

ز) اندیشیدن و تفکر

قرآن می فرماید: «چرا در قرآن (هنگام خواندن) اندیشه نمی کنید، شاید در

دلتان قفلی وجود دارد»؟! ازآنجاکه در آیات کریمه، دریای عمیق و اقیانوس موّاج معنویات و برکات است و درک آنها هم، برای همه کس ممکن نیست مگر با تدبّرکردن، شایسته است حافظ قرآن، تدبر بیشتری کند. چنان که امام علی(علیه السلام) فرمود: «بهره ای در قرائت قرآن نیست، مگر این که در ابعاد آن تفکر شود».

اصولاً تفکرکردن در همه امور زندگی از اصول پیشرفت انسان می باشد، ولی تفکر و اندیشیدن در امور معنوی و الهی از سازندگی خاصی برخوردار است و برای تأکید این امر، خداوند متعال در قرآن کریم صدها بار توصیه به اندیشه فرموده و با واژه هایی چون: تفکر، تدبر، تعقل و... این امر مطرح کرده است.

حافظ، قبل از حفظ قرآن باید به برکاتی که می تواند از قرآن به دست آورد، فکر کند و کسب آن برکات، در پرتو اندیشیدن به قرآن و معارف و احکام آن است.

ح) خشوع در قرآن

قرآن می فرماید: «آیا زمان آن نرسیده، که هنگام یاد خدا در قلوبشان، خشوع به وجود آید». قرآن را باید با احترام خواند؛ البته در همه ابعادش، ازنظر نشستن، خواندن، گرفتن قرآن، ادای کلمات و... .

ازآنجاکه حافظ، توفیق حفظ قرآن را یافته است، باید با تمام وجود به اجزای کوچک و بزرگ قرآن احترام بگذارد، تا خداوند هم به او لطف کند؛ زیرا او برای کتاب الهی، احترام قائل شده است.

در قرآن توصیه شده است، در راه رفتن، حرف زدن، خوردن، نشستن، معاشرت و... غرور نداشته باشید؛ ولی در کارهای قرآنی باید نهایت تواضع را به خرج داد. حافظ نباید تصور کند که این لیاقت اوست که حافظِ تمام یا قسمتی از قرآن شده، بلکه باید بداند این لطف ویژه خداست.

هرلحظه ممکن است، این لطف سلب شود. برای حفظ این نعمت الهی باید از آفت کبر، بی توجهی به خدا و عادی شدن در قبال کارش بپرهیزد، تا نعمت، افزایش و تداوم یابد.

ط) دعای ختم قرآن

خوب است در پایان هر کار قرآنی و ازآن میان قرائتی که حافظ هر روز برای حفظ قرآن انجام می دهد، دعای ختم نیز قرائت گردد؛ زیرا امام علی(علیه السلام) توصیه فرموده اند:

اللّهم اشْرَحْ بالْقرآنِ صَدْری و اسْتَعْمَلْ بِالقُرآنِ بَدَنی وَ نَوِّرَ بِالقُرْآنِ بَصَری وَ اطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسانی وَ اعِنّی عَلَیْهِ ما ابْقَیْتَنی فَاِنَّهُ لا حَوْلَ و لا قُوَهَ الّا بِکَ .

خدایا در پرتو قرآن، سینه ام را گشاده گردان (حوصله بده)، اعضای بدنم را با عمل به آن نورانی نما، دیدگانم را به خاطر قرآن نورانی کن، زبانم را گویا گردان و در راه رسیدن به یقین در پرتو قرآن یاری ام نما؛ زیرا قدرت و توان به جز از مسیر تو ممکن نباشد.

گفتار چهارم: تمرکز در حفظ قرآن

اشاره

تمرکز در معنای عرفی، همان حواس جمع بودن و جلوگیری از پراکندگی حواس می باشد. تمرکز، شاه کلید حفظ قرآن است و بدون آن حفظ و هر کار دیگر ذهنی، نتیجه مطلوب ندارد. اگر کسی با قلب و ذهنی متوجه حفظ آیات قرآن و فارغ از همه جا، یک ساعت بکوشد، به مراتب موفق تر از کسی خواهد بود که ساعت ها وقت صرف کند، درحالی که پریشانی افکار و اشتغالات او را در عوامل دیگری سیر می دهد. تمرکز حواس، یعنی جلوگیری از نفوذ افکار خارجی و ثابت نگه داشتن دقت و توجه روی موضوع خاص، و طبیعی است که اگر افکار دیگری وارد ذهن شود، موضوع مورد نظر از ذهن خارج می شود و این کار (تمرکز) در ابتدا قدری مشکل است و نیاز به تمرین و ممارست دارد. چنان که

حضور قلب و تمرکز حواس در نماز نیز دشوار است؛ به طوری که انسان در ابتدا هنگام نماز بیش از چند لحظه نمی تواند حضور قلب خود داشته باشد و از ورود فکرهای گوناگون به ذهن خود جلوگیری کند.

تمرکز از حالت های ذهن است و ذهن، ابزاری در دست شماست و می توانید به هرنحو که بخواهید از آن استفاده کنید. «اختیار ذهن در دست شماست». انسانی که کنترل ذهنش را به دست بگیرد، می تواند در هر زمینه ای به کامیابی برسد. ذهن متمرکز در هر فعالیتی که به کار گرفته شود، خواهد درخشید. دانشجو یا دانش آموز با ذهن کنترل شده و متمرکز، دانشجو یا دانش آموز ممتازی خواهد بود. چنین فردی در هر کاری موفق و پیروز می شود. حافظه خوب در زندگی روزمره از عوامل قطعی موفقیت و پیشرفت است؛ اما تمرکز و حافظه قوی برای اقشار خاص مثل دانشجویان و دانش آموزان، معلمان، محققان و استادان و همه کسانی که در راه کسب علم و دانش گام برمی دارند، اهمیت بسیار بیشتری می یابد. تمرکز خوب، برگ برنده دانشجویان و دانش آموزان در زمان تحصیل است، همچنان که از ویژگی های مردان بزرگ در کنار اراده قوی و پشتکار، حافظه خوب و تمرکز بالای آنان است.

به حافظه خود اعتماد کنید، آن را تربیت کنید و به کار بگیرید. مغز انسان، ارگانی بزرگ در فضایی کوچک است. مغز یک انسان، بالغ بر صد میلیون سلول عصبی دارد؛ یعنی انسان می تواند صد بیلیون پاره اطلاعات مختلف را به مغز بسپارد! ریچارد رستاک، متخصص اعصاب، می گوید: برای نوشتن عددی که بیانگر توانایی مغز در به خاطرسپاری است، باید برای مدت نود سال، هرثانیه یک صفر مقابل عدد ده قرار دهید!

آری مغز انسان، چنین توانایی بزرگ و شگرفی دارد. یک عامل مهم در استفاده از این توانایی، تمرکز ذهن یا حضور قلب است. بااین حال آیا رسیدن به تمرکز و

حافظه خوب، ارزش صرف وقت و انرژی را دارد یا خیر؟! ازاین رو مناسب است، عوامل ایجاد و تقویت تمرکز و عوامل برهم زننده تمرکز را بشناسیم.

عوامل تمرکز

اشاره

هنگام به خاطرسپردن قرآن، تمرکز فکر بسیار ضرورت دارد. ازاین رو باید عوامل تمرکز فکر را شناخت و برای به دست آوردن آنها کوشش کرد و عوامل نداشتن تمرکز فکر را شناخت و در رفع آنها کوشید. این عوامل، در اشخاص مختلف متفاوت است و می توان آنها را به دو نوع تقسیم کرد:

الف) عوامل درونی ب) عوامل بیرونی.

عوامل «درونی»، به معنای اسبابی است که در درون انسان جای دارد؛ مانند اندوه، اضطراب و نگرانی. کسی که به این عوامل دچار شود؛ باید حفظ قرآن را کنار نهد و نخست در نابودی این عوامل بکوشد. مراد از عوامل «بیرونی»، عوامل محیطی است؛ مانند سروصدا و صحنه های مشغول کننده. این امور از بازدهی حفظ می کاهد و چه بسا موجب دل سردی و نومیدی حافظ قرآن می شود.

الف) عوامل بیرونی تمرکز

مقصود از عوامل بیرونی تمرکز، عوامل پیرامونی، موقعیت و اوضاع خارج از وجود انسان است که در افکار و ذهن انسان اثرگذارند. این عوامل در حفظ قرآن شامل موارد زیر می باشند:

یکم) عامل زمان

ذهن انسان در تمامی لحظات و ساعات شبانه روز از توان و قدرت یکسانی بهرمند نیست. همه ما لحظات و ساعاتی را تجربه کرده ایم که ذهن ما توانسته

است به آسانی مطلبی را فراگیرد یا به خاطر بسپارد و در مقابل آن، زمان و لحظاتی را درک کرده ایم که هرچه کوشیده ایم که چیزی را فرا بگیریم، نتوانسته ایم یا به سختی و با کیفیت نامطلوبی آن کار را انجام داده ایم. این موضوع، نشان دهنده آن است که زمان مناسب، تأثیر بسیاری بر تمرکز و قدرت حافظه دارد. سؤالی که در اینجا مطرح می شود، آن است که زمان مناسب برای حفظ قرآن چه زمانی است؟ در این باره، مشهور آن است که بهترین زمان برای حفظ قرآن و هر فعالیت مؤثر ذهنی، سحرگاهان و صبح زود می باشد. گفته اند، چنان که نوجوانی و جوانی بهترین فصل حفظ مطالب است، هنگام صبح و نشاط اول روز برترین وقت حفظ به شمار می آید. در این زمان، مغز انسان آماده تر است و بدن و طبیعت هر دو از آرامش خاص برخوردارند. افزون بر این، در سحرگاه برکات فراوان نهفته است. به تجربه ثابت شده است، آنان که عادت به بیداری سحر و صبحگاهان دارند، افراد موفقی هستند. سحرخیز باش تا کامروا باشی!

علامه شوشتری در این باره چنین سروده است:

و البحث قد جرب فی ابکار عندهم و الحفظ فی الاسحار

یعنی:

صبح برای بحث کردن تجربه شده و سحر برای حفظکردن نزد اهل تجربه و نوشتن در وسط روز و شب، و روز و شب برای تکرار و مباحثه. همه اینها در حال گرسنگی باید نه سیری، تأثیر این حالات تجربه شده، تبعیت کن! برای خود محلی به دور از شلوغی برگزین، که در آن مشکلات و مسائل حل شود.

ص:101

برخی گزارش ها و نقل ها از کلام و سیره معصوم(علیهم السلام) نیز بر بهره گیری از سحرگاهان تأکید کرده است. وقتی امام محمد باقر(علیه السلام) به فرمان هشام بن عبدالملک از مدینه به شام سفر می کرد، گروهی از مسیحیان را دید که درون غاری می روند. حضرت پرسید: در چنین روزی عید گرفته اند؟ گفتند: خیر، به سوی یکی از دانشمندان خود می روند. آنها هرسال یک بار در چنین روزی او را از کوه خارج می کنند و آنچه می خواهند از وی می پرسند. امام فرمود: آیا دانشی دارد؟ گفتند: آری، از داناترین مردم است. آنگاه حضرت چهره خود را پوشاند و با یارانش همراه مسیحیان سمت آن دانشمند نابینا و کهن سال حرکت کرد. مرد کهن سال، به یاری حس نیرومندش، سمت امام اشاره کرد و گفت: مرد، از ما هستی یا از امت محمد؟ امام فرمود: از امت محمد(صلی الله علیه و آله). پیر پرسید: برای پرسیدن آمدی یا پرسیده شدن؟ امام فرمود: بپرس. مرد کهن سال بسیار پرسید و پاسخ شنید. آنگاه گفت: بنده خدا کدام ساعت، نه بخشی از شب و نه بخشی از روز است و اگر از هیچ یک نیست، چیست؟ امام باقر(علیه السلام) فرمود: فاصله طلوع فجر تا طلوع آفتاب، نه جزء شب است نه جزء روز. زمانی از زمان های بهشت است که در آن بیماران درمان می یابند و روزی بندگان خدا تقسیم می شود؛ و ساعت رحمت و خیروبرکت است. (1)

از این داستان درمی یابیم که این زمان، زمانی معنوی می باشد و شایسته است، حفظ قرآن در چنین وقتی انجام شود. درباره اهمیت عبادت قرائت قرآن و فعالیت های عبادی و معنوی در سحرگاهان، در قرآن مجید نیز اشاره شده است. خداوند می فرماید: (...إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ کانَ مَشْهُوداً) ؛ (2) نماز صبح مشاهده می شود.

1- (1) . بحارالانوار، ج46، ص313.
2- (2) . اسراء، آیه78.

مراد از «قرآن الفجر»، نماز صبح است. (1) براساس روایات شیعه و سنی، در میان نمازهای روزانه نماز صبح را فرشتگان شب وروز می بینند؛ زیرا در آغاز صبح، فرشتگان شب جای خود را به فرشتگان روز می سپارند و در این تعویض جایگاه، نماز مردمان را دیده، بر آن گواهی می دهند. (2)

سختی بیداری سحرگاهان نیز فقط چند روز اول است و بعد از چند روز لذت و شیرینی سحرخیزی احساس خواهد شد. برای سحرخیزی نکات زیر نیز مفید است:

1. تلاوت آیه آخر سوره کهف؛

2. خوردن غذای سبک در اوّل شب؛

3. خفتن در اوایل شب.

نکته دیگر این که روان شناسان معتقدند، بهتر است مطالب در ساعات ثابتی از شبانه روز حفظ شوند؛ زیرا اگر این کار هر روز در ساعت های مشخص و ثابت صورت گیرد، ذهن به ثبت و ضبطکردن در این ساعات به خصوص عادت می کند و در نتیجه، سریع تر و با زحمت کمتری می توان مطالب را حفظ کرد. البته هیچ گاه نباید پس از یک فعالیت سنگین ذهنی و فکری به حفظ قرآن پرداخت.

نکته دیگر، که برای حضور قلب در نماز نیز سفارش شده است و در اینجا نیز بسیار اهمیت دارد، این است که باید همیشه پیش از حفظکردن، دقایقی را به تخلیه ذهن و افکار و مسائل مختلف اختصاص داد و نباید بدون مقدمه مشغول حفظ قرآن شد (به ویژه برای کسانی که دغدغه و دل مشغولی های زیادی دارند).

1- (1) . مجمع البیان، ج6، ص283.
2- (2) . نور الثقلین، ج3، ص201.

نکته مهم دیگر، تقسیم اوقات حفظ در طول شبانه روز است. ازنظر علمی و تجربی نیز ثابت شده که اگر حفظ مطالب در فواصل زمانی مختلف صورت گیرد، نتایج بهتری خواهد داشت تا این که این کار متصل و یک باره انجام شود.

مطلب مهم آخر، این است که چنین نیست که در صورت نبودن برخی از شرایط، کار حفظ تعطیل شود. اصولاً محدودیت مطلق در زمان و مکان برای حفظ قرآن وجود ندارد؛ باوجوداین شرایط، پیشرفت انسان بیشتر و سرعت حفظ و سهولت آن افزایش خواهد یافت.

در یک جمع بندی می توان نکاتی را که درباره شرایط زمانی مناسب برای حفظ قرآن وجود دارد، به صورت زیر خلاصه کرد:

1. زمان حفظ باید زمان زنده و فعال باشد، نه زمان مرده و ازهمین رو زمان خستگی زیاد، تشنگی و گرسنگی، سیری مفرط، ترس و اضطراب و زمانی که قبل از آن فعالیت سنگین ذهنی انجام شده است، زمان مناسبی برای حفظ نیست. همچنین در زمان حفظ باید سکوت و آرامش حکم فرما باشد.

2. برخی زمان ها مانند سحرگاهان برای فعالیت های مؤثر ذهنی توصیه شده است؛ اما باید توجه داشت که افراد در این زمینه، اوضاع و احوال و عادات یکسانی ندارند. برای مثال، اگر کسی نمی تواند به خوابیدن سرشب و اول وقت عادت کند، طبیعتاً نمی تواند سحرگاه بانشاط به فعالیت ذهنی بپردازد. این چنین شخصی اگر نتواند سحر بانشاط از خواب برخیزد، نباید حفظ قرآن در سحرگاه را به خود تحمیل کند.

دوم) مکان حفظ

از عوامل مهم دیگری که در حفظ قرآن و به خاطرسپردن هر مطلب دیگری باید به آن توجه داشت و در تمرکز حواس تأثیر خاصی دارد، مکان حفظ است.

ص:104

مکان حفظ باید خلوت و بی سروصدا باشد. اگر حافظ قرآن در مکانی باشد که بین کار چند لحظه به رادیو گوش کند و یا با افرادی که وارد اتاق می شوند، صحبت کند و یا برای آشامیدن آب برخیزد و یا این که چند بار به تلفن جواب بدهد و یا متوجه مناظر مختلف کوچه، حیاط و یا حتی اتاق شود، دیگر تمرکز حواسی برای او باقی نمی ماند. بنابراین باید حتی الامکان این گونه عوامل را کاهش دهد تا بتواند به راحتی و سهولت آیات را به خاطر بسپارد.

همچنین با توجه به اهمیت نقش اکسیژن بر فعالیت های مغزی و فکری، حافظان باید از حفظکردن در مکان هایی با هوای آلوده یا دم کرده بپرهیزند و از هوای سالم و آزاد استفاده کنند.

اگر مکان حفظ پرسروصدا، بسیار سرد یا بسیار گرم و نامناسب باشد، انسان دچار تشتت فکر می شود. این نکته در «حفظ قرآن» از حساسیت ویژه برخوردار است؛ زیرا حفظ قرآن به تمرکز شدید فکر نیاز دارد. البته پس از به خاطرسپردن آیات، برای تکرار آن به این اندازه تمرکز نیاز نیست و می تواند در مکان های شلوغ نیز تحقق یابد. شرایط مکان مناسب شامل موارد ذیل است:

1. پرسروصدا نباشد. بنابراین در مکان های شلوغ مثل خیابان ها، استادیوم ها، سالن های اجتماع، مکان های پررفت وآمد مثل اتوبوس و اماکن عمومی و در منزل هنگام بازی و سروصدای زیاد بچه ها حفظکردن قرآن مناسب نیست.

2. در مقابل صدا یا تصویری که ممکن است انسان با شنیدن یا دیدن آن تحریک شود، نباشد. بنابراین حفظ قرآن جلوی تلویزیون، جلوی پنجره یا محل بازی که رفت وآمد افراد یا صحنه هایی که جلب توجه می کند، اتفاق می افتد و در مقابل تابلوهای خطی یا نقاشی و مواردی ازاین قبیل مناسب نیست.

3. بسیار سرد یا بسیار گرم نباشد؛ زیرا سرد یا گرم بودن غیرمتعارف مکان باعث می شود که بدن حالت طبیعی نداشته باشد و این امر بر فعالیت و تمرکز ذهنی نیز اثرگذار خواهد بود.

4. هوای مکان حفظ آلوده نباشد تا مشکل تنفسی ایجاد نشود.

5. ترجیحاً مکان حفظ، مکانی معنوی و فضایی مقدس باشد. این موضوع الزامی نیست؛ اما تجربه نشان داده است که نفْس حضور انسان در مکان و فضای معنوی، روحیه و توان دوچندانی به فعالیت های معنوی انسان می بخشد.

6. حتی الامکان مکان حفظ، ثابت باشد.

ب) عوامل درونی تمرکز

شخصی که می خواهد به فعالیت منسجم و عمیق ذهنی مثل حفظ قرآن بپردازد، باید ذهن و روح و روان خود را برای آن فعالیت آماده سازد و از عوامل مخرب و تضعیف کننده بپرهیزد. نگرانی ها، عصبانیت های بی مورد، افکار بیهوده و... از عواملی هستند که تمرکز ذهن را از بین می برند. نگرانی های ما بیشتر از ترس حوادثی می باشد که در آینده ممکن است روی دهد و مطابق میل ما نباشد. وقایعی که شاید اتفاق بیفتند! این ما هستیم که با رفتار و اندیشه های اکنون خود آینده را می سازیم. بنابراین دلیلی برای نگرانی وجود ندارد. بهتر است به جای نگران بودن، اکنون خود را دریابیم و با انتخاب اندیشه های صحیح و مناسب، در آینده شاهد نتایج مطلوب این اندیشه ها باشیم و اکنون خود را نیز خراب نکنیم. نگرانی و افکار بیهوده را از وجود خود دور کنید و در مقابل آنها وابستگی نشان ندهید و مقاومت نکنید. به یاد داشته باشیدکه نگرانی و اضطراب، خیلی زود انسان را ضعیف و آماده ابتلا به انوع بیماری های جسمی و ذهنی می کند و انسان را از فعالیت ذهنی مؤثر باز می دارد.

ص:106

موانع کنترل ذهن و تمرکز عبارت اند از:

1. افکار منفی و بیهوده؛
2. علایق شدید و دل بستگی ها و تعلقات؛
3. احساس پوچی و نداشتن باورهای مذهبی؛
4. خشم؛
5. کینه ها؛
6. نگرانی ها؛
7. حسادت؛
8. خودخواهی؛
9. نداشتن تعادل در زندگی؛
10. افراط در جدل و بحث های بیهوده.

صفات تقویت کننده تمرکز عبارت اند از:

1. ایمان به خداوند و کمک های او؛
2. اندیشه مثبت و امید؛
3. اعتمادبه نفس و اراده؛
4. قدردانستن فرصت ها و لحظات زندگی؛
5. صداقت؛
6. مهربانی و احترام؛
7. داشتن روحیه شکر و سپاسگزاری.

ایمان به خداوند: ایمان به خداوند و اعتقاد به درستی کار برای او آرامش خاصی به انسان می دهد و قدرت او را در انجام هر کاری دوچندان می کند.

ص:107

اندیشه مثبت: هیچ عمل و رفتاری بدون اندیشه از انسان صادر نمی شود و آن گونه که مولوی می گوید، انسان چیزی جز اندیشه نیست:

ای برادر تو همه اندیشه ای

اعتمادبه نفس و اراده: اراده، موتور محرک و نیروی برانگیزاننده انسان برای تلاش بیشتر، مطالعه و تحقیق است. تلاش و پشتکار برگ برنده جوانان موفق است، تا آنجا که نیوتن، دانشمند بزرگی که او را نابغه نوابغ خوانده اند، می گوید: یک درصد نبوغ، فکر و اندیشه ای است که به شما الهام می شود و 99 درصد باقی مانده، پشتکار و تلاش شماست. اراده، پیش نیاز هر نوع موفقیت، از جمله در امر تحصیل و پژوهش می باشد. جوانان عزیز با تقویت اعتمادبه نفس و اراده خود می توانند به همه موفقیت های مورد نظر در تحصیل علم و دیگر عرصه های زندگی دست یابند. توصیه می شود، همواره در راه تقویت نیروی اراده خود کوشا باشید.

قدر دانستن فرصت ها و لحظات زندگی: می دانید که تمام توان و قدرت ما مربوط به حال است و ما در این لحظه می توانیم آن گونه که شایسته و مناسب است رفتار کنیم؛ زیرا گذشته که گذشته است و آینده هم هنوز از راه نرسیده. در فرهنگ و ادبیات ما اهمیت این موضوع به کرات بیان گردیده است:

امیرالمؤمنین در سخن گهربار خود می فرمایند:

«اضاعه الفرصه غصه»؛ ازدست دادن فرصت حال، باعث غم و اندوه می شود. همچنین در ابیات سعدی شیرین سخن آمده است:

سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست در میان آن و این، فرصت شمار امروز را

انسانی که می خواهد در راه موفقیت، تمرکز و کنترل ذهن گام نهد، باید ذهن خود را از گذشته خالی کند و به آینده امیدوار باشد. اگر ما از لحظه حال، درست و صحیح استفاده کنیم، آینده بر وفق مرادمان خواهد بود.

صداقت: باید با خدا، خود و دیگران صادقانه رفتار کرد. اولین کسی که از انجام دادن کار درست و صادقانه سود می برد، خود شما هستید. کار را صادقانه انجام دادن، باعث رضایت شما می شود، شما را از خودتان خشنود می کند، از ایجاد خشم از خود، زندگی و دیگران جلوگیری می کند و شما را به آینده امیدوار و مطمئن می سازد. یادتان باشد که زندگی درست و صادقانه، همیشه ساده ترین راه است. صداقت شما علاوه بر افزایش توانایی های شما و تقدیم احساس رضایت به شما، از شما به دیگران هم نفوذ می کند. با این کار، صداقت و درستی پراکنده می شود و از دیگران نیز به شما می رسد و این به نوبه خود کار شما را آسان تر می کند.

مهربانی و احترام: مهربانی با یکدیگر، احترام گذاشتن به دیگران و همه موجودات دیگر نشانه عشق و احترام به خودمان است، نشانه وجودی سرشار از محبت و عشق می باشد و این حالت، به ذهن آرامش عجیبی می دهد. در فرهنگ ما مهربانی و سپاسگزاری از دیگران، سپاسگزاری از خداوند قلمداد شده است. مهربانی با دیگران تأثیر خوب و مثبت بر خودمان دارد و ما را لبریز از عشق و نشاط می کند. دیگران نیز با ما مهربان تر می شوند و این عشق روزافزون می گردد و همه جوانب زندگی ما را در احساس زیبای عشق و محبت فرو می برد و راه موفقیت را برای ما کوتاه تر و هموارتر می سازد. پس بیایید با خود، دیگران و همه موجودات مهربان باشیم و با عشق و احترام رفتار کنیم.

ص:109

سپاس گزاری: اگر با دقت به درون و برون خود نظر بیندازید، نعمت ها و توانایی ها و استعدادهای فراوانی را خواهید دید، که باید برای آنها سپاس گزار باشید. در مرحله اول از خدای خود سپاس گزار باشیم که این استعداد و توانایی ها را به ما داده است و در مرحله بعد از خودمان قدردانی کنیم که این توانایی ها را از حالت بالقوه به بالفعل درآورده ایم و توانسته ایم از توانایی ها و استعدادهای نهفته وجود خود، برای رشد و بالندگی استفاده کنیم. «ابر و باد و مه و خورشید فلک» یعنی همه کائنات در کارند تا زندگی ما در این زمان جریان داشته باشد. ازطرفی امروزه علم ثابت کرده است که همه چیز حتی ماده به ظاهر بی جان نیز شعور و ادراک دارد؛ بنابراین شایسته است از همه اشیاء و ابزار سپاس گزار باشید. با این کار، شاهد همکاری بیشتر کائنات در راه کسب موفقیت ها خواهیم بود و زندگی ما سرشار از نعمت، موفقیت و کامیابی خواهد شد. مشکلات، تجربه های سازنده زندگی ما می باشند. باید برای این تجربیات هم سپاسگزار باشیم. سپاس گزاری، عشق را در وجود ما به حرکت درمی آورد و جان ما را لبریز از شهد شیرین عشق و محبت می کند.

ص:110

پرسش های پایان فصل

1. بهترین سن و زمان برای حفظ قرآن کدام است؟
2. حفظ قرآن به چند شکل ممکن است؟
3. مقدمات روحی - روانی حفظ قرآن چیست؟
4. مقدمات علمی حفظ قرآن را بیان کنید؟
5. سرعت حفظ به چه عواملی بستگی دارد؟
6. مصحف مناسب برای حفظ قرآن چه ویژگی هایی دارد؟
7. مقدمات معنوی و آدابی حفظ را بیان کنید؟
8. تمرکز در حفظ چه نقشی دارد و عوامل آن کدام است؟
9. ویژگی زمان و مکان مناسب حفظ را بیان کنید؟

ص:111

3- روش های حفظ قرآن و نگهداری آن

اشاره

بعد از این که بحث از مقدمات و لوازم پیش نیاز حفظ، (یعنی اموری که راه را برای به خاطرسپاری هموار می سازد و در انسان آمادگی لازم را می آفریند) اجمالاً گذشت، جا دارد که کارآمدترین روش های حفظ نیز بیان شود.

هر شخصی با توجه به ظرفیت ویژه و فرصت و زمانی که در اختیار دارد، باید راهی مناسب را در پیش بگیرد؛ ولی شاید خطا هم نباشد اگر بگوییم که همه راه ها درواقع، به طرق خاصی منتهی می گردد، که فقط در جزئیات با یکدیگر متفاوت اند. آنچه همگان بر آن اتفاق دارند، سه اصل اصلی است:

1. تکرار؛ 2. تمرکز؛ 3. دقت.

حفظ قرآن، چیزی جز تکرار نیست و کسانی که یک متن خاص را بارها تکرار می کنند، سرانجام آن را به خاطر می سپارند و اگر تکرار توأم با تمرکز و دقت نیز باشد، نتیجه مضاعف خواهد بود. دقت و تمرکز در امر حفظ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. همان گونه که می بینیم اگر از کسی پرسیده شود که پیراهن شما چند دکمه دارد، با این که روزانه چندین بار آن را می پوشد و از تن درمی آورد، نمی تواند پاسخ آن را بگوید؛ به این دلیل که هنگام باز و بسته کردن

دکمه ها دقت لازم را نداشته است. در حفظ قرآن نیز دقت در کنار تمرکز و تکرار بسیار لازم و ضروری است.

نکات آغازین

اشاره

1. حفظ قرآن کریم باید به ترتیب سوره ها یعنی از سوره حمد و بقره تا آخر صورت بگیرد؛ ولی ازآنجاکه جزء اول قرآن از جزء دوم برای حفظکردن مشکل تر است و جزء دوم نیز از جزء سوم دشوارتر و... و این که پنج جزء اول مشکل ترین قسمت قرآن برای حفظکردن است و به عقیده برخی صاحب نظران، هرکس پنج جزء اول قرآن را حفظ کند، باید به حفظ کل قرآن امیدوار گردد، شایسته است برای جلوگیری از دل سردی، حفظ قرآن را از آسان ترین مکان آغاز کرد. بنابراین برای ابتدای کار، می توان سوره های کوتاه را برگزید؛ زیرا با توجه به آشنایی زیادی که همگان با این سوره ها دارند، آیات آنها به آسانی به خاطر سپرده می شود و ازطرفی می توان این سوره ها را در نمازهای واجب و مستحب خواند و لذت حفظ قرآن را بدین طریق احساس کرد. ازاین رو توصیه می شود که حافظان عزیز قرآن در ابتدا سه الی پنج جزء آخر قرآن را حفظ کنند و پس از آن به حفظ از ابتدای قرآن بپردازند و باید توجه داشت که پراکنده حفظکردن مطلوب نیست، بلکه این مقدمه ای برای حفظ منظم و حساب شده از ابتدای قرآن است؛ زیرا برنامه ریزی منظم و دقیق زمانی تحقق خواهد یافت که از اول قرآن آغاز شود و به انتهای آن بینجامد.

2. برای حفظکردن یک سوره طولانی، خوب است که آن سوره به چند دسته از آیات (براساس موضوع یا آهنگ آیات) تقسیم شود و هردسته را جداگانه به خاطر بسپرد و به دسته های قبلی متصل کند. البته نیازی نیست که حتماً حافظ

ص:114

قرآن یک دسته را در یک جلسه حفظ کند، بلکه مهم آن است که آیات مورد نظر را در یک دسته و مجموعه در ذهن جای دهد. با این کار، حجم سوره کمتر به نظر می رسد و حافظ تسلط بیشتری بر آن سوره خواهد داشت. مثلاً برای حفظ سوره نباء می توان آن را به سه گروه از آیات تقسیم کرد: یک دسته از آیه اول تا آیه شانزدهم که غالباً بیان پدیده های طبیعی است. دسته دوم، آیات هفدهم تا سی ام که در وصف قیامت است و بقیه آیات در دسته سوم جای گیرد.

گفتار اول: روش های کلی حفظ قرآن

1. حفظ قرآن با شنیدن نوارهای ترتیل

حافظان باتجربه بر این باورند که گوش سپردن به نوارهای قرآنی برای حفظکردن، روشی نامناسب است؛ زیرا در این شیوه، حافظ به جای تکرار پیوسته آیات به شنیدن بسنده می کند و حافظه را با تکرار کلمات ورزیده نمی سازد. اگر حافظه پیوسته به کار گرفته نشود، رفته رفته سلول های مغز حالت اثرپذیری و ثمردهی را از دست می دهد و دیگر در برابر محرک ها به اندازه کافی حساسیت ندارد تا داده ها را بی درنگ بایگانی و حفظ کند. رمز اصلی حفظ قرآن، تکرار الفاظ است نه شنیدن. به طور کلی، آفات گوش سپردن به نوار عبارت است از:

1. تنبلی حافظه؛ 2. دیر به مطلوب رسیدن؛ 3. سستی و مستحکم نبودن محفوظات.

البته گوش دادن به نوارهای قرآنی، برای فراگیری احکام تجوید و بالابردن سطح آن، سودمند و در مواردی ضروری است.

این که گفته می شود، استفاده از نوارهای ترتیل برای حفظ مناسب نیست، درباره کسانی است که استفاده از روش های دیگر برایشان ممکن باشد؛ اما گروه هایی که امکان استفاده از روش های دیگر را ندارند مانند کودکان، نابینایان و

افراد بی سواد، استماع نوار تنها راه حفظکردن است.

همان طور که اشاره شد، استفاده از نوار برای اصل حفظ توصیه نمی شود؛ اما حافظ قرآن باید بداند استماع نوار در مراحل بعدی فواید بسیاری دارد، تا جایی که از عوامل مؤثر در تقویت حفظ قرآن و ارتقا کیفیت آن، بهره گیری از نوارهای ترتیل قرآن است. موارد استفاده نوارهای ترتیل برای حافظان موارد ذیل می باشد:

1. حافظ می تواند با نوار از به خاطرسپردن کلمات و آیات به صورت غلط و اشتباه جلوگیری کند. بارها برای رهروان حفظ قرآن پیش آمده است که کلماتی را به غلط حفظ می کنند و خود نیز از نادرستی آن آگاه نمی شوند. استفاده از نوار می تواند در این باره کمک خوبی به انسان بکند.

2. همچنین با آن می توان محفوظات گذشته را مرور کرد.

3. از دیگر آثار و فواید استماع نوار ترتیل، آشنایی با نغمه های زیبا و دل نشین قرآنی است که در این صورت، حافظ نه تنها تأثیرات عمیق تری بر اجتماع خواهد گذارد، بلکه خود نیز بهره های فردی بیشتری خواهد برد و استادان باتجربه نیز استفاده دقیق و عمیق از نوارهای قرائت و ترتیل را در این زمینه موکداً توصیه می کنند.

4. کسب مهارت و توانایی بیشتر حافظ در اجرا و تطبیق قواعد تجوید.

5. حافظ قرآن می تواند جایگاه های مناسب وقف و ابتدا را به ویژه در آیات طولانی، با استفاده از تجربه اساتید مرتل بازیابد.

2. حفظ قرآن به وسیله کتابت

از شیوه های مرسوم برای حفظ متون، نوشتن آنهاست. درباره حفظ قرآن نیز می توان از این شیوه استفاده کرد. در برخی کشورهای عربی و آفریقایی نیز از این شیوه استفاده می شود.

ص:116

برای حفظکردن قرآن، حداقل سه بار از روی آیاتی که قصد حفظ آنها را دارید، به صورت درشت و با اعراب و حرکات کامل بنویسید. با این کار از سه حس استفاده می کنید و در نتیجه، به یادگیری شما کمک زیادی خواهد کرد. در این روش، هم از نوشتن، هم از دیدن و هم از خواندن کلمات استفاده می شود. با این روش، کلمات در ذهن بهتر مستقر می گردد و در روایات نیز آمده است که

«اُكْتُبُوا فَاِنَّكُمْ لا تَحْفَظُونَ حَتّى تَكْتُبُوا»؛ بنویسید، زیرا شما تا ننویسید مطلبی را حفظ نمی کنید.

3. حفظ قرآن با روش تکرار آیات توسط شخص

رایج ترین و متداول ترین روش حفظ قرآن، روشی است که حافظ در آن، خود به تکرار و تمرینِ شخصی آیات می پردازد و نوشتن یا استماع ترتیل و نوار را روش اصلی خود برنمی گزیند. این روش، مراحلی به شرح زیر دارد.

گفتار دوم: مراحل حفظ آیات جدید

1. خواندن آیات از روی مصحف

ابتدا باید آیات مشخص شده را که دسته بندی شده اند، چندین بار با دقت تمام و با تأنی ازروی قرآن و به صورت ترتیل تلاوت کنیم. به ویژه کسانی که قادر به تلاوت قرآن با رعایت تجوید و لحن زیبا هستند، می توانند آیات را با حالتی آهنگین و با دقت و تمرکز و تعمق بر روی کلمات و حرکات تلاوت نمایند؛ زیرا این عمل علاوه بر این که مانع از اشتباه حفظکردن کلمات و حرکات می گردد، باعث آشنایی کلی با آیات مورد نظر نیز می شود که خود عامل مهمی در راحتی و سهولت حفظ است. این مرحله را چندین بار تکرار می کنیم تا تصویر اولیه آیات در ذهن نقش ببندد.

2. درک مفهوم آیات

مراجعه به ترجمه و در صورت امکان، تفسیر آیات مورد نظر برای آشنایی با معنا و مفاهیم آن آیات، لذت حفظ را دوچندان می کند. تجربه نشان داده است، کسانی که با معنای آیات آشنایی دارند، بهتر می توانند آنها را حفظ کنند. پیش از این در بحث مقدمات حفظ قرآن، اهمیت و فایده آشنایی با معنا و مفهوم آیات و کلمات قرآن در حفظ بیان گردید. در این مرحله، مراجعه به تفاسیر مختصر و موجز همچون تفسیر شبر و خلاصه تفسیر نمونه بسیار مناسب است.

3. استماع ترتیل

در این مرحله، آیات حفظی را چندین بار با استفاده از ترتیل یکی از اساتید مرور می کنیم. این کار فواید بسیار دارد که از میان آنها می توان به رفع اشتباهات اعرابی احتمالی، تقویت تجوید و آشنایی با الحان و نغمات تلاوت و همچنین محل های صحیح وقف و ابتدا اشاره کرد.

4. تکرار آیات

اشاره

برای حفظ یک آیه کوتاه باید آن را با توجه کامل به حروف و کلمات موجود در آن، چندین بار تلاوت کرد؛ زیرا حفظکردن، چیزی جز دقت و تأمل بر روی هریک از کلمات و استقرار آنها در ذهن نیست، و تعداد و دفعات تکرار، بستگی به توانایی حافظ و استعداد شخص و سخت یا آسان بودن آیه دارد. برخی افراد شاید با یک بار خواندن، یک آیه کوتاه را به خاطر بسپارند و برخی به تکرار بیشتری نیاز داشته باشند. بنابراین با چندین بار خواندن آیه (البته با دقت و تمرکز، نه خواندن معمولی) قسمت زیادی از آیه در ذهن جای می گیرد و بعد از

آن باید بدون استفاده از قرآن و به کمک حافظه آن را خواند و هرجا کلماتی را فراموش کرد و نتوانست کلمات مورد نظر را در ذهن خود بیابد، به قرآن رجوع کند و سپس آن را به ذهن بسپارد و چندین بار آن را از حفظ بخواند.

به همین ترتیب، درباره بقیه آیه عمل کند، تا این که بتواند آن را به طور کامل و به راحتی از حفظ بخواند. آنگاه آیه را دست کم پنج بار از حفظ بخواند تا مطمئن شود که آن را خوب به خاطر سپرده است و باید بتواند آن را روان و راحت بخواند نه با دشواری و سختی. نکته مهم دیگر آن است که تا آیه ای را به خوبی حفظ نکرده، نباید سراغ آیه دیگری برود و در صورت بی توجهی به این موضوع، قطعاً با مشکلاتی روبه رو خواهد شد.

بعد از اتمام آیه اول و اطمینان به تسلط و استواری حفظِ آن، می تواند سراغ آیه بعد برود و آن را به شیوه ای که گفته شد، حفظ کند.

پس از به خاطرسپردن کامل آن، به آیه قبل برگردد و آن را از حفظ بخواند تا بفهمد که آن را همچنان خوب و روان می خواند یا این که اشکالاتی دارد. در صورت داشتن اشکال، آن را برطرف کند و آنگاه هر دو آیه اول و دوم را باهم از حفظ بخواند.

پس از آن، آیه سوم را شروع کند و پس از فارغ شدن از حفظ آن، به شیوه ای که گفته شد، آیات گذشته را با یکدیگر بخواند و به خاطر بسپارد و به همین روش ادامه دهد تا مقدار آیات مقرر و تنظیم شده به پایان برسد.

بعد از آن که آیات مشخص شده برای یک روز به پایان رسید (با توجه به تصمیم انسان که چه مقدار را می خواهد حفظ کند، نصف صفحه یا یک صفحه و یا...)، لازم است چندین بار همه آیات مورد نظر را به ترتیب و روان از حفظ

بخواند و اگر با اشکالاتی مواجه شد، با مراجعه به قرآن آن را اصلاح کند و با تکرار، آن را به ذهن بسپارد.

لازم است، تصویر دقیق مکان هر آیه و بلکه هر کلمه از آیه در صفحه، کاملاً به ذهن انتقال یابد و حافظ برای این کار، هنگام حفظ یا مرور، باید نگاهی دقیق به خط قرآن داشته باشد.

همچنین، ترتیب آیات نیز بسیار درخور توجه و مهم است و باید آن را به خاطر سپرد. برای حفظ ترتیب دو آیه، باید همیشه ابتدا و پایان هر آیه را با تکرار زیاد به خاطر سپرد، و حافظ هنگام مرور یک آیه، مناسب است که انتهای آن آیه را به قسمت ابتدایی آیه بعد متصل و با تکرار زیاد آن، بین آن دو ارتباط برقرار کند. به این ترتیب، پس از پایان تلاوت یک آیه خودبه خود آیه بعد نیز به خاطر می آید.

حفظ آیات طولانی

برای حفظ آیات متوسط یا طولانی، باید قسمت کوتاهی از آیه را که شامل چند کلمه است، به طور مستقل به خاطر سپرد و سپس هر قسمت را به قسمت های دیگر آن وصل کرد تا آیه به پایان برسد.

مثلاً در آیه 35 سوره نور (اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاهٍ فِيها...) ، باید به این صورت به خاطر سپرده شود:

ابتدا قسمت اول را با تکرار، همراه با دقت و تمرکز حفظ کند:

(اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ) (با دقت و تمرکز تکرار کند).

بعد از حفظ آن به قسمت بعدی می رسیم:

(مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاهٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ) (تکرار شود تا به خوبی حفظ گردد).

ص:120

حالا قسمت اول و دوم را چند بار باهم تکرار کند:

(اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ) .

آنگاه قسمت سوم را حفظ نماید:

(الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ) (تکرار).

اکنون این قسمت را به قسمت های پیشین، وصل و تکرار کند:

(اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ) .

بعد از تکرار زیاد، قسمت چهارم: (لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ) را تکرار تا این که به خوبی آن را حفظ کند.

حال این قسمت را به قسمت های قبل متصل نماید:

(اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ...) (تکرار کند).

قسمت پنجم: (نُورٌ عَلی نُورٍ يَهْدِی اللّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللّهُ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَلِيمٌ) .

حال همه آیه را به راحتی و سهولت از حفظ تلاوت و تکرار کند.

آیه الکرسی، آیه دین (282 سوره بقره)، آیه 154 سوره آل عمران، آیه 15 سوره شوری و دیگر آیات طولانی قرآن را می توان به همین روش، به آسانی حفظ کرد.

5. نوشتن آیات

هر صفحه را که حفظ می کنید، یک مرتبه نیز آن را بنویسید؛ زیرا علم فرّار است و با کتابت در ذهن بهتر مستقر می گردد و همان طور که قبلاً اشاره کردیم،

در روایات نیز آمده است که:

«اُکْتُبُوا فَاِنَّکُمْ لا تَحْفَظُونَ حَتّی تَکْتُبُوا»؛ بنویسید زیرا شما تا ننویسید مطلبی را حفظ نمی کنید.

چند تذکر کلی

1. انسانِ با حافظه معمولی می تواند در سی الی 45 دقیقه، یک صفحه از قرآن را حفظ کند؛ ولی نگهداشتن حفظ بسیار مشکل است و نیاز به تمرین و مداومت فراوان دارد. بنابراین تا هنگامی که یک صفحه را با تسلط کامل حفظ نکرده اید، سراغ صفحه بعد نروید. پس از این که به صورت روان، آن را از حفظ تلاوت کردید و همه محفوظات، ملکه ذهنتان شد، صفحه جدید را شروع کنید.

معیار و ملاک، سوره حمد است؛ یعنی تا انسان صفحه دو را مانند سوره حمد از حفظ نشده است، سراغ صفحه سه نرود و بعد از این که این صفحه را به طور دقیق و روان تلاوت کرد، یک بار صفحات گذشته را نیز مرور نماید. اگر ایراد و اشکالی نداشت، آنگاه صفحه چهار را حفظ کند. به این ترتیب، تا پایان جزء پیش برود، سپس اگر جزء اول را به خوبی از حفظ شده بود، جزء دوم را آغاز کند.

2. پرهیز از مقایسه

انسان نباید در حفظ قرآن، خود را با دیگران مقایسه کند؛ زیرا استعداد افراد مانند هم نیست و ممکن است در امری، قوی تر و در امور دیگر ضعیف تر باشد و فرد دیگر برعکس او. در این صورت اگر کسی توان حفظش زیاد است و انسان دیگر کمتر، باید تلاش بیشتری کند تا خود را به او برساند، یا این که با فرد دیگری کار را پی گیرد؛ زیرا:

- برخی زود حفظ می کنند و دیر فراموش می کنند؛

- عده ای زود حفظ می کنند و زود هم فراموش می کنند؛

- جمعی دیر حفظ می کنند و زود هم فراموش می کنند؛

- گروهی دیر حفظ می کنند و دیر هم فراموش می کنند.

درهرحال مقایسه خود با دیگران کار اشتباهی است و بارکشیدن از حافظه بیش از ظرفیت، بی میلی و وازدگی پیش خواهد آورد. بهتر است انسان، ابتدا ظرفیت حافظه خود را ارزیابی کند و سپس در حد توان اگرچه از کم شروع به حفظکردن نماید، بعد به مرور مقدار آیات جدید را افزایش دهد.

3. سعی در تمرکز حافظه و پرهیز از پراکندگی آن

درک و گزینش انسان، محدود است و نمی تواند در همه چیز چهره بارز و چشمگیری داشته باشد. به کارگیری حافظه در چند موضوع، آن هم به صورت کار اصلی، بی ثمر یا کم نتیجه خواهد بود. آری در کنار حفظ قرآن می توان علوم و دروس دیگر را هم آموخت، ولی نباید انسان خود را طوری عادت دهد که کارها را مجموعاً انجام دهد؛ یعنی در وقت مطالعه درس... به قرآن بیندیشد و در وقت خواندن قرآن به حل تمرینات فلان درس بپردازد یا برای کار روز آینده برنامه ریزی کند و یا این که درصدد چاره جویی و پاسخ گویی به مشکل روز گذشته برآید.

آری، پراکندگی حافظه و انجام کارهای زیاد، آن هم به گونه ای که تفاوت اصولی باهم داشته باشند، موجب می شود که انسان در کارها کمتر به پیروزی برسد.

با توجه به برکات عالیه قرآن، خوب است انسان، مدتی که به کار با قرآن اشتغال دارد، به جدّ از کارهای غیرمهم و اصلی دیگر بپرهیزد.

گفتار سوم: حفظ شماره آیات

حفظ شماره آیات، برای انتقال سریع تر ذهن به محل آیه و یادآوری ترتیب آیات، بسیار مفید است. اگر حفظ شماره همه آیات، میسر و مقدور نباشد، بهتر

است حافظ قرآن، شماره برخی آیات را حفظ کند. برای مثال، آیات 5 و 10 و 15 و20 و... یا 10 و 20 و 30 و... یا حداقل شماره آیات بالا و پایین صفحه را حفظ نماید.

گفتنی است که فقط حفظ شماره آیات توصیه می گردد و حفظ موضوعات دیگر مثل شماره سطر و صفحه و حزب و جزء و... نه تنها لزومی ندارد، بلکه مشغول شدن به آنها ذهن را بی دلیل درگیر می سازد. برای حفظ شماره آیات بهتر است، ابتدای آیات در یک صفحه ای به شکل زیر نوشته و روبه روی آن شماره آیه درج شود و حافظ قرآن پس از حفظ آیات، شماره آنها را نیز تکرار و تمرین کند. برای مثال، آیات ابتدایی سوره انعام را به این صورت باید بنویسد.

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی...-- 1

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ...-- 2

وَ هُوَ اللّهُ فِی السَّماواتِ...-- 3

وَ ما تَأْتِیهِمْ مِنْ آیَهٍ...-- 4

فَقَدْ کَذَّبُوا بِالْحَقِّ...-- 5

أَ لَمْ یَرَوْا کَمْ أَهْلَکْنا...-- 6

وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَیْکَ کِتاباً...-- 7

گفتار چهارم: حفظ آیات مشابه

اشاره

حافظ قرآن، هنگام حفظ کردن، به آیاتی می رسد که پیش تر دقیقاً همانند آنها را یا با تفاوت اندکی حفظ کرده است و این تشابه یا تفاوت اندک، کم کم می تواند مشکلاتی را پدید آورد، و برای حفظ آن آیات و رفع اشکالات، لازم است دقت ویژه ای صورت گیرد.

تشابه و همانندی در این آیات چند گونه اند:

1. انواع تشابه

الف) آیات و عبارات کاملاً شبیه

در مواردی که یک آیه یا عبارت، کاملاً و بدون کم وکاست در جای دیگر تکرار شده است، مشکلی برای حافظ به وجود نمی آورد و صرفاً این آگاهی و اطلاع، برای حافظ لازم است که بداند این آیه یا عبارت در چه موارد و مکان هایی تکرار شده تا در خواندن آیات قبل و بعد آن در آزمون ها و مسابقات دچار اشتباه نگردد. نمونه هایی از این موارد را در ادامه یادآوری می کنیم.

(أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) . (1)

(أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) . (2)

(یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ) . (3)

(یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ) . (4)

ب) آیات تا حدودی مشابه

در قرآن کریم موارد فروانی آمده است که دو آیه شباهت زیادی با یکدیگر دارند:

مثال اول: آیه 136 بقره با آیه 84 آل عمران.

(قُولُوا آمَنّا بِاللّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِیَ مُوسی وَ عِیسی وَ ما أُوتِیَ النَّبِیُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) .

(قُلْ آمَنّا بِاللّهِ وَ ما أُنْزِلَ عَلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ عَلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِیَ مُوسی وَ عِیسی وَ النَّبِیُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) .

1- (1) . بقره، آیه 5.
2- (2) . لقمان، آیه 5.
3- (3) . بقره، آیه 47.
4- (4) . بقره، آیه 122.

مثال دوم: آیه 48 سوره بقره با آیه 123 همین سوره.

(وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ) .

(وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ) .

ج) جملات و اجزای متشابه

موارد زیادی نیز آمده است که بعضی از اجزاء و قسمت های یک آیه باهم شباهت دارند. گاهی تشابه آنها در ابتدای آیه است، مثل:

آیه 37 سوره انعام، (وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ...)

با آیه 20 سوره یونس: (وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ...)

و با آیه 7 و 29 سوره رعد: (وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ) .

آیه 185 سوره آل عمران: (كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ ...)

با آیه 35 سوره انبیا: (كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ...)

و با آیه 57 سوره عنکبوت: (كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ...) .

گاهی در آخر آیات این تشابه دیده می شود:

مثل: (إِنَّ اللّهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً) در آیه 106 نساء و 24 احزاب.

(وَ كانَ اللّهُ غَفُوراً رَحِيماً) آیات 96 و 100 و 152.

(وَ اللّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ) 282 بقره و آیه 35 سوره نور.

د) فصل ها و مجموعه های مشابه

گاهی چند آیه، جز در چند کلمه، باهم شبیه اند. به مثال زیر دقت کنید.

آیات 80 الی 84 سوره اعراف:

ص:126

(وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ* إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ* وَ ما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلاّ أَنْ قالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُناسٌ يَتَطَهَّرُونَ* فَأَنْجَيْناهُ وَ أَهْلَهُ إِلاَّ امْرَأَتَهُ كانَتْ مِنَ الْغابِرِينَ* وَ أَمْطَرْنا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ».

آیات 54 تا 58 سوره نمل:

(وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ* أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ* فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلاّ أَنْ قالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُناسٌ يَتَطَهَّرُونَ* فَأَنْجَيْناهُ وَ أَهْلَهُ إِلاّ امْرَأَتَهُ قَدَّرْناها مِنَ الْغابِرِينَ* وَ أَمْطَرْنا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَساءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ).

و با آیات 28 الی 29 سوره عنکبوت که درباره قوم لوط می باشند:

(وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ* أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلاّ أَنْ قالُوا ائْتِنا بِعَذابِ اللّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّادِقِينَ).

2. روش ها و تکنیک های حفظ آیات مشابه

اشاره

برای به خاطرسپاری و تسلط بر آیات مشابه و نداشتن اشتباه در آنها رعایت نکات و به کاربردن شیوه هایی لازم است که عبارت اند از:

الف) تکرار زیاد

حافظ با تکرار و ممارست بسیار می تواند بر تمامی قرآن تسلط بیابد؛ به ویژه آیات مشابه را باید بیش از دیگر آیات بخواند و در آنها دقت و تأمل کند.

ب) یادداشت برداری

بهترین روش برای رفع اشتباه در آیات مشابه، یادداشت برداری و نوشتن این

ص:127

موارد و علامت گذاری و مقایسه آنهاست. بدین ترتیب حافظ می تواند کنار هر آیه (با مداد) موارد مشابه آن (شماره آیه و نام سوره) را یادداشت کند. مطابق شکل:

(123 بقره) (عَلَى الْعالَمِينَ (47) وَ اتَّقُوا يَوْماً لا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لا يُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا يُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ (48)در این مثال، شباهت آیه 48 سوره بقره و آیه 123 این سوره مد نظر است. حافظ قرآن می تواند در کنار آیه 123 شماره آیه 48 را یاداشت کند و در کنار آیه 48 مانند مثال آورده شده، شماره 123 را یاداشت کند.

موارد مشابهی را که غالباً باعث اشتباه می شود نیز می توان در دفترچه یا برگه های خاص یادداشت کرد. البته به این نکته باید توجه داشت که برگه های حاوی آیات شریفه قرآن روی زمین و زیر دست وپا قرار نگیرد.

ج) کشف علت ها و نسبت ها

یکم: کشف روابط و نسبت های مفهومی

از مفیدترین راه ها برای حفظ آیات مشابه، یافتن تناسب میان ابتدا و انتهای آیه است. برای مثال در سوره نساء آیه 16 می خوانیم:

(...فَإِنْ تابا وَ أَصْلَحا فَأَعْرِضُوا عَنْهُما إِنَّ اللّهَ كانَ تَوّاباً رَحِيماً) .

در اینجا با کمی دقت و توجه می توان دریافت که میان جمله «فَإِنْ تابا وَ أَصْلَحا» و صفات پایانی آیه «تَوَّاباً رَحِيماً» تناسب وجود دارد.

گاهی تناسب میان آیات در ظاهر مشاهده نمی شود؛ ولی می توان با دقت و تمرکز، نسبت هایی را کشف کرد. برای مثال، در آخر آیات 151 و 152 و 153 انعام چنین آمده است:

آیه 151: (ذلِكُمْ وَصّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) .

آیه 152: (ذلِكُمْ وَصّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) .

آیه 153: (ذلِکُمْ وَصّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ) .

برای رفع اشتباه در این آیات می توان از کشف نسبت ها استفاده کرده، با اندکی تأمل متوجه می شویم که انسان در نخستین گام باید در آیات الهی بیندیشد و تعقل ورزد و سپس با آنها متذکر گردد و به یاد خداوند بیفتد و سرانجام در قدم سوم، نتیجه تعقل و تذکر، تقوای الهی است.

این روش مورد توجه و سفارش بسیاری از بزرگان از جمله مقام معظم رهبری به قرآن پژوهان و رهروان حفظ قرآن است، که در صورت دقت و تعمق در آیات از ابعاد مختلف قابل استفاده است.

دوم: کشف نسبت ها و علت های ادبی

همان طور که در بحث مقدمات علمی حفظ قرآن متذکر شدیم، آشنایی حافظ قرآن با قواعد ادبی و صرفی و نحوی می تواند در استحکام حفظ او مؤثر باشد. از موارد مهم کاربرد قواعد ادبی، در کشف نسبت های موارد مشابه است. برای مثال، در آیات 7 و 9 سوره نور به ترتیب (وَ الْخامِسَهُ أَنَّ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَیْهِ إِنْ کانَ مِنَ الْکاذِبِینَ) (وَ الْخامِسَهَ أَنَّ غَضَبَ اللّهِ عَلَیْها إِنْ کانَ مِنَ الصّادِقِینَ) کلمات الخامسه مرفوع و منصوب ذکر شده است. مراجعه به قواعد نحوی باعث کشف علت و توجه حافظ به این نکته خواهد شد.

سوم: کشف نسبت های آماری

در مواردی، آیات و عبارات مشابه درصورتی که تعداد و مواردشان شمرده شود، می تواند نسبت و تعداد موارد متفاوت را برای حافظ قرآن روشن سازد و با دانستن این اطلاعات، ذهن برای کشف مورد صحیح از دسته بندی آماری که از آن آگاهی دارد، کمک می گیرد. برای مثال مواردی را ذکر می کنیم.

1. «بالیوم الاخر» و «الیوم الاخر».

این عبارت، مجموعاً در 28 مورد در قرآن به کار رفته و به جز سه مورد در بقیه موارد (25 مورد) به صورت «الیوم الاخر» است. فقط در سه مورد به صورت «بالیوم الاخر» به کار رفته که عبارت اند از:

(وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِینَ) . (1)

(وَ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ رِئاءَ النّاسِ وَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ یَکُنِ الشَّیْطانُ لَهُ قَرِیناً فَساءَ قَرِیناً) 2

(قاتِلُوا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لا یُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللّهُ...) . (2)

کافی است حافظ قرآن این سه مورد را به ذهن بسپارد و در بقیه موارد به راحتی عبارت درست را تشخیص دهد.

2. « وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ » و « وَ لکِنْ أَنْفُسَهُمْ ».

تمام آیات وارده در قرآن، به صورت « وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ » بیان شده است، (3)به جز یک مورد آیه 117 سوره آل عمران که به صورت « وَ لکِنْ أَنْفُسَهُمْ » آمده است.

3. (الانبیاء - النبیین) بغیر (حق - الحق).

در مورد کشتن پیامبران به ناحق در پنج مورد، آیاتی در قرآن ذکر شده است.

(...وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ...) . (4)

(...وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ حَقٍّ...) . (5)

1- (1) . بقره، آیه 8.
2- (3) . توبه، آیه 29.

3- (4) . این موارد شامل بقره، 57 ؛اعراف، 160 ؛نحل، 33 ؛توبه، 70 ؛ عنکبوت، 40 ؛روم، 9 می باشد.

4- (5) . بقره، آیه 61.

5- (6) . آل عمران، آیه 21.

(...وَ یَقْتُلُونَ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ...) . (1)

(...وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ...) . (2)

(...وَ قَتْلِهِمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ...) . (3)

از بررسی آیات یادشده به دست می آید: اولاً غیر از اولین مورد که «الحق» با الف و لام ذکر شده است، در بقیه موارد بدون الف و لام آمده است. ثانیاً در دو مورد اول، لفظ «نبیین» به کار رفته و در سه مورد آخر، لفظ «انبیاء».

4. ذی القربی - بذی القربی.

(وَ اعْبُدُوا اللّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ بِذِی الْقُرْبی...) . (4)

تنها موردی است در قرآن که حرف باء به «ذی القربی» چسبیده است و در موارد دیگر حرف باء وجود ندارد.

5. یعلمهم... و یزکیهم.

تنها در یک مورد در قرآن « یُزَکِّیهِمْ » بعد از « یُعَلِّمُهُمُ » آمده و آن، در دعای حضرت ابراهیم در آیه (رَبَّنا وَ ابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ) 5 است و در دیگر موارد، تزکیه بر تعلیم مقدم شده است.

د) ایجاد رموز قراردادی (رمزگردانی)

در مواردی که آیات مشابه را نمی توان با کشف معیارها و نسبت های واقعی

1- (1) . آل عمران، آیه 112.
2- (2) . آل عمران، آیه 181.

3- (3) . نساء، آیه 155.
4- (4) . نساء، آیه 36.

شناسایی نمود، حافظ می تواند با ابتکاری ازجانب خود و با درنظرگرفتن قراردادها و رمزهایی، این مشکل را برطرف کند.

برای مثال، در انتهای سه آیه متوالی در سوره مبارکه آل عمران، یعنی آیات 176 تا 178 آمده است:

آیه176: (وَ لا یَحْزُنْکَ الَّذِینَ یُسارِعُونَ ... وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ) .

آیه177: (إِنَّ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الْکُفْرَ بِالْإِیْمانِ ... وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ) .

آیه178: (وَ لا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّما نُمْلِی لَهُمْ ... وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ) .

حفظ ترتیب جملات انتهایی این آیات، قدری مشکل و وقت گیر است.

برای به خاطرسپاری و تسلط بر آنها می توان به حروف اول سه کلمه (عظیم، الیم، مهین) توجه کرد و کلمه «عام» را در نظر گرفت. اکنون حافظ هنگام تلاوت این آیات با درنظرگرفتن رمز «عام»، می تواند متوجه ترتیب آنها شود.

گاهی ممکن است که این علامت ها رمزی بی معنا و حتی برای دیگران عجیب باشد؛ ولی برای تداعی شدن و به خاطرسپاری الفاظ آیات برای حافظ بسیار مفید است. موارد زیر ازاین قبیل می باشد:

در سوره بقره در قسمت اخیر آیات 234 و 240 آمده است.

آیه 234: (فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فِیما فَعَلْنَ فِی أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) .

آیه 240: (فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فِی ما فَعَلْنَ فِی أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ) .

در اینجا برای رفع اشتباه می توان از تقدم الفبایی باء در (بِالْمَعْرُوفِ) بر میم در (من معروف) بهره گرفت.

یا در آیه (...وَ تَرَکَهُمْ فِی ظُلُماتٍ لا یُبْصِرُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُونَ) 1 و (وَ مَثَلُ

اَلَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ) 1 می توان از ارتباط حروفی که زیر آنها خط کشیده شده است، استفاده کرد.

چند نمونه دیگر را برای بهتر روشن شدن این بحث بیان می کنیم:

عبارت ایاماً (معدوده - معدودات).

(وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُودَهً...) . (1)

(...قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُوداتٍ...) (آل عمران، 24).

در این باره نیز با استفاده از ارتباط «تاء» معدوده و بقره علامتی درست می کنیم

- للطائفین (والعاکفین - والقائمین)

(...أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَ الْعاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ) 3

(...وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ) 4

این عبارت در قرآن دو بار تکرار شده است. به قرینه آن که اعتکاف در مراسم حج نیست می توان فهمید که « وَ الْعاکِفِینَ » در سوره حج نمی باشد.

گفتار پنجم: نگهداری و مرور محفوظات

1. برنامه مرور محفوظات

اشاره

هرکه در اندیشه حفظ قرآن است، باید خود را برای تکرار پیوسته آیات آماده سازد و این کار را جدی بگیرد؛ زیرا تکرارکردن، رمز موفقیت و اساس حفظ قرآن است.

از وظایف مهم حافظ قرآن، که از حفظ روزانه نیز اهمیت بیشتری دارد،

ص:133

1- (2) . بقره، آیه 80.

تلاش برای تثبیت و فراموش نکردن محفوظاتش است. برخی افراد بعد از این که چند صفحه از قرآن را به خاطر سپردند، از تکرار و ممارست روزانه غفلت می ورزند و در پی افزایش محفوظات خود هستند. آنها با این کار در پیشرفت و به پایان رساندن قرآن شتاب می کنند، غافل از آن که در صورت نداشتن تکرار روزانه به طور منظم، همه محفوظات را از یاد می برند. حافظ قرآن برای استحکام محفوظات به دو برنامه دقیق نیازمند است.

الف) برنامه کوتاه مدت تکرار

حافظ باید روزانه، به طور منظم محفوظات ده روز گذشته اش را تکرار کند؛ برای مثال اگر با خود قرار گذاشته که هر روز یک صفحه را حفظ نماید، بعد از حفظ آن باید ده صفحه گذشته را نیز حتماً تکرار کند و به هیچ وجه از آن تخلف نورزد.

قابل توجه است که حافظان، محفوظات را باید به طور کامل از حفظ تکرار کنند و به روخوانی آن بسنده نکنند.

ب) برنامه بلندمدت تکرار

در این قسمت، حافظ باید با برنامه ریزی حساب شده، روزانه دست کم یک دهم محفوظات خود را مرور کند. برای مثال، اگر کسی حافظ کل قرآن است، باید سه جزء را در طول روز قرائت کند و اگر حافظ پنج جزء می باشد، هر روز نیم جزء را مرور نماید.

بنابراین باید در مدت ده روز تمام محفوظات خود را دوره کند و در صورت تخلف از این برنامه به حفظ او خلل وارد خواهد آمد.

حافظ می تواند مقدار مرور خود را در طول روز تقسیم بندی کند و در ساعات مختلفی آن را انجام دهد. مثلاً حافظ نصف قرآن یعنی پانزده جزء، که

باید روزانه 1/5 جزء را مرور کند، می تواند نیم جزء را اول صبح و نیم جزء را وسط روز و نیم جزء را نیز آخر شب تلاوت نماید.

تذکر: نباید محفوظات را ازروی قرآن تلاوت کرد و حتماً باید از حفظ خواند.

2. روش های نگهداری و مرور محفوظات

الف) مباحثه و پرسش

از راه هایی که به تثبیت محفوظات حافظ کمک می کند و در استحکام آن نقش مؤثر دارد، مباحثه است. بدین ترتیب، دو یا چند نفر که در راه حفظ قرآن می کوشند، هر روز به مدت معین (نیم یا یک ساعت) در ساعت مشخصی، ابتدا حفظ جدید خود را می خوانند و بعد از آن، جزء یا مقدار مشخصی را که روز قبل تعیین کرده اند، به نوبت مرور می کنند؛ به طوری که هر نفر یک صفحه را می خواند و دیگران نیز اشکالات او را تصحیح می کنند. بعد از اتمام مقدار معین شده می توانند آیات مشابه و همچنین آیات ابتدایی صفحات مختلف (سر آیه)را از یکدیگر بپرسند؛ به این صورت که آیه ای در یک جزء را سؤال می کنند، بعد از قرائت آن آیه، آیه ابتدایی آن صفحه و صفحات قبل و یا بعد آن را می پرسند.

مباحثه قرآنی از متداول ترین روش های قابل استفاده حافظان قرآن است و همه استادان نیز آن را توصیه می کنند.

ب) استفاده از ترتیل برای مرور

در صورت دسترسی نداشتن به هم مباحثه و دوست، به تنهایی نیز می توان محفوظات را مرور کرد. از راه های قابل استفاده برای مرور فردی، استفاده از سی دی ترتیل اساتید است. حافظ، جزء مورد نظر خود را همراه با نوار کاست قرائت می کند

ص:135

و هرگاه آیه ای را نتوانست، هماهنگ و همراه با نوار بخواند، آن را چند بار تکرار کند. استفاده از نوار به منظور عادت بر قواعد تجویدی نیز برای انسان مفید است.

3. نقش استاد حفظ و جلسات قرآن در تثبیت محفوظات

اشاره

عوامل زیادی در حفظ قرآن کریم اهمیت دارند که با وجود آنها برنامه حفظ با سهولت بیشتری صورت خواهد گرفت. در این زمینه، کتاب های بسیاری نوشته شده و تجربه های اساتید و حافظان بزرگوار نیز بسیار قابل استفاده است. برخی از نکات بسیار مهم، که توانایی انسان را در حفظ قرآن چندین برابر می کند، عبارت اند از:

الف) شرکت در جلسات حفظ قرآن

حضور در جلسات حفظ، انسان را برای برنامه حفظ، ملتزم و منظم می کند و هیچ مانعی نمی تواند سد راه حافظ گردد.

اگر کسی به تنهایی مشغول برنامه حفظ قرآن گردد، به علت های مختلف (از جمله ایام امتحانات درسی، اشتغالات گوناگون و...) از برنامه روزانه می ماند و به محفوظات نیز خلل وارد خواهد آمد؛ ولی حضور در جلسه باعث می شود که در هر حالی برنامه خود را انجام دهد و در صورت حضور در جلسه اگر مقدار آیات معین شده را حفظ نکند، در حضور اعضای جلسه احساس ضعف و شکست می کند و نمی تواند در چند جلسه برنامه خود را انجام ندهد و در صورت پیشامد غیرمنتظره، در جلسه بعد آن را جبران خواهد کرد.

ب) استفاده از تجربه استاد و حضور در محضر او

آشنایی حافظ با مقدمات و روش های حفظ لازم است؛ اما کافی نیست.

استفاده از استاد باتجربه که خود مراحل حفظ و فرازونشیب های آن را گذرانده است، می تواند توانایی انسان را در این زمینه به طور چشمگیری افزایش دهد و همچنین سختی ها و مشکلات راه را بر رهرو حفظ هموار کند.

کسی که به تنهایی و بدون حضور در خدمت استاد بخواهد، حفظ قرآن را ادامه دهد، باید چندین برابر زحمت بکشد و البته بسیارند افرادی که بدون حضور مستمر در کلاس های قرآنی هم توانسته اند حافظ قرآن گردند، ولی با زحمات بسیار... .

گفتار ششم: وظایف حافظ قرآن

اشاره

چنان که آغاز حفظ قرآن آدابی دارد، پایان آن نیز با آداب و وظایف ویژه همراه است. بخشی از وظایف حافظان عبارت است از:

1. فروتنی

حافظ قرآن نباید برای توفیقی که خداوند متعال به او عنایت کرده است، مغرور شود و تکبر ورزد و فخر بفروشد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

با صدایی بلند به حافظ می گویند: «یا حامل القرآن تواضع به یرفعک الله و لاتعزز به فیذلکَ الله»؛ ای حافظ قرآن، به وسیله قرآن در برابر مردم فروتن باش تا خداوند عزیزت گرداند و از فخر و تکبر بپرهیز تا ذلیل و خوارت نسازد. (1)

2. عمل به قرآن

قرآن، کتاب هدایت و روشنگری است و مهم ترین هدف عالی قرآن، هدایت بشریت به سوی سعادت و تعالی و رشد و کمال انسان ها و ایجاد روح عبودیت

1- (1) . اصول کافی، ج4، ص406.

می باشد. ازاین رو مهم ترین اهداف عالی حافظ قرآن نیز باید این باشد که در مسیر حفظ قرآن، عامل به قرآن باشد، نه این که از حفظ قرآن برای منافع دنیوی و... استفاده کند. قرآن کریم می فرماید: (لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ) ؛ (1) «چرا می گویید آنچه را که عمل نمی کنید». آری از بهترین راه های مهجوریت زدایی قرآن، عمل واقعی به قرآن است.

3. نگهداری محفوظات

از مسئولیت های حافظ قرآن، تلاش برای تثبیت محفوظات قرآنی است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

من نسی سوره من القرآن مُثِّلَتْ له فی صوره حسنه و درجه رفیعه فی الجنه فاذا رأها قال: ما أنت مااحسنک لیتک لی؟ فیقول اما تعرفنی؟ انا سوره کذا و کذا ولو لم تنسنی رفعتک الی هذا.

هرکس سوره ایی از قرآن را فراموش کند، آن سوره، به صورتی زیبا و در درجه ایی بلند در بهشت در برابرش آشکار می گردد. وقتی آن را می بیند، می گوید: تو کیستی که چنین زیبایی؟ کاش برای من بودی. سوره می گوید: مرا نمی شناسی؟ ! من فلان سوره ام. اگر مرا فراموش نمی کردی، تو را به این درجه و مقام می رساندم. (2)

برخی فقیهان، نگهداری آیات در حافظه را واجب و برخی احتیاط واجب می دانند. در نظر آنان، حفظ قرآن مجید واجب نیست؛ ولی حافظ باید بکوشد محفوظاتش را فراموش نکند.

در استفتائی از مرحوم آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره) چنین آمده است: نقل عن

1- (1) . سوره صف.
2- (2) . اصول کافی، ج4، ص410.

السید الخویی(قدس سره): «بان من حفظ مقدارا من القرآن الکریم وجب علیه ان یواظب علی حفظه فهل هذا صحیح و هل موافق لنظرکم الشریف».

التبریزی دام ظلّه العالی: «نعم، الاحوط المحافظه علی من حفظ بتکرار القرائه ونحوها». (1)

از آیت الله خویی(قدس سره) نقل شده است که می گوید: «بر آن که مقداری از قرآن کریم را حفظ کند، واجب است در نگهداری اش بکوشد. آیا این نقل درست است و با نظر شریف شما مطابقت دارد»؟

آیت الله تبریزی: «آری (این نقل درست است) به نظر من احتیاط واجب اقتضا می کند، کسی که قرآن به خاطر می سپارد، به یاری تکرار و مانند آن در حفظ اندوخته هایش بکوشد.

4. پرهیز از اشتغال مفرط به کارهای دنیوی

حافظ قرآن باید هر روز وقتی را برای تکرار محفوظات قرآنی اش اختصاص دهد و از غرق شدن در کارهای دنیوی بپرهیزد. (2) یکی از یاران امام صادق(علیه السلام) به نام یعقوب احمر به حضرت عرض کرد: بدهی بسیار دارم وچنان در اندوه فرو رفته ام که قرآن را از یاد برده ام. امام(علیه السلام) فرمود: قرآن،قرآن! همان قرآن و سوره ایی از آن در رستاخیز می آید و تا هزار درجه(در بهشت) بالا می رود. آنگاه می گوید: اگر مرا حفظ می کردی، تو را به اینجا می رساندم. (3)

1- (1) . صراط النجاه، ج1، ص557، پرسش1551.
2- (2) . البته این نیست که حافظ قرآن کار و تلاش نکند و به امور مادی خویش نپردازد؛ مراد آن است که از کارهای پراکنده و زیاد و مشوش کردن ذهن بپرهیزد.
3- (3) . اصول کافی، ج4، ص411.

5. لزوم روخوانی قرآن

حافظ قرآن باید، برای تثبیت محفوظات قرآنی اش و همچنین محروم نشدن از پاداش نگریستن به قرآن، وقت خود را به دو بخش تقسیم کند. زمانی را به تکرار محفوظات اختصاص دهد و زمانی را به تلاوت قرآن ازروی مصحف. تلاوت ازروی مصحف، حافظ را از عبادت نگاه به قرآن بهره مند ساخته، سبب می شود به اشتباهات و نقاط ضعف و ابهامش پی ببرد و از صحت اندوخته هایش مطمئن گردد. اسحاق بن عمار از حضرت امام صادق(علیه السلام) پرسید: فدایت شوم، من حافظ قرآنم، قرآن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟ امام(علیه السلام) فرمود: ازروی مصحف بخوانی، بهتر است. آیا نمی دانی که نگریستن به قرآن عبادت است. البته مراد امام(علیه السلام) این نیست که قرآن همیشه ازروی مصحف قرائت شود؛ زیرا گاه باید، برای تثبیت محفوظات، باید آن را از حفظ خواند. (1) افزون بر آنچه گذشت، تلاوت قرآن ازروی مصحف به تقویت چشم، سبک شدن عذاب پدرومادر و... می انجامد.

ص:140

1- (1) . در این باره، روایاتی در اصول کافی، ج4، ص417 آمده است.

پرسش های پایان فصل

1. روش های کلی حفظ قرآن را بیان کنید؟

2. مراحل حفظ آیات را توضیح دهید؟

3. حفظ شماره آیه چه فوایدی دارد و چگونه انجام می شود؟

4. روش های حفظ آیات مشابه را بیان کنید؟

5. برای مرور محفوظات باید از چه برنامه ای پیروی کرد؟

6. وظایف حافظان قرآن چیست؟

ص:141

ضمائم

گفتار اول: نونهالان و حفظ قرآن

نکاتی چند درباره نونهالان

اشاره

آنچه درباره روش حفظ و تثبیت قرآن گفته می شود، در سطح کودکان نیز صدق می کند. البته باید توجه داشت که احوال روحی آنان ظریف تر و حساس تر است و با بزرگ سالان تفاوت بسیار دارد؛ بنابراین در گستره کار با کودکان باید به موارد زیر توجه داشت:

1. نقطه شروع

برای کودکان و نوجوانان، بهتر است که حفظ قرآن از سوره های کوچک آغاز شود. به کاربستن این سفارش در نونهالان بسیار تأکید شده است، زیرا روحیه آنان حساس تر و احتمال نومیدی و دل سردی شان فزون تر است.

2. سرعت نبخشیدن به «حفظ»

اگر قرار است بزرگ سالان، قرآن را به طور متوسط در سه سال حفظ کنند،

ص:143

کودکان باید 5 - 7 سال را بدین امر اختصاص دهند. فشار و تسریع در کار حفظ برای کودک بسیار زیان بار است؛ زیرا ممکن است روانش را آزرده سازد و از ادامه مسیر بازش دارد.

3. پرداختن به بازی و تفریح

بیشتر اولیا و مربیان، بازی کودک را نوعی اتلاف وقت می دانند. آنان انتظار دارند که کودکان هرچه زودتر از بازی دست کشیده، به کارهای مهم تر بپردازند. اینان، کودک را بزرگ سالی خردپیکر می پندارند و توجه ندارند که بازی، ضمن تأمین سلامت و رشد جسمی و روانی و عاطفی خردسالان، اصول و قواعد زندگی را به آنان می آموزد.

بازی چنان در سلامت کودک نقش دارد که ارزش آن را از مطالعه کتاب نیز بیشتر دانسته اند. بنابراین، اولیا و مربیان باید توجه داشته باشند که فراهم آوردن زمینه های بازی برای نونهالان، آنان را در حفظ قرآن یاری می دهد زیرا حس کنجکاوی و قدرت را در آنها دوچندان می سازد. نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«دَعْ ابْنَکَ یَلْعَبُ سَبْعَ سَنینَ»؛ فرزند خود را آزاد بگذار تا هفت سال (آغاز زندگی) بازی کند.

4. ایجاد علاقه در نونهالان

اشاره

نکته مهم دیگر در گستره کار با نونهالان، «ایجاد علاقه» است. اگر کودکی با بی حوصلگی و فرار از کلاس، نداشتن آمادگی خود را برای حفظ نشان داد، هرگز نباید او را در تنگنا گذاشت. در این موارد، باید نخست با شیوه های صحیح و جاذب، اشتیاق به قرآن را در کودک پدید آورد و سپس مسیر حفظ را نشانش داد. نقش معلم در ترغیب و در تنگنانگذاشتن حافظ؛ به ویژه حافظان کودک و نوجوان بسیار اهمیت دارد. ویژگی طبیعی روند حفظ آن است که در ابتدا و

شروع، کمی مشکل می نماید و بعد کم کم به صورت عادی جلوه می کند. نقش معلم و ترغیب پدرومادر در مراحل اولیه بسیار حیاتی و مؤثر است. آنها می تواند علاقه و استقامت را در حافظ نونهال و نوجوان پدید آورند.

استاد پرهیزگار در این باره می گوید:

یازده ساله بودم که به پیشنهاد پدرم و تشویق استادْ مروت به جمع حفاظ قرآن پیوستم. در ابتدا علاقه زیادی به حفظ نداشتم و آن را یک کار سخت می دانستم و سعی می کردم پدرم را راضی کنم که از مسئله حفظ بگذرد و به اصطلاح، دست از سر من بردارد! مخصوصاً وقتی وارد سوره بقره شدیم و یک جزء آن را پشت سر گذاشتیم، دیدم کار مشکل شده و علاوه بر حفظ آیات جدید باید آیات قبلی را نیز نگهداری کنم و این برایم سخت بود؛ ولی پدرم هنوز اصرار بر ادامه حفظ قرآن داشت و من نیز با هر سختی که بود، سوره بقره را حفظ کردم و وقتی وارد سوره آل عمران شدیم، به تدریج حس کردم که به حفظ قرآن علاقه و انس پیدا کرده ام و هرچه جلوتر می رفتیم این علاقه بیشتر می شد؛ به نحوی که دیگر نمی توانستم حفظ را رها کنم و از این کار لذت می بردم. در ابتدا جلسه حفظی داشتیم که از جزء سی شروع به حفظ کردیم و من با سایر حفاظ آغاز به حفظ نمودم. این حفاظ را که می دیدم، الهام می گرفتم. وقتی جزء سی ام تمام شد، جزء اول را شروع کردیم. آن موقع چهل نفر بودیم؛ ولی کم کم تحلیل رفتند و به آیه پنجاه که رسیدیم، چهار نفر رفتند. به آیه صد که رسیدیم، باز چهار نفر رفتند و وقتی سوره بقره تمام شد، ما پنج نفر ماندیم و مسابقه دادیم. بعدها نیز با همین تعداد به حفظ قرآن ادامه دادیم. بعد از پایان هر جزء مسئولین جلسه مسابقه می گذاشتند و جوایز بزرگی هدیه می کردند که در تشویق ما خیلی مؤثر بود. (1)

راه های پدیدآوردن اشتیاق در این گروه متفاوت است. بخشی از علاقه به قرآن، موهبت الاهی و اکتساب ناپذیر است و بخشی دیگر اکتسابی.

موارد اکتسابی را در دو دسته پیش از ولادت و پس از ولادت، بررسی می کنیم.

1- (1) . داوود قاسمی، حافظان نور، ص21.

الف) عوامل مؤثر پیش از ولادت

1. انتخاب همسر شایسته

اسلام به نسل پاک و سالم بسیار اهمیت داده و برای پدیدآوردن آن، حتی به پیش از تولد فرزند نیز توجه کرده است. معصومان(علیهم السلام) درباره گزینش همسر بسیار سفارش کرده و ویژگی های همسر خوب را برشمرده اند. از مجموع کتاب های نوشته شده در این زمینه، چنان برمی آید که فرزند علاقه مند به موضوعات معنوی و قرآن، در دامن همسر دین دار، پاک دامن و خوش اخلاق پرورش می یابد. بنابراین، در انتخاب همسر باید به ویژگی های یاد شده توجه شود.

2. مباشرت معنوی

شرایط مباشرت (هم بستری) نیز بر آینده کودک اثرگذار است. سفارش معصومان(علیهم السلام) در این باره در کتاب های ویژه به تفصیل ذکر شده که مهم ترین آنها این است که مباشرت، هنگام حیض، دلهره و اضطراب و بدون وضو و نام خدا تحقق نیابد.

3. بارداری معنوی

با انتقال نطفه، ارتباط مستقیم مرد با اجزای سلول تخم پایان می پذیرد. بدین سبب، حتی اگر در دام گناه افتد، بر جنین اثر مستقیم نمی گذارد؛ ولی مادر تا پایان بارداری و شیردهی (دو سال و نیم) با کودک ارتباط خونی دارد. براساس تحقیقات و تجارب علمی، غذا، دارو، هیجان و اضطراب، خشم و افکار و حالات روحی، اخلاقی و حتی آهنگ صدای مادر در دوره بارداری بر جنین اثر می گذارد. بنابراین، اگر مادر هنگام بارداری با مسائل معنوی و قرآن انس داشته باشد، بر جنین تأثیر عمیق معنوی می نهد و فرزندی علاقه مند به قرآن و معنویات پدید می آورد.

ب) عوامل مؤثر پس از ولادت

1. داشتن وضو هنگام شیردادن

پیوسته باوضوبودن، آثار و برکات بی شمار دارد. خداوند می فرماید: (إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّوّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ) ؛ «خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست دارد». آن که وضو دارد، پاکیزه و محبوب خداوند است؛ در نتیجه کارهایش نیز مورد پسند و عنایت حضرت حق قرار می گیرد. بنابراین، مادری که هنگام شیردادن به نوزادش وضو دارد، از نوعی آرامش خاطر و معنویت بهره می برد و فرزندش را با معنویات و قرآن مأنوس می سازد. تجربه نشان می دهد، مادرانی که هنگام شیردادن باوضویند، فرزندانی بامعنویت و هوش و حافظه مطلوب پرورش می دهند. برای مثال مادرِ شیخ مرتضی انصاری، هرگز او را بی وضو شیر نداد. نتیجه این کار، تربیت فقیهی بزرگ و شیفته قرآن و معنویت بود. این ویژگی در زندگی بیشتر حافظان خردسال مشاهده می شود.

2. تشویق

انسان، به ویژه کودک، برای پیشرفت در کارها به تشویق های معنوی و مادی نیاز دارد. بیان آثار و اهمیت حفظ کتاب خدا در کنار تشویق های مادی و اعطای جوایز در ایجاد علاقه به قرآن تأثیر بسیار دارد. تشویق حتی برای بزرگ سالان نیز لازم است و آنها را به پیشرفت فزون تر وامی دارد. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد که کودک در سنی خاص به تشویق نیاز ندارد؛ به عبارت دیگر، تشویق برای همه لازم است و برای گروهی لازم تر.

3. فراهم ساختن محیط قرآنی

خانه ها و محیطهایی که از عطر دل انگیز قرآن آکنده است و آهنگ تلاوت قرآن در آن طنین می افکند، عشق و علاقه به قرآن و حفظ آن را در ساکنانش،

فزونی می بخشد. از علل سفارش امامان(علیهم السلام) به قرائت قرآن در خانه ها این است که همسر و فرزندان را نیز به خواندن قرآن و حفظ آن تشویق می کند.

4. حضور در محافل قرآنی

حضور در محافل قرآنی نیز از راه های ایجاد علاقه در نونهالان است. اگر پدرومادر خود حافظ قرآن نیستند یا برای ایجاد محیطی قرآنی در خانه فرصت و دانش کافی ندارند، دست کم باید فرزندان خود را به محافل قرآنی ببرند تا کم کم نور قرآن، دل هاشان را روشن و شیفته سازد.

5. گوش دادن به نوارهای ترتیل

گوش سپردن به نوارهای ترتیل نیز نونهالان را به سوی قرآن می کشاند. مطالعه زندگی حافظان قرآن، به ویژه نونهالان، نشان می دهد آنان تنها با شنیدن یک نوار قرآن در مسیر قرائت و حفظ کتاب خدا گام نهادند و هرگز کسی درباره فضیلت و آثار حفظ قرآن با آنان سخن نگفته است.

گفتار دوم: راه های تقویت حافظه

اشاره

ازدست رفتن حافظه و بالارفتن سن، رابطه ای مستقیم دارند. در اوایل بیست سالگی، مغز شروع به ازدست دادن بعضی سلول های عصبی می کند و بدن، کمتر مواد شیمیایی مورد نیاز مغز برای درست کارکردن را تولید می کند. خوشبختانه، شما کارهای زیادی می توانید انجام دهید تا این فرایند را کندتر پیش رود. در اینجا به چند نکته اشاره می کنیم تا با رعایت آن بتوانید حافظه تان را تقویت کنید. منبع مطالبی که در ادامه آورده می شود، تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی فارس است.

1. خوراکی های توصیه شده برای تقویت حافظه

1. استفاده از غذاهای پرکالری به اندازه کافی

ص:148

تحقیقات نشان می دهد، افرادی که رژیم های غذایی بسیار کم کالری دارند، نه تنها پروسه اطلاع رسانی را بسیار کند انجام می دهند؛ بلکه از دیگر افراد هم سن و سال خود که این رژیم را ندارند نیز کمتر قادر به استفاده از حافظه خود می باشند. ازاین رو به خود اهمیت بدهید و رژیم های غیرموجه را فراموش کنید.

2. پرهیز غذای سس دار

براساس تحقیقات انجام شده درباره عادت غذایی بیش از هشت هزار نفر, استفاده از انواع سس ها و غذاهای سویادار باعث کاهش قدرت حافظه می شود. علت آن است که یک ماده شیمیایی موجود در این نوعِ سس ها و سویا که گفته می شود ضد سرطان و بیماری قلبی است، دقیقاً عکس این خواص را دارد. بااین حال یک یا دو بار خوردن و کم مصرف کردن آن در هفته چندان مشکلی ندارد !

3. استفاده از چای گیاهی

آهن برای عملکرد صحیح حافظه ضروری است و نوشیدنی های کافئین دار به علت دارابودن موادی به نام «تانن» (اسید تانیک) که 75 درصد آهن موجود در بدن را از بین می برند، مضر می باشند.

4. کاهش مصرف قند و شکر مصنوعی

امروزه مواد غذایی و نوشیدنی با قند رژیمی (مصنوعی) متداول شده است؛ به ویژه کسانی که می خواهند از چاقی یا بیماری های قندی جلوگیری کنند، این مواد را بیشتر مصرف می کنند. این امر ممکن است در کاهش وزن شما کمک کند؛ اما نوشیدن بیش از یک یا دو نوشیدنی رژیمی در طول روز، حافظه درازمدت شما را تخریب می کند. خوشبختانه تأثیرات منفی این مسئله، همیشگی نیست و شما به راحتی می توانید با قطع مصرف شیرینی های مصنوعی، دوباره حافظه خود را اصلاح کنید.

ص:149

5. خوردن میوه و سبزیجات به اندازه کافی

استفاده از یک رژیم غذایی سالم و مناسب، نه تنها برای جسمتان مفید است، بلکه برای مغز و حافظه تان نیز لازم می باشد. طبق نظرات آکادمی عصب شناسی آمریکا، خوردن میوه ها و سبزیجاتی که حاوی میزان زیادی آنتی اکسیدان هستند مثل توت ها، مرکبات، اسفناج، هویج، کلم بروکلی، گوجه فرنگی و سیب زمینی می تواند مفید باشد.

6. ویتامین های B

به جز میوه و سبزیجات، مواد دیگری مثل کارکامین و همچنین ویتامین های B مثل نیاکتین و اسیدفولیک نیز در این زمینه کمک کننده هستند و احتمال ابتلا به آلزایمر را کاهش می دهند. از ویتامین های B در بسیاری از عملیات متابولیک بدن استفاده می شود و برای سلامتی عمومی بدن بسیار لازم هستند. درباره مغز دو تا از این ویتامین ها اهمیت بیشتری می یابند: ویتامین B 12 و اسیدفولیک.

ویتامین B 12 برای حفظ غلاف میلین (ماده سفید چربی که غلاف بعضی اعصاب را می پوشاند و باعث می شود که به درستی کار کنند).

اسیدفولیک هم ماده بسیار مؤثری برای مغز است که باعث بهتر کارکردن انتقال دهنده های عصبی می شود. اگر میزان اسیدفولیک مغز کاهش یابد، احتمال ازدست رفتن حافظه بیشتر می شود.

ویتامین B بهترین تغذیه حافظه است و میوه هایی مثل موز بهترین دوست حافظه هستند؛ زیرا دارای این منبع غنی می باشد.

7. برخی خوراکی های توصیه شده

1. مویز؛ 2. کندر؛ 3. سیب؛ 4. انار؛ 5. عسل؛ 6. پسته؛ 7. بادام؛ 8. خوردن حبوبات، به ویژه عدس و ماش. (1)

ص:150

1- (1) . سایت دانشگاه علوم پزشکی فارس sums.ac.ir.

برای بهرمندی حافظان عزیز قرآن از توصیه های متخصصان تغذیه، خلاصه ای از گفت وگو با دکتر سید علی کشاورز، متخصص تغذیه و رژیم درمانی و مدیرگروه تغذیه دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران را نقل می کنیم. ایشان معتقدند، تغذیه به روش های مختلف روی حافظه انسان اثر می گذارد. ماهی به علت داشتن چربی امگا3، گوشت قرمز و گوشت انواع پرندگان به دلیل داشتن آهن، ویتامین C موجود در میوه ها و سبزیجاتی مانند مرکبات، توت فرنگی، گریپ فروت، انار، گوجه فرنگی، کلم بروکلی، هویج و سویا به علت تأثیر آن در بهبود عملکرد سلول های عصبی، ویتامین های گروه B ، به ویژه B 6 و B 12 و تیامین که در مخمر، جوانه گندم، برنج قهوه ای، دانه سویا، جوی دوسر، عدس، تخمه آفتابگردان و گردو وجود دارند، روی که منبع آن گوشت، جگر، غلات سبوس دار، محصولات سویا، لوبیای خشک، تخم مرغ، پنیر، حبوبات و سبزیجات سبز تیره و زرد است و ید که بر عملکرد غده تیرویید اثر می گذارد، همه از غذاهای مفید برای سیستم مغز و حافظه هستند.

به اثبات رسیده است، افرادی که دچار فقر آهن هستند و کم خونی دارند، دچار عدم تمرکز و کاهش قدرت یادگیری می شوند؛ زیرا در مبتلایان به کم خونی ناشی از فقر آهن، اکسیژن کافی به سلول های مغزی نمی رسد و همین مسئله باعث ابتلای فرد به عارضه کم حافظگی می شود. آهن به جز در انواع گوشت در زردآلو، آلو، حبوبات، سویا، تخم کدو و محصولات دریایی به وفور یافت می شود. البته میزان آهن در گوشت قرمز و گوشت شترمرغ بیشتر است.

برخی بیماری های داخلی هم می توانند باعث افت حافظه شوند. مثلاً اختلالات متابولیسمی ید بر حافظه اثر می گذارند. این موضوع بیشتر به فعالیت غده تیرویید بستگی دارد. وقتی فردی دچار اختلالات عملکرد غده تیرویید و متابولیسم ید می شود، باید هم زمان با دارودرمانی، غذاهای غنی از ید مثل انواع

ص:151

ماهی و نمک یددار مصرف کند تا بهبود یابد.

همچنین به طور کلی، گرسنگی هم بر قدرت حافظه و هم تمرکز اثر منفی دارد. وقتی فردی گرسنه می شود، اگر به موقع غذا نخورد، قند خونش پایین می آید و تمرکز و قدرت یادگیری اش را از دست می دهد. سوخت منحصربه فرد مغز ما نوعی قند به نام گلوگز است. گلوگز از تجزیه نشاسته سیب زمینی و غلات به دست می آید. وقتی ما به اندازه کافی غذا نمی خوریم و نشاسته کافی دریافت نمی کنیم، این قند تأمین نمی شود و وقتی سوخت مغز تأمین نشود، فرد بی حوصله است و قدرت تمرکز و یادگیری اش کاهش می یابد. به همین دلیل، مهم است ما حتی اگر اضافه وزن داریم، سه وعده غذایی مان را بخوریم؛ یعنی هیچ یک از وعده های صبحانه، ناهار و شام را حذف نکنیم.

برخی عادت های غذایی که برای حافظه ما مضر هستند، عبارت اند از مصرف لبنیات همراه با غذاهای آهن دار یا قرص آهن و مصرف شیر در وعده نهار و شام. همرا با شام و ناهار حداکثر یک پیاله ماست یا یک لیوان دوغ بخوریم. مصرف چای بعد از غذا نیز جذب آهن و روی را مختل می کند؛ در نتیجه، فرد کم خون می شود. مصرف نوشابه های گازدار همراه غذا نیز همین اثر را دارند.

چاقی و اضافه وزن و لاغری، به معنی بدخوری و کمبود مواد مغذی در بدن، هر دو برای حافظه مضرند. داشتن رژیم غذایی متعادل در هر سنی و نظم غذایی می تواند به ما در داشتن حافظه ای قوی کمک کند.

بهترین زمانی که مغز می تواند غذای کافی به دست آورد، صبح است. با خوردن صبحانه ای که حاوی مواد قندی، غلات و چربی هاست، می توان عملکرد مغز را در طول روز افزایش داد؛ اما در کل، همه افراد در هر شرایطی لازم است که سه وعده غذایی صبحانه، ناهار و شام را مصرف کنند و حذف هریک از این وعده ها به ضرر حافظه خواهد بود.

ص:152

2. توصیه های رفتاری برای تقویت حافظه

1. مهربانی با خویشتن

انجام کارهایی که شما به آن علاقه مندید مانند خریدن یک شاخه گل, کتاب رمان, ملاقات دوستان قدیمی و... باعث افزایش ترشح هورمون «دوپامین» می شود که احساس خوبی را در شما به وجود می آورد و این افزایش، تأثیر مثبتی بر سلسله اعصاب و آن بخش از مغز که مسئول حافظه است، دارد.

2. قدم زدن

زنان یا مردانی که در طول روز، به طور مرتب قدم می زنند، بسیار کمتر دچار فراموشی می شوند. در بررسی علت این امر تحقیقات نشان داده که فعالیت، ارتباط مغزی را در بخشی که ذهن مسئول حافظه است، گسترش می دهد.

3. خواب به موقع

با یک استراحت خوب مغز می تواند اطلاعات بیشتر و بهتری را به حافظه شما باز گرداند تا مغزی که تمام روز را بدون استراحت گذرانده باشد.

4. جسمتان را ورزش دهید

همه ما می دانیم که برای سلامت بدن و تناسب اندام و بدنمان باید ورزش کنیم. اما آیا می دانستید که ورزش کردن باعث تقویت حافظه تان نیز می شود؟

ورزش های قلبی - عروقی مانع ازدست رفتن حافظه می شود. پزشکان معتقدند، علت تأثیر ورزش بر حافظه آن است که ورزش، گردش خون را در مغز بالا می برد و نمی گذارد بافت های عصبی مغز با بالارفتن سن به سرعت از بین بروند.

5. رعایت نکات پزشکی و بهداشتی

دانشمندان و محققان، عواملی مانند رعایت بهداشت، استعمال بوی خوش، مسواک زدن، استنشاق کردن، حجامت کردن و استراحت کافی در

بین روز را از

ص:153

عوامل مؤثر در تقویت حافظه می دانند. همچنین اگر فضای مطالعه از اکسیژن زیادی برخوردار باشد، در بهبود عملکرد مغز و حافظه مؤثر است.

3. عوامل معنوی

1. سحرخیزی؛ 2. پرهیزکاری؛ 3. اجتناب از محرمات و مکروهات و مشتبهات (خوردن، دیدن، شنیدن و...)؛ 4. توسّل به حضرات معصوم(علیهم السلام)؛ 5.تلاش؛ 6.احترام گذاردن به قرآن؛ 7. باوضوبودن؛ 8. نظم؛ 9. شکرگزاری در آغاز و پایان کارهای قرآنی.

4. آفات حافظه

گاه دیده شده است افرادی حافظ قرآن بوده اند؛ ولی پس از مدتی آن را از یاد برده اند. این امر ممکن است علل مختلفی داشته باشد که در اینجا به برخی از آن امور براساس آموزه های دینی و سخنان و تجربه بزرگان و محققان اشاره می کنیم. برخی از این عوامل عبارت اند از:

1. گناه کردن؛ 2. خنده زیاد (مخصوصاً قهقهه)؛ 3. ناخن جویدن؛ 4. غرور؛ 5.عصبانیت؛ 6. لجاجت؛ 7. مرورنکردن؛ 8. فعالیت های زیاد بدنی و فکری؛ 9.ضربات روحی؛ 10. یادگیری ناقص و ضعیف؛ 11. نداشتن آرامش روحی و فکری؛ 12. انتظار تشویق از دیگران.

گفتار سوم: ضرورت سامان دهی حافظان و اعطای امتیازات اجتماعی به آنان

بر اساس آموزه های دینی و سیره و روش بزرگان و عالمان دین، احترام و تکریم اهل قرآن و ازآن میان حافظان قرآن، امری پسندیده و ضروری است. در کشورهای اسلامی، طبیعتاً یکی از معیارهای امتیازات اجتماعی باید براساس تکریم اهل دین و

قرآن و عنایت به مقام رفیع آنان باشد. بر این اساس، لازم است فعالان در عرصه های مختلف دینی، شناسایی و سامان دهی مناسب شوند تا امر توجه به آنان به خوبی صورت پذیرد. در جمهوری اسلامی ایران، برخی قوانین و مقررات به منظور تشویق حافظان و قاریان قرآن وضع شده مانند اعطای مدرک رسمی علمی یا مرخصی های ویژه به حافظان قرآن کریم و... و در این راستا برای شناسایی و سامان دهی حافظان قرآن، شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه ای را تصویب کرده که در آن، چگونگی ارزیابی و درجات حافظان قرآن به طور رسمی بیان شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه 573 مورخ 84/9/8 ضوابط ارزیابی حافظان قرآن کریم را به شرح ذیل تصویب نمود:

ماده یک: به منظور سامان دهی و تسهیل خدمات رسانی دستگاه های اجرایی کشور به حافظان قرآن کریم، هرسال حداقل یک دوره آزمون تخصصی حفظ قرآن کریم، به شرح مواد این آیین نامه، برگزار و به قبول شدگان، مدرک تخصصی حفظ قرآن اعطا می شود.

ماده دو: در این آیین نامه، حافظ به کسی اطلاق می شود که توانایی دارد آیات قرآن را به صورت روان، فصیح و همراه با درک معنای آیات از حفظ بخواند.

ماده سه: مدرک تخصصی حفظ قرآن، در پنج درجه و با عناوین و شرایط زیر اعطا خواهد شد:

1. استاد حفظ قرآن؛

حافظ ممتاز قرآن، آشنا با تفسیر و علوم قرآنی با ده سال سابقه تدریس و تربیت حافظان قرآن.

2. حافظ ممتاز قرآن؛

تسلط بر تلاوت مرتل کل قرآن از حفظ، ترجمه آیات و مفردات آن.

ص:155

3. حافظ کل قرآن؛

تسلط بر خواندن کل قرآن از حفظ، همراه با درک معنای آیات.

4. حافظ بیست جزء قرآن؛

تسلط بر خواندن بیست جزء پیوسته قرآن از حفظ، همراه با درک معنای آیات.

5. حافظ ده جزء قرآن؛

تسلط بر خواندن ده جزء پیوسته قرآن از حفظ؛ همراه با درک معنای آیات.

ماده چهار: به منظور تصویب ضوابط علمی و دستورالعمل های اجرایی و نظارت بر برگزاری آزمون ها، شورایی متشکل از هفت نفر از کارشناسان و متخصصان قرآنی، به شرح ذیل در سازمان تبلیغات اسلامی تشکیل می شود.

1. سه نفر از استادان برجسته حفظ قرآن (با معرفی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، هرکدام یک نفر).

2. دو نفر استاد تفسیر و علوم قرآنی، ترجیحاً حافظ قرآن (با معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و مدیریت حوزه علمیه قم، هرکدام یک نفر).

3. یک نفر حافظ و استاد قرائت قرآن (با معرفی اتحادیه تشکل های قرآنی کشور).

4. بالاترین مقام مسئول فعالیت های قرآنی سازمان تبلیغات اسلامی (دبیر شورا).

* تبصره یک: عضویت اعضای بندهای 1 تا 3 برای مدت سه سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

* تبصره دو: رئیس شورا از بین اعضای حافظ قرآن شورا و با رأی آنان برای مدت سه سال انتخاب می شود. مصوبات شورا با امضای رئیس ابلاغ می شود.

* تبصره سه: مدرک تخصصی حفظ قرآن با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی صادر خواهد شد.

ص:156

ماده پنج: دارندگان مدرک تخصصی حفظ قرآن ، از مزایای درجات یک تا پنج هنری ، موضوع مصوبه جلسه 547 شورای عالی انقلاب فرهنگی ، برخوردار خواهند شد.

ماده شش : از ابتدای مهرماه 1385، استفاده از هرگونه مزایای قانونی مربوط به حافظان قرآن در مراکز مختلف کشور، برای متقاضیان جدید، منوط به ارائه مدرک تخصصی حفظ قرآن مندرج در این آیین نامه می باشد.

ماده هفت : این آیین نامه در هفت ماده و سه تبصره در جلسه مورخ 84/9/8 شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و برای اجرا به سازمان تبلیغات اسلامی ابلاغ می شود.

گفتار چهارم : بررسی برخی آیات مشابه

در این قسمت مواردی از آیات مشابه قرآن و نکاتی که به نظر می رسد، می تواند برای رفع اشتباه حافظان مؤثر باشد، بیان شده است . نه موارد ذکرشده همه موارد مشابه آیات قرآنی است و نه نکات و رموز گفته شده ، تنها نکات قابل اشاره در این موارد است ؛ بلکه چه بسا حافظان عزیز قرآن با دقت و توجه در این موارد و موارد مشابه دیگر به علائم نکات و رموز دقیق تر و جالب تری دست پیدا کنند.

1. (سبح یسبح لله ما فی السماوات و ...)

فقط در سوره حدید، «ما»ی موصول دوم وجود ندارد و در بقیه موارد، همراه با دو «ما»ی موصول است ؛ به صورت (...ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ ...) .

(سَبَّحَ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ) (حدید، 1).

(سَبَّحَ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ) (حشر، 1).

(سَبَّحَ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ) (صف، 1).

(يُسَبِّحُ لِلّٰهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) (جمعه ، 1).

(يُسَبِّحُ لِلّٰهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ) (تغابن ، 1).

2. (ثم كفرتم و كفرتم)

عبارت (قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ) در سوره فصلت و (قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شاهِدٌ...) در سوره احقاف می باشد. نشانه و علامتی كه در اينجا می تواند راه گشا باشد، اين است كه در آنجا كه با و او عطف آمده ، و او عطف ديگری نيز بعد از آن وجود دارد.

(قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِی شِقاقٍ بَعِيدٍ) (فصلت ، 52)

(قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شاهِدٌ) (الاحقاف، 10).

3. (ابصر - اسمع)

«أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ » در آيه 26 سوره كهف و «أَسْمِعْ بِهِمْ وَ أَبْصِرْ» در آيه 38 سوره مريم آمده است .

4. (امرهم بينهم)

تركيب «أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ » در چهار مورد به كار رفته . در سه مورد «أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ » ، و فقط يک مورد (آيه 21 كهف) « بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ » است .

5. لهم فِيها ما يَشاؤُنَ ما يشاؤن)

اين تركيب پنج بار در قرآن به كار رفته است . به ترتيب سور قرآن ، در دو مورد اول يعنی سوره نحل آيه 31 و سوره فرقان آيه 16 «لَهُمْ فِيها ما يَشاؤُنَ » ، در دو مورد بعدی يعنی آيه 34 سوره زمر و آيه 22 سوره شوری «لَهُمْ ما يَشاؤُنَ » بدون فيها و در مورد آخر يعنی آيه 35 سوره ق «لَهُمْ ما يَشاؤُنَ فِيها» به كار رفته است .

6. ان الساعه (آتيه لا تيه)

ص:158

در چهار موضع در قرآن استعمال شده است . دو مورد اول و آخر یعنی آیه 85 سوره حجر و آیه 59 سوره غافر به صورت « لَآتِيَةٌ » و در دو مورد سط یعنی آیه 15 سوره طه و آیه 7 سوره حج به صورت «آتیه» به کار رفته است .

7. و ما خلقنا (السماء/ السماوات)

به جز دو مورد در سوره های انبیا و صاد که سماء به صورت مفرد آمده « وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ ... »، در بقیه موارد در قرآن به صورت جمع سماوات به کار رفته است « وَ ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ ... ».

8. (نسلکه سلکناه)

در قرآن ، آیه 12 سوره حجر با آیه 200 سوره شعائرا کاملا شبیه هستند و فقط فعل به کاررفته در این دو آیه ، در اولی به صورت مضارع و در دومی به صورت ماضی است . در سوره حجر آمده است (وَ ما يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاّ كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ)

(كَذلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ) و در سوره شعائراء آمده است (فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ ما كانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ كَذلِكَ سَلَكْناهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ) به نظر می رسد توجه و دقت حافظ به فعل آیه قبل می تواند نشانه و علامتی برای درست خواندن فعل آیه مورد بحث باشد. به این صورت که اگر فعل قبلی ماضی بود، فعل بعدی نیز ماضی خوانده شود و اگر مضارع بود، مضارع خوانده شود.

9. ما یأتیهم من (نبی رسول)

در دو سوره حجر و یس ، « مِنْ نَبِيٍّ » و در سوره زخرف « مِنْ رَسُولٍ » به کار رفته است .

10. متنا و کنا ترابا و عظاما

در همه موارد بعد از « عَلَّمْتَنا »، « تُراباً وَ عِظاماً » به کار رفته جز در سوره قاف آیه سوم که « مِتْنا وَ كُنّا تُراباً » آمده و « عِظاماً » ذکر نشده است .

11. در مواردی که «أسئلکم من اجر» به کار رفته ، در همه آنها همراه با علیه است ؛ یعنی به صورت « أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ »؛ و لی در مواردی که به صورت فعل ماضی «سالتکم » به کار رفته است ، علیه ندارد و به صورت « سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ » است .

12. و الذین (معه آمنوا معه)

در همه موارد به صورت « آمَنُوا مَعَهُ » به جز دو مورد در سوره اعراف آیه 64 و 72 که به صورت «معه » آمده است .

13. (الانس و الجن الجن و الانس)

در اکثر موارد به صورت « اَلْجِنِّ وَ الْإِنْسِ » آمده است و فقط در آیات ، 112 سوره انعام و 88 اسراء و 5 جن ، به صورت « اَلْإِنْسِ وَ الْجِنِّ » آمده است .

14. (خفیه خیفه)

در دو آیه بعد از تضرع ، خفیه آمده و در یک آیه خیفه آمده است .

(قُلْ مَنْ یُنَجِّیکُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً ...) (انعام ، 63).

(ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً ...) (اعراف، 55).

(وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خِیفَةً ...) (اعراف، 205).

15. (لعب و لهو/ لهو و لعب)

فقط در دو آیه 64 عنکبوت و آیه 51 اعراف، « لَهْوٌ وَ لَعِبٌ » و در بقیه موارد به صورت « لَعِبٌ وَ لَهْوٌ » به کار رفته است .

16. و من یؤمن بالله (یکفر عنه یدخله)

(...وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللّهِ وَ یَعْمَلْ صالِحاً یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئاتِهِ وَ یُدْخِلْهُ جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِینَ فِیها أَبَداً ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ) (تغابن ، 9).

(...وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللّهِ وَ يَعْمَلْ صالِحاً يُدْخِلْهُ جَنّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً قَدْ أَحْسَنَ اللّهُ لَهُ رِزْقاً) (طلاق ، 11).

ص:160

در آیه 9 سوره تغابن ، عبارت « يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِهِ » در مقايسه با آيه 11 سوره طلاق ، اضافه تر است و بقيه آيه تا ابدا يكسان است .

17. (لا يفقهون لا يعلمون) (منافقون ، 7 - 8)

(هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لا تُنْفِقُوا عَلى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّهِ ... وَ لكِنَّ الْمُنافِقِينَ لا يَفْقَهُونَ) .

(يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنا إِلَى الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لكِنَّ الْمُنافِقِينَ لا يَعْلَمُونَ) .

از قاعده ربط حروف می توان انتهای دو آیه رای ازهم متما یز کرد. به حروفی که زیر آنها خط کشیده شده است ، توجه کنید.

18. (لا يفقهون لا يعقلون) (الحشر، 13 - 14)

(لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَهً فِی صُدُورِهِمْ مِنَ اللّهِ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَفْقَهُونَ) .

(لا يُقاتِلُونَكُمْ جَمِيعاً إِلاّ ..... تَحْسَبُهُمْ جَمِيعاً ... ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَعْقِلُونَ) .

درست مانند مورد شماره 17 می باشد.

19. (و وقاهم عذاب و وقاهم ربهم عذاب)

(لا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلاَّ الْمَوْتَهَ الْأُولى وَ وَقاهُمْ عَذابَ الْجَحِيمِ) (دخان ، 56).

(فاكِهِينَ بِما آتاهُمْ رَبُّهُمْ وَ وَقاهُمْ رَبُّهُمْ عَذابَ الْجَحِيمِ) (طور، 18).

در آیه اول ، «ربهم » ذکر نشده و در آیه دوم «ربهم » دو بار ذکر شده است .

20. (المبطلون الكافرون)

(فَإِذا جاءَ أَمْرُ اللّهِ قُضِیَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ) (غافر، 78).

(سُنَّتَ اللّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ فِی عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْكافِرُونَ) (غافر، 85).

مبطلون در این آیات قبل از کافرون است و علامت آن می تواند این باشد که مبطلون از ریشه بطل و کافرون از ریشه کفر است و باء در ترتیب حروف مقدم بر کاف است .

ص:161

21. (و لكن اكثر الناس)

(لَخَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يَعْلَمُونَ) (غافر، 57).

(إِنَّ السّاعَةَ لَآتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يُؤْمِنُونَ) (غافر، 59).

(اللّهُ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهارَ مُبْصِراً إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يَشْكُرُونَ) (غافر، 6).

در آيه اول ، ازآنجاكه سخن از شناخت عظمت آسمان و زمين است ، به كاربردن علم مناسب است ، ازاين رو فرمود «لا يعلمون ». در آيه دوم ، سخن از قيامت مى باشد كه از امور غيبى است و بايد به آن ايمان داشت ؛ پس فرمود «لايومنون » و آيه سوم ، درباره فضل و نعمت هاى الهى است و ازاين رو بحث شكر تناسب دارد و فرمود «لايشكرون ».

22. (من بعد موتها)

(وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْيا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِها) (عنكبوت ، 63).

آيه فوق ، تنها آيه اى است در قرآن كه به صورت « مِنْ بَعْدِ مَوْتِها » آمده و در ديگر موارد به صورت « بَعْدَ مَوْتِها » آمده است كه عبارت اند از بقره ، 164 و 258؛ نحل ، 65؛ روم ، 19 و 24 و 50؛ فاطر، 9؛ الجاثيه ، 5؛ الحديد، 17.

23. (يعملون اجترحوا) السيئات

(أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ أَنْ يَسْبِقُونا) (عنكبوت ، 4).

(أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ ...) (جاثيه ، 21).

به رابطه بين حروفى كه زير آنها خط كشيده شده است و اسم سور توجه كنيد.

24. (الحيات الدنيا و زينتها)

(وَ ما أوتِيتُمْ مِنْ شَئْ ءٍ فَمَتاعُ الَحَياهِ الدَّنْيا وَ زِينَتُها وَ ما عِنْدَ اللّهِ خَيْرٌ وَ أبْقى ...) (قصص ، 60).

(فَما أُوتِيتُمْ مِنْ شَئْ ءٍ فَمَتاعُ الْحَياهِ الدُّنْيا وَ ما عِنْدَ اللّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقى ...) (شورى ، 36).

ص:162

نکته اول این که در آیه 60 سوره قصص ، « وَ زِينَتُها » آمده است که در آیه سوره شوری وجود ندارد. حافظ قرآن با یادآوری این نکته که در سوره قصص عبارت « فَخَرَجَ عَلى قَوْمِهِ فِى زِينَتِهِ » در آیه 79 آمده است ، می تواند رمزگذاری نما ید.

نکته دوم این که «وما اوتیتم » در سوره قصص ، بعد از «وما کان ربک » آمده است و ازاین حیث با «فما اوتیتم » در سوره شوری متما یز می شود.

25. و جاء (رجل من اقصی المدینه)

(وَ جاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَهِ يَسْعى قالَ يا مُوسى ...) (قصص ، 20).

(وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَهِ رَجُلٌ يَسْعى قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ) (يس ، 20).

در سوره قصص لفظ «رجل » بلافاصله بعد از «جاء» آمده و در سوره یس ، بین «جاء» و «رجل » فاصله است ، تنها علامتی که می توان در نظر گرفت ، این است که در سوره قصص چند آیه قبل از این آیه لفظ «رجلین » آمده و آن می تواند رمزی برای کنارهم آمدن دو جیم در جاء و رجل باشد.

26. (انک فانک) لا تسمع الموتی

(إِنَّكَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتى وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ) (نمل ،80).

(فَإِنَّكَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتى وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ) (روم ،52).

« إِنَّكَ لا تُسْمِعُ » در سوره نمل ، بعد از «انک علی الحق المبین » در آیه قبل آن آمده و « فَإِنَّكَ لا تُسْمِعُ » در سوره روم ، قبل از « فَانْظُرْ إِلى آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ ... » در دو آیه قبل از آن آمده است .

27. (عذب فرات سائغ شرابه)

(وَ هُوَ الَّذِى مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هذا عَذْبٌ فُراتٌ وَ هذا مِلْحٌ أُجاجٌ...) (فرقان ، 53).

(وَ ما یَسْتَوِی الْبَحْرانِ هذا عَذْبٌ فُراتٌ سائِغٌ شَرابُهُ وَ هذا مِلْحٌ أجاجٌ...) (فاطر، 12).

آیه اول، کوتاه تر از آیه دوم است، متناسب با بلندی آیه دوم، زیادتربودن

ص:163

عبارت «سائغ شرابه» می باشد. همچنین حرف سین در دو کلمه یستوی و سائغ می تواند رمز باشد.

28. (ارایت/افرایت) من اتخذ

(أَ رَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً) (فرقان، 43).

(أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللّهُ عَلى عِلْمٍ...) (جاثیه، 23).

حرف فا در هریک از آیات، یک بار آمده است. آن آیه ای که فاء در اولش آمده، در ادامه آیه نیامده است و آن آیه ای که فاء در اولش نیامده، در ادامه آیه آمده است.

29. والخامسه (ان لعنه/ غضب)

(...فَشَهادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهاداتٍ .... وَ الْخامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللّهِ عَلَيْهِ ...) (نور، 6-7)

(وَ يَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهاداتٍ ... وَ الْخامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللّهِ عَلَيْها...) (نور، 8-9).

«الخامسةُ» در آیه 7 مرفوع است؛ زیرا بر «اربعُ شهادات» در آیه 6 عطف شده، و «الخامسةَ» در آیه 9 منصوب است؛ چون بر «اربعَ شهادات» در آیه 8 عطف شده است.

نکته دیگر این است که لفظ «لعنه»، مؤنث است و این لفظ به مذکر «علیه» یعنی زوج برگشته و برعکس، لفظ «غضب» مذکر است و به مؤنث «علیها» یعنی زوجه برگشته است.

30. (سعوا/یسعون) فی آیاتنا

(فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ* وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِی آياتِنا مُعاجِزِينَ...) (حج، 50-51).

(لِيَجْزِیَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ* وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِی آياتِنا مُعاجِزِينَ...) (سبأ، 4-5).

(...فَأُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ آمِنُونَ* وَ الَّذِینَ یَسْعَوْنَ فِی آیاتِنا مُعاجِزِینَ...) (سبأ، 37-38).

این تعبیر در قرآن سه بار به کار رفته است. در دو مرتبه اول، با فعل ماضی «سعوا» و در مرتبه سوم، با فعل مضارع «یسعون». همچنین توجه به تناسب دو حرف نون نیز می تواند راهگشا باشد.

31. (سخرناها/سخرها)

(وَ الْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ ... کَذلِکَ سَخَّرْناها لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ) (حج، 36).

(لَنْ یَنالَ اللّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها ... کَذلِکَ سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللّهَ ...) (حج، 37).

به تناسب کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده است، توجه کنید.

32. فنفخنا (فیها/فیه)

(وَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِیها مِنْ رُوحِنا وَ جَعَلْناها وَ ابْنَها آیَةً لِلْعالَمِینَ) (انبیا، 91).

(وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِیهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ...) (تحریم،12).

برای این که بین فیه و فیها اشتباه نشود، می توانیم از تناسب ضمایر مؤنث به کاررفته در ادامه آیه در سوره انبیا استفاده کنیم.

33. (وجعلناهم ائمه)

(وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ...) (انبیا، 73).

(وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ کانُوا بِآیاتِنا یُوقِنُونَ) (سجده، 24).

(وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النّارِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لا یُنْصَرُونَ) (قصص، 41).

این تعبیر سه بار به کار رفته است و تنها در سوره سجده «منهم» دارد.

34. فجعلناهم (الاخسرین/ الاسفلین)

ص:165

(وَ أَرادُوا بِهِ کَیْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِینَ) (انبیا، 70).

(فَأَرادُوا بِهِ کَیْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَسْفَلِینَ) (صافات، 98).

با ارتباطدادن حروف کلمات و نام سوره ها از اشتباه جلوگیری می شود.

35. (و ماياتيهم من ذكر)

(ما یَأْتِیهِمْ مِنْ ذِکْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلاَّ اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ یَلْعَبُونَ) (انبیا، 2).

(وَ ما یَأْتِیهِمْ مِنْ ذِکْرٍ مِنَ الرَّحْمنِ مُحْدَثٍ إِلاّ کانُوا عَنْهُ مُعْرِضِینَ) (شعرا، 5).

به تناسب حروف کلمه ربهم و نام سوره انبیا توجه شود.

36. ومن الليل فسبحه و(ادبار/ ادبار)

(وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبارَ السُّجُودِ) (ق، 40).

(وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبارَ النُّجُومِ) (طور، 49).

ادبار با فتح، جمع دُبُر به معنای پشت و عقب است. ادبار السجود یعنی بعد از سجده ها (بعد از نمازها). اما ادبار با کسر، مصدر است و به معنای ذهاب و رفتن. ادبار النجوم یعنی رفتن ستارگان. توجه دقیقِ حافظ به معنا در اینجا می تواند اشتباه را برطرف سازد.

37. (وسلک/وجعل) لکم فیها سبلا

(الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَ سَلَکَ لَکُمْ فِیها سُبُلاً وَ أَنْزَلَ...) (طه، 53).

(الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَ جَعَلَ لَکُمْ فِیها سُبُلاً لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ) (زخرف، 10).

در سوره زخرف فعل «جعل» قبل و بعد از این آیه زیاد به کار رفته است. (إِنّا جَعَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا...) (زخرف، 3) (...جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً...) (زخرف، 10) (...کُلَّها وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الْفُلْکِ...) (زخرف، 12) (وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبادِهِ جُزْءاً...) (زخرف، 15) به این وسیله می توان دریافت که در آیه 12 سوره زخرف (وَ جَعَلَ لَکُمْ فِیها سُبُلاً...) آمده است و از اشتباه جلوگیری می شود.

38. فاختلف الاحزاب (من مشهد/ من عذاب)

(فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ) (مریم، 37).

(فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ) (زخرف، 65).

به حروف اول مشهد و مریم توجه شود.

39. آیاتی (وما انذروا/ و رسلی)

(وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاّ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ ... وَ اتَّخَذُوا آياتِی وَ ما أُنْذِرُوا هُزُواً) (کهف، 56).

(ذلِکَ جَزاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِما كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آياتِی وَ رُسُلِی هُزُواً) (کهف، 106).

برای این که بین «ما انذروا» و «رسلی» اشتباه نکنیم، می توانیم بین «وما انذروا» و «منذرین» در آیه 56 رابطه ای را در ذهن بسازیم.

40. شهیداً بینی و بینکم

(قُلْ كَفى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ إِنَّهُ كانَ بِعِبادِهِ خَبِيراً بَصِيراً) (اسراء، 96).

(فَكَفى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ إِنْ كُنّا عَنْ عِبادَتِكُمْ لَغافِلِينَ) (یونس، 2).

(...قُلْ كَفى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ) (رعد، 43).

(...هُوَ أَعْلَمُ بِما تُفِيضُونَ فِيهِ كَفى بِهِ شَهِيداً بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) (احقاف، 8).

(قُلْ كَفى بِاللّهِ بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ شَهِيداً يَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...) (عنکبوت، 52).

در تمام موارد، «شهید» بر « بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ » مقدم است؛ جز در سوره عنکبوت که «شهید» بعد از « بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ » می باشد.

در تمام موارد، « بَيْنِى وَ بَيْنَكُمْ » است؛ جز در سوره يونس كه « بَيْنِى وَ بَيْنَكُمْ » مى باشد.

41. (بعد/ من بعد) علم شيئاً

(وَ اللّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَىْ لا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئاً إِنَّ اللّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ) (نحل، 70).

ص:167

(...ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً وَ تَرَى الْأَرْضَ هامِدَةً...) (حج، 5).

آیه سوره نحل، مختصر و آیه سوره حج، مفصل تر است و همین می تواند نشانه زیادتربودن «من» برای حافظ تلقی گردد. آیه ای که کلماتش زیادتر و مفصل تر است، کلمه بیشتری دارد.

42. نسقیکم مما فی(بطونه/ بطونها)

(وَ إِنَّ لَكُمْ فِى الْأَنْعامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمّا فِى بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَناً...) (نحل، 66).

(وَ إِنَّ لَكُمْ فِى الْأَنْعامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمّا فِى بُطُونِها وَ لَكُمْ فِيها مَنافِعُ كَثِيرَةٌ...) (مؤمنون، 21).

در آیه اول، وجود کلمات «فرث ودم و لبن» که همگی مذکر هستند، می تواند رمزی برای مذکربودن ضمیر در «بطونه» تلقی گردد و در آیه دوم، «منافع کثیره» که مونث است، می تواند راهنمای مؤنث بودن «بطونها» باشد.

43. ولو یؤاخذ الله الناس (بظلمهم/ بما کسبوا)

(وَ لَوْ يُؤاخِذُ اللّهُ النّاسَ بِظُلْمِهِمْ ما تَرَكَ عَلَيْها مِنْ دَابَّةٍ وَ لكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ...) (نحل، 61).

(وَ لَوْ يُؤاخِذُ اللّهُ النّاسَ بِما كَسَبُوا ما تَرَكَ عَلى ظَهْرِها مِنْ دَابَّةٍ وَ لكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ...) (فاطر، 45).

در آیه ای که اول آن حرف «ضاد» به کار رفته است، در ادامه آن، حرف ضاد وجود ندارد و در آیه ای که اول آن حرف «ضاد» وجود ندارد، در ادامه حرف ضاد به کار رفته است؛ یعنی در هیچ یک از آیات دو بار حرف ضاد به کار نرفته است.

44. سیئات (ماعملوا/ ماکسبوا)

(فَأَصابَهُمْ سَيِّئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ) (نحل، 34).

(فَأَصابَهُمْ سَيِّئاتُ ما كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هؤُلاءِ...) (زمر، 51).

در آیه 34 سوره نحل «ما عَمِلُوا» آمده است و این با آیات قبلی آن (آیه 28 و 32)

ص:168

که با تعملون تمام شده، تناسب دارد. همچنین در آیه 51 زمر «ما کَسَبُوا» آمده که با «یَکْسِبُونَ » در آیه قبل آن تناسب دارد.

45. لهم (فیها ما یشاءون/ ما یشاءون)

(...تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُمْ فِیها ما یَشاؤُنَ کَذلِکَ یَجْزِی اللّهُ الْمُتَّقِینَ) (نحل، 31).

(لَهُمْ فِیها ما یَشاؤُنَ خالِدِینَ کانَ عَلی رَبِّکَ وَعْداً مَسْؤُلاً) (فرقان، 16).

(لَهُمْ ما یَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِکَ جَزاءُ الْمُحْسِنِینَ) (زمر، 34).

(...وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فِی رَوْضاتِ الْجَنّاتِ لَهُمْ ما یَشاؤُنَ...) (شوری، 22).

(لَهُمْ ما یَشاؤُنَ فِیها وَ لَدَیْنا مَزِیدٌ) (ق، 35).

فقط دو مورد به صورت « لَهُمْ ما یَشاؤُنَ » آمده و بقیه موارد به صورت « لَهُمْ ما یَشاؤُنَ » است.

46. (ادخلوا/ فادخلوا) ابواب

(فَادْخُلُوا أَبْوابَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها فَلَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ) (نحل، 29).

(ادْخُلُوا أَبْوابَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ) (غافر، 76).

نکته اول آن که آیه ای که اضافه فاء در «فادخلوا» دارد، اضافه لام در «فلبئس» هم دارد و آیه دیگر، هیچ یک از اضافات را ندارد.

نکته دوم از کجا تشخیص دهیم که کدام یک از دوآیه اضافه فاء دارد؟ پاسخ آن است که آیه 29 سوره نحل اضافه فاء دارد و این مطلب را با بودن فاء در «فالقوا السلم» آیه قبل می توان به ذهن آورد.

47. (ومنها/ منها) تاکلون

همه مواردی که در قرآن درباره اکل میوه ها و انعام به کار رفته، به صورت «ومنها تاکلون» است؛ به جز سوره زخرف آیه 73 (لَکُمْ فِیها فاکِهَةٌ

كَثِيرَةٌ مِنْها تَأْكُلُونَ) که بدون واو است.

ص:169

48. و ان علیک(اللعنه/ لعنتی)

(وَ إِنَّ عَلَيْکَ اللَّعْنَةَ إِلى يَوْمِ الدِّينِ) (الحجر، 35).

(وَ إِنَّ عَلَيْکَ لَعْنَتِى إِلى يَوْمِ الدِّينِ) (ص، 78).

در آیه اول، اللعنه «ال» دارد و اسم سوره نیز «ال» دارد.

49. الله یبسط الرزق...

در شش مورد سوره های رعد، 26؛ اسراء، 30؛ روم، 37؛ سبا، 36؛ زمر، 52 و شوری، 12 به صورت (اللّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ...) آمده است.

در دو مورد سوره های عنکبوت، 62 و سبا، 39 به صورت (اللّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ...) آمده و در یک مورد قصص، 82 به صورت (...وَيْکَأَنَّ اللّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ...) بدون «له» آمده است.

50. ولله یسجد (من فی/ ما فی)

(وَ لِلّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً...) (رعد، 15).

(وَ لِلّهِ يَسْجُدُ ما فِى السَّماواتِ وَ ما فِى الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ...) (نحل، 49).

(أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِى السَّماواتِ وَ مَنْ فِى الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ...) (حج، 18).

در سوره رعد، «سماوات و ارض» بدون فاصله با حرف واو عطف شده است؛ مانند «طوعاً و کرها». در سوره نحل، مای موصوله آمده که برای غیرعاقل است و نحل، غیرعاقل است. در سوره حج من موصوله برای عقلا آمده و حج را حاجیان که عقلا هستند، انجام می دهند. این نکات، صرفاً به شکل رمز و علامت برای رفع اشتباه قابل استفاده است.

51. (لاجل/ الی اجل)

این ترکیبِ چهار بار در قرآن به کار رفته است. سه مرتبه به صورت « لِأَجَلٍ مُسَمًّی »

ص:170

در سوره های رعد، 2؛ فاطر، 13؛ و زمر، 5 و تنها یک مرتبه به صورت « إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی » در لقمان، 29.

52. (وانا/ واننا) لفی شک مما (تدعونا/ تدعوننا)

(...وَ إِنَّنا لَفِی شَکٍّ مِمّا تَدْعُونا إِلَیْهِ مُرِیبٍ) (هود، 62).

(...وَ إِنّا لَفِی شَکٍّ مِمّا تَدْعُونَنا إِلَیْهِ مُرِیبٍ) (ابراهیم، 9)

اولاً آیه ای که در ابتدا «نا» دارد، در ادامه «نا» ندارد و بالعکس.

ثانیاً در سوره هود، «تدعو» مفرد است؛ چون خطاب به حضرت هود است، ولی در سوره ابراهیم، «تدعون» جمع است؛ زیرا خطاب به انبیای الهی است.

53. قل من یرزقکم من(السماء/ السماوات)

(قُلْ مَنْ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ یَمْلِکُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ...) (یونس، 31).

(قُلْ مَنْ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللّهُ وَ إِنّا أَوْ إِیّاکُمْ لَعَلی هُدیً...) (سبا، 24).

کلمه سماء در آیه 31 سوره یونس مفرد آمده است و این با آیه 24 این سوره که در آن (...کَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ...) نیز سماء مفرد آمده، تناسب دارد. همچنین جمع بودن سماوات در آیه 24 سبا با جمع بودن آن در آیه 22 همان سوره (...لا یَمْلِکُونَ مِثْقالَ ذَرَّهٍ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ...) تناسب دارد.

54. فلما (انجاهم/نجاهم)

(فَلَمّا أَنْجاهُمْ إِذا هُمْ یَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ...) (یونس، 23).

(...فَلَمّا نَجّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ إِذا هُمْ یُشْرِکُونَ) (عنکبوت، 65).

(...فَلَمّا نَجّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ...) (لقمان، 32).

هرگاه نجات به سوی خشکی «البر» آمده، به صورت «نجاهم» آمده است، نه «انجاهم».

ص:171

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشرنی، 1379.

2. باقری بیدهندی، ناصر، دانشوران روشندل، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1387.

3. جمعی از نویسندگان، دایره المعارف تشیع، تهران، حکمت، 1390.

4. حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم 1368.

5. خوش منش، ابوالفضل، حمل قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388.

6. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، نشر امید، 1416 ق.

7. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1366.

8. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان، ترجمه محسن آرمین، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول، 1385.

9. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، 1404ق.

10. ساعی، سید مهدی، به سوی محبوب، قم، نشر شفق، چاپ پنجم، 1386.

11. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهاردهم، 1377.

ص:173

12. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، مصر، المکتبه التوفیقیه، چاپ دوم،1404 ق.

13. ---------- ، درّ المنثور، لبنان: دارالفکر، 1414ق.

14. سید بن طاووس، کشف المحجه، ترجمه اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1368.

15. شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، 1384.

16. شیخ طوسی، استبصار، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، 1413ق.

17. شهید اول، غایه المراد فی شرح نکت الارشاد، مشهد، آستان قدس رضوی، 1390.

18. شهید ثانی، منیه المرید، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، 1368.

19. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی، چاپ نهم، 1430ق.

20. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، 1408ق.

21. ----------- ، جوامع الجامع، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، 1408ق.

22. عبدالرحمن، جمال، الایقاظ لتذکیر الحفاظ، [بی نا]، چاپ چهارم، 1425ق.

23. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، دانشکده اصول دین، چاپ دوم، 1382.

24. عاملی، سید جعفر مرتضی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، تهران، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، 1374.

25. قاسم احمد، مریم، نگاهی به زندگانی قاریان مشهور قرآن کریم، تهران، [بی نا]، چاپ اول، 1374.

26. کاشفی هروی، الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه، تصحیح جلال الدین ارموی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1362.

27. کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، تهران، اسوه، چاپ چهارم، 1379.

28. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، تهران، اسلامیه، 1378.

29. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، 1403ق.

30. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، 1368.

31. معرفت، محمدهادی، التمهیدفی علوم القرآن، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، 1416ق.

32. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.

33. محدث نوری، میزراحسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاءالتراث، 1408ق.

34. محیسن، محمد سالم، معجم حفاظ القرآن عبر التاریخ، دارالجیل، 1412ق.

35. مجله پیام قرآن، پیش شماره 6، شهریور 72.

36. مدرس، محمدباقر، ستاره های فضیلت، تهران، [بی نا]، 1380.

37. مدرس تبریزی، ریحانه الادب، تهران، انتشارات خیام، 1369.

38. قاسمی، داوود، حافظان نور، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فکرت، 1378.

39. سایت اندیشه قم، بخش حفظ قرآن.

40. سایت سلامت، دانشگاه علوم پزشکی.

ص:175

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109